

# شوفار



شماره ۱۶۹ نشریه قدراسیون یهودیان ایران

زمستان و بهار ۱۳۹۱ خورشیدی، ۲۰۱۲ میلادی، ۵۷۷۲ عبری



شوفاری  
که شاعران کبیر کارند  
کوری کورده سبکی خورده  
پندگاری بر سبکشان  
که بی لری ز یادشان  
شوفاری و ما شونده آوری  
با بسوز درین قامت ما

مات  
میش از عمارت  
میش از عمارت  
میش از عمارت

مات  
میش از عمارت  
میش از عمارت  
میش از عمارت

# *The Fresh Experience*



8730 W.Pico Blvd  
Los Angeles, CA 90035  
E-mail: [elatmarket@aol.com](mailto:elatmarket@aol.com)

Main: (310) 659-7070  
(310) 659-ELAT  
Tape: (310) 650-9983  
Fish: (310) 659-9253  
Meat: (310) 659-9250  
Fax: (310) 659-7434



مدیریت و کارکنان سوپرمارکت معتبر ایلات مارکت

بسیار سربلند و مفتخرند که با عرضه بهترین کالاها و خدمات

با نازل ترین قیمت ها در خدمت هموطنان گرامی می باشند.

*Elat Market*

# IDB BANK

Israel Discount Bank of New York

## با ۵۰ سال سابقه فعالیت در آمریکا

عضو FDIC

- ✓ حسابهای شخصی و تجاری؛ سپرده های بانکی
- ✓ خرید و فروش اوراق قرضه و سهام
- ✓ وام های تجاری و دیگر سرویس های بانکی

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر با

آقای مهرداد لوی صدق (Moti Levy)

با شماره تلفن 861-6440 (213) تماس حاصل فرمایید

آدرس شعبات بانک:

888 S. Figueroa, # 550, Los Angeles, CA 90017, (Tel: 213-861-6455)

9401 Wilshire Blvd, # 600, Beverly Hills, CA 90212, (Tel: 310-860-6320)

511 Fifth Ave, NY, NY 10017, (Tel: 212-551-8500)

1350 Broadway Ave, NY, NY 1018, (Tel: 212-714-5662)

201 Edward Curry Ave. #20, Staten Island, NY 10314 (Tel: 305-530-3429)

18851 NE 29th Ave, # 600, Aventura, FL 33180, (Tel: 305-682-3700)

IDB Bank is a registered service mark of Israel Discount Bank of New York. MEMBER FDIC.

خرید و فروش سهام و اوراق قرضه توسط شرکت وابسته IDB Capital Corp عضو FINRA/SIPC

[www.idbbank.com](http://www.idbbank.com)



# شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا

1317 N. Crescent Heights Blvd.

West Hollywood, CA 90046

Tel: (323) 654 - 4700

Fax: (323) 654 - 1791

www.IAJF.org info@IAJF.org

گردانندگان مجله شوفار از کمکهای خانواده دلجانی به احترام پدر عزیزشان مرحوم عزت الله دلجانی  
برای انتشار این شماره قدردانی و سپاسگزاری می نمایند.

موضوع	نویسنده / گرد آورنده	صفحه
پیشگفتار	مژگان مقدم رهبر	۴
پیام رئیس هیأت اجرایی	شهلا زرگریان جاودان	۷
اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی		۹
<ul style="list-style-type: none"> <li>• سینمار صمیمیت و همراهی با همسر خود</li> <li>• سمینار ازدواج صحیح و به موقع</li> <li>• سخنرانی آقای جوآل آویو</li> <li>• جشن سال نو میلادی</li> <li>• کلاسهای عبری برای کودکان و نوجوانان</li> <li>• جشن نوروز، بسج و همبستگی</li> <li>• سلسله سخنرانیهای صبح شبات</li> <li>• تولد جوپرها در فدراسیون</li> </ul>		
ریاست جدید هیأت مدیره سازمان فرهنگی و آموزشی نصح		۱۱
نکونام مردی که از میان ما رفت		۱۲
نکو مرد	جهانگیر صداقت فر	۱۲
چشم بد	کامران رامین فرد	۱۳
بدرود با استادی عزیز و گرامی	مژگان مقدم رهبر	۱۶
بزرگمردی که از هالوکاست جان بدر برد تا به بشریت خدمت کند		۱۷
سیر تاریخ شکوفایی آثار فارسیهود	دکتر ناهید پیرنظر	۱۹
در رثای مادر	فرشته شبانفر	۲۱
اسرائیل کوچک	ایرج فرنوش	۲۳
حاصل یک تجربه	افسر مقدم	۲۵
کتاب تاریخ یهود	پرویز رهبر	۲۷
در کوچه پس کوچه های خاطرات	بنیامین طیب نیا	۳۰
صندوق عهد	منوچهر کهن	۳۲

## شماره زمستان و بهار

۱۳۹۱ خورشیدی

۲۰۱۲ میلادی

۵۷۷۲ عبری

سردبیر: مژگان مقدم رهبر

شوفار، ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ایجاد ارتباط مستقیم بین خود و افراد جامعه و اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی و ایجاد هماهنگی بین سازمان ها، گروه ها و نسل های گوناگون فعالیت های خود را ادامه می دهد.

شوفار، در انتخاب مطالب، ویرایش متون و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

آثار و مقالات مندرج در شوفار،

بیانگر نظرات نویسندگان آن مقالات بوده، بازتاب عقاید و آرای گردانندگان آن نمی باشد.

مسئولیت مندرجات آگهی ها به عهده شوفار نیست.

شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم برای بخش های مختلف، دعوت به همکاری می کند. نقل مقالات و مطالب نشریه با ذکر مأخذ آزاد می باشد.

مسئول تبلیغات: ژاکلین پژونی

PMC Marketing and Advertising

(۸۱۸) ۶۱۸- ۵۵۵۵

jacklinad@aol.com

نقاشی روی جلد از: میترا فروزان (بوستان پارسی)

حروفچینی، طراحی صفحات و آگهی ها:

مژگان یوسفی ۵۹۳۵-۲۶۴- (۸۱۸)

info@mojandesign.com

## یهودی ایرانی کیست؟

نوشته: مژگان مقدم رهبر (سردبیر)

در یکی از گردهم آئی های دوستانه با عزیزی که کتابهای متعددی درباره فجایع "هولوکاست" و قتل بیش از شش میلیون یهودی اروپایی را خوانده بود، و در مورد این که همه ما باید در این باره مطلع باشیم صحبت می کردیم. حرف از این بود که در ایران به غیر از جمع اقلیت یهودی و کسانی که به رشته تاریخ و علوم سیاسی علاقه داشتند، افراد به صورت عموم در مورد این فجایع وحشتناک، که نه تنها نسبت به یهودیان بلکه هر نژادی که به عقیده آدولف هیتلر ناخالص محسوب می شد، اتفاق افتاد، اطلاع چندانی نداشتند.

برعکس این که در کشورهایی اروپایی و آمریکایی بحث عمومی راجع به "هولوکاست" در کلاسهای درس و بخصوص تاریخ از دوران دبستان شروع می شود، و دانش آموزان تشویق می شوند که کتابهای مستند در مورد زندگی بازماندگان و قربانیان این فاجعه را مطالعه کنند، در ایران تا دوران دبیرستان هیچگونه اشاره ای به موضوع نمی شد و بعد از آن نیز در کلاسهای تاریخ بیشتر تأکید روی نقش و اهمیت جغرافیایی و سیاسی ایران طی دوران جنگ جهانی دوم بود. اصولاً در طول تاریخ، تجربه شخصی، سیاسی و اجتماعی یهودی ایرانی با یهودیان اروپایی و دیگر کشورهای آسیایی تا حد زیادی متفاوت است. بیش از ۲۵۰۰ سال است که جامعه یهودی در تمدن پارس و ایران زمین ریشه دوانده است و با وجود این که به عنوان یک اقلیت مذهبی، یهودی ایرانی همواره مورد تعصب واقع شده است و زمانهای سختی را

در گوشه و کنار کشور خود پشت سر گذاشته و تجربه کرده است، هرگز مانند یهودیان اروپا و دیگر کشورهای خاورمیانه یا آفریقا، مورد اخراج جمعی و یا قتل عام قرار نگرفته است.

یکی از مهمترین اعیاد تاریخ یهودی ایرانی، که در سراسر دنیا توسط یهودیان جهان سالیانه جشن گرفته می شود، عید پوریم و چگونگی رهایی قوم یهود از فنا شدن، توسط استر، ملکه یهودی پارسی با راهنمایی مردخای و دادگری و روشنفکری پادشاه تمدن پارس، خشایار شاه است.

این واقعه خود گویای قدمت و ریشه قوم یهود و درهم پیچیدگی فرهنگ یهود با فرهنگ اصیل پارسی است.

وجود قوانین برای حفظ حقوق بشر و آزادی مذهب در تمدن پارسی، که در سالهای دور در کشورهای غربی به صورت کنونی وجود نداشت، حتی باعث شد تا تعداد کثیری از یهودیان در سالهای بین ۱۴۸۰ تا ۱۴۹۰ میلادی، هنگام تفتیش عقاید مذهبی از طرف کلیسا در کشور اسپانیا به سرزمین ایران پناه بیاورند و خانواده خود را در آن دیار مستقر سازند. بیش از ۲۴۰۰ سال پیش یکی از پادشاهان دربار هخامنشی به یک یهودی ایرانی مأموریت می دهد تا برای بازسازی خانه یهود به اورشلیم سفر کند و برای ان کار از همه نظر او را پشتیبانی می کند. و باز هم طی دوران جنگ جهانی دوم کشور ایران به کودکان یهودی لهستانی که از چنگ آلمان نازی فرار کرده بودند، همه گونه پناه میدهد تا بتوانند به سرزمین اسرائیل مهاجرت کنند.

در همین دوران نیز سفیر محترم ایران در کشور فرانسه با صادر کردن بیش از هزار ویزا برای یهودیان فرانسوی، که در آن زمان نه تنها به وسیله نازیها بلکه با پشتیبانی دولت فرانسه به کمپهای اجباری و سوی مرگ فرستاده می شدند، به یهودیان این کشور راهی برای فرار و پناهندگی می دهد. و دوباره زمانی که یهودیان عراق تحت فشار بسیار بی رحمانه دولت خود قرار گرفتند و بطور کلی از این کشور اخراج شدند، عده کثیری از آنها به ایران پناه آوردند و بسیاری از آنها همچنان در ایران به زندگی خود ادامه دادند.

بر خلاف اطلاع عمومی، یهودیان ایرانی و آنهایی که در سرزمینهای خاورمیانه و آفریقا زندگی کرده اند، از شاخه "سفارادی" یهودیت نیستند و شاخه اصلی ما "میزراحی" نام دارد. قدمت و نوع فرهنگ یهودی میزراحی، تا حد بسیاری طولانی تر و پر ریشه تر از تاریخ فرهنگی یهودیان "اشکنازی" که در اروپای شرقی رشد کرده اند، و یا یهودیان "سفارادی" که در کشور اسپانیا ریشه دوانده اند، است.

حتی امروز در کشور اسرائیل، با وجود این که رهبر بزرگ مذهبی یهودیان شاخه سفارادی، خود سابقه میزراحی دارد و درصد بسیار کمی از پیروان او سفارادی هستند و اکثریت را یهودیان میزراحی تشکیل می دهند، او را به عنوان رهبر بزرگ شاخه سفارادی در جمع سیاسی و اجتماعی کشور معرفی کرده و می شناسند.

جای بسی تأسف است که تعداد کثیری از ما یهودیان ایرانی، که شاید نوع فرهنگ مذهبی مان از خیلی جهات خالص تر و دیرینه تر از فرهنگ مذهبی یهودیان سفارادی و اشکنازی است، در این سوی دنیا فرهنگ و اصالت کهن خود را به دست فراموشی سپرده ایم و تابع رسم و رسوم و عادات شاخه های جدا شده و رشد کرده در دیگر کشورهای جهان شده ایم.

در کشور آمریکا و سراسر کشورهای اروپایی یهودیان "حسیدیم" که رسم و رسوم و فرهنگ مذهبی شان به صدها سال پیش در کشور "لهستان" و اروپای شرقی بر می گردد، با اشتیاق و استقامت هر چه تمام تر این رسوم کهن و فرهنگ را همانند صدها سال پیش دنبال می کنند و آن را جزئی از وجود خود و خانواده و قوم و نوادگانشان می دانند. این دسته و دیگر دسته های مانند آن آنچنان برای رسوم و فرهنگ مذهبی خود احترام قائل هستند که یهودیان را از هر ریشه فرهنگی تشویق نکنند تا مانند آنها نیایش کنند و مانند آنها صحبت کنند، فرهنگ بومی آنها را در خورد و خوراک روزمره دنبال کنند و حتی مانند آنها لباس بپوشند. جای تعجب و تأسف این است که ما یهودیان ایرانی که برای حفظ فرهنگ زیبای ایران باستان، کشوری که از آن ریشه داریم، تا پای جان فعالیت می کنیم، اما برای حفظ فرهنگ و رسوم یهودی میزراحی، که خود قسمتی از تاریخ زیبا و والای ایران است، نه تنها نمی کوشیم بلکه این اصل را عقب افتاده و کهنه حساب می کنیم و تابع رسوم تغییر یافته دیگران شده ایم.

آن دسته از جوانان ما که مایل هستند تا بیشتر در مراسم و فرهنگ مذهبی فعال باشند، چون نمی توانند محیطی را که با رسوم نه "کهنه" بلکه "کهن" میزراحی پیدا کنند، به جمع یهودیان شاخه های دیگر می پیوندند. و البته مثل همیشه که ایرانی در هر کاری می تواند سریعاً رشد کرده و موفق شود، در این گروه و دسته ها نیز خیلی زود به عنوان رهبری می رسند و مریدان ایرانی تبار خود را از فرهنگ میزراحی به فرهنگ های دیگر یهودی سوق می دهند. البته شکی نیست که یهودیت در هر زمانی و به هر شکلی برای بقا و رشد اجتماعی خود، مانند هر گروه اقلیت دیگر، باید به صورتی عمل کند که این فرهنگ و مذهب و قوم و ملت

پابرجا و پاینده بماند، اما ای کاش ما یهودیان ایرانی همانطور که اینگونه برای رشد و پیشرفت یهودیت در فرهنگهای دیگر فعالیت می کنیم، برای نگهداشتن فرهنگ خالص و زیبای یهودی میزراحی و آنچه را که از زمان ملکه استر تا کنون با سربلندی حفظ کرده ایم نیز فعالیت کنیم. همانطور که مراکز مذهبی و یهودی غیر ایرانی را از نظر مالی و فکری پشتیبانی می کنیم، مراکز یهودی ایرانی را نیز با همان اشتیاق پشتیبانی کرده و حفظ کنیم.

چندی پیش برای شرکت در مراسم زیبای بر میتصوای پسر یکی از دوستان و انجام نیایش صبح شبات، به یکی از کنیسه‌های ارتودوکس آمریکایی دعوت شدیم. تعداد مهمانان ایرانی و غیر ایرانی که عضو اصلی کنیسه نبودند و فقط برای احترام و شریک شدن در شادی خانواده در کنیسه جمع شده بودند و تعداد بچه ها در سنین مختلف زیاد بود. برای والدین نگه داشتن این بچه ها برای مدت ۴ تا ۵ ساعت در داخل سالن کنیسه و تأکید بر این که باید به سخنرانی هر سه ربای بسیار عالیقدر و دعا‌های گوناگون در سکوت گوش دهند، کاری بود بس مشکل. بنابراین در آخرین ساعات زمان نیایش، سالن بیرونی کنیسه پر از بچه ها و والدین بود که با علاقه برای شرکت در این جشن گرد هم آمده بودند، ولی به دلیل مسئولیتهای متفاوت و با سلیقه های شخصی ساعات پایانی مراسم را در سالن مجاور می گذراندند. در همین زمان دو تن از مسئولین کنیسه، که اگر حمل بر بی ادبی نباشد یکی از آنها تا نیم ساعت قبل که من در سالن نشسته بودم روی اشکوب در حال چرت زدن بود! وارد سالن مجاور شدند و با عصبانیت داد زدند که باید سکوت را رعایت کنیم و حتی به کودک دو ساله ای که در حال گریه بود با تشر گفته شد که باید ساکت شود. یکی از مادران آمریکایی با آرامش به این مسئول کنیسه گفت، ما

برای شرکت در یک میتصوا و شادی امروز دور هم جمع شده ایم و این تنها راهی است که فرزندانمان با محیط و فرهنگ یهودی می توانند آشنا شوند، اگر احساس راحتی و آزادی نکنیم، از این پس ترجیح می دهیم در منزل بمانیم. در این جا بود که یادم آمد در تمام سالهای کودکی هنگامی که همراه والدین برای هر دلیلی به کنیسه می رفتم، بهترین قسمت آن این بود که هر کسی که مایل بود در سالن و یا حیاط مجاور چند دقیقه ای را به دید و بازدید و دیدن دوستان می گذراند و هرگز هیچ یک از مسئولین کنیسه با عصبانیت و خشونت به ما نگفت که یا از کنیسه خارج شوید و یا به داخل سالن بیایید و به صحبت ما گوش کنید. همه ما در هر سن و سالی که بودیم، می دانستیم که دعا‌های مربوط به عید بخصوص در چه زمانی از روز شروع می شود و برای دیدن تورات و یا حضور داشتن هنگام نیایشها با کمال میل به داخل سالن می رفتیم و با جمع به دعا می پرداختیم.

بدون شک یکی از بهترین خاطرات من و دیگر هم درسیه‌ایم این بود که هر روز صبح درهای کنیسه‌ای مدرسه اتفاق سرموقع باز می شد و با این که هیچ کس ما را مجبور نمی کرد، اکثریت شاگردان با علاقه و شور و شوق وارد کنیسه می شدند و در مراسم نیایش صبحگاهی شرکت می کردند. بچه ها با صدای بلند دعاها را می خواندند و دنبال می کردند، در این میان بازیگوشی می کردند، حرف می زدند، شادی و شلوغ می کردند، اما هرگز کسی به آنها گوشزد نمی کرد که ساکت باشید و از سالن بیرون بروید و یا هنگام سخنرانیهای تکراری و خشک آقایی که پشت پودיום قرار داشت کاملاً سکوت کنید.

در این جا به روح روانشاد دکتر باروخ بروخیم که مدیر و گرداننده این مدرسه و قانون گزار آن بود درود می فرستم، چون مانند دیگر رهبران اجتماعی و مذهبی قوم



# قدردانی از سه عضو نیکوکار جامعه

آقایان کیوان نوین، نخت، فرهاد کمالی و فرامرز کاشانی، مدیران و صاحبان مؤسسه معتبر غذایی ایلات مارکت در طی سالیانتمادی، از هر گونه کمک به مجله شوفار، فدراسیون یهودیان ایرانی، صندوق اضطراری، گروه بانوان فدراسیون کنیسا، و مدارس و همچنین کانون سالمندان یهودی ایرانی کوتاهی نکرده اند.

ضمن سپاس و شکر فراوان از این افراد مسؤل و نیکوکار، سلامتی و موفقیت بیشتر برایشان آرزوی کنیم.

امیدواریم تمام افراد جامعه به پاس نیات خیر و کلههای سیدریغ و بلا عوض، هیئت مدیره ایلات مارکت، این مؤسسه را مورد حمایت و پشتیبانی بیشتر قرار دهند.



یهودی ایرانی می دانست که برای بقاء و حفظ فرهنگ اصیل این قوم باید زیباییهای فرهنگ را اول و قبل از هر چیز به فرزندان خود بیاموزیم و این راز موفقیت و بقاء یهودیت خالص میزراحی و ایرانی است. اهمیت به احساس خانواده و کودکان و مذهب را با تمام افراد خانواده آنطور که مقدور آنهاست شریک شدن.

در حال حاضر موفقیت بسیاری از کنیساهای بزرگ آمریکایی در لوس آنجلس به خاطر همین فرهنگ فراگیر یهودی ایرانی است، که متأسفانه خود ما قدر هیچ یک از این ارزشهای فرهنگی خود را نمی دانیم، و به جای افتخار کردن به این که یهودی ایرانی ریشه و قدمت چندین هزار ساله دارد و قیم و نگهدار تاریخ و فرهنگ استر و مردخای است، در اولین فرصت فرهنگ والای خود را رها می کنیم و دنبال رو دیگران می شویم. یهودی ایرانی در دنیای اجتماعی و سیاسی دیروز و امروز نقش بسیار حساس و مهمی را ایفا کرده و خواهد کرد، و هرگز نباید فراموش کنیم که ما از تبار والای یهودی ایرانی میزراحی هستیم و آزادی آن را داریم که رسوم پر عمق مذهب یهود را با عادات و فرهنگ بومی و قومی خود و با راه و رسم چند هزار ساله خود جشن بگیریم و دنبال کنیم. با امید این که فرارسیدن بهار مژده آور آزادی و آزادگی برای تمام مردم دنیا باشد.

## خواننده عزیز

ما مشتاق هستیم که نظریات و عقاید شما را درباره نشریه شوفار و خدمات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا را دریافت کنیم. لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.

**Shofar Publication**

1317 N. Crescent Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
(323) 654 - 4700

# پیام رئیس هیأت اجرایی، خانم شهلا زرگریان جاودان

## اکنون... پیام ما... رسیده است به گوشها



دوم ایران سرزمین آباء و اجدادی ما که یادآور ۲۵۰۰ سال یگانگی یهودیان و غیر یهودیان ایران و سرشار از دوستی، یابوری و هم زیستی ما بود.

ما ملت یهودی ایرانی بلندی ها و سرایشی های فراوانی را در عرض این ۲۵ قرن پشت سر گذاشته ایم و طوفان های تاریخی را هماهنگ با سایر مردم کشور خود تحمل کرده و کشتی هویت یهودی خود را سالم به ساحل کشیده ایم.

سوم اسرائیل و البته با پشت سر گذاشتن موعد مقدس پسخ - جشن قیام و آزادی یهودیان از بردگی در مصر جای آن دارد که همگی در زمانی که یهودیان در سراسر جهان در مقابل سفره پسخ با خانواده خود گرد هم آمده اند بیاد بیاوریم که کتاب تاریخ یهود مملو از صفحات بسیار از تلاطم های بی شمار قوم سرگردان بوده و از صمیم قلب از پروردگار خود تقاضا کنیم که در سرزمین موعود ما، آن نقطه کوچک بر کره زمین، صلح و صفا و موفقیت و شادمانی عرضه کند و خانه اجدادی ما را پایدار نگهدارد.

فدراسیون یهودیان ایرانی این موقعیت ویژه جامعه یهودی ایرانی خارج از کشور را همواره به یاد دارد و برای پیشرفت و ایجاد همبستگی میان تمام گروهها و رسیدگی به نیازهای کلیه افراد جامعه از طریق فعالیت های کنونی فدراسیون، فهرستی از مقداری از فعالیت های این سازمان را در زیر فراهم

درجات علمی، صنعتی و تجاری رسیده است، و یکی از موفق ترین گروه مهاجرین در آمریکا را تشکیل می دهد، فدراسیون نیز سعی کرده با یاری گرفتن از تکنولوژی جدید و نیروی جوان خدمات اجتماعی و فرهنگی خود را گسترش دهد و فعالیت های گوناگون خود را به اطلاع تمام جامعه برساند.

هزاران پرسشنامه که از طریق الکترونیکی و پستی از طرف فدراسیون برای عموم ارسال شده، ما را با تفکر نسل جوان بیشتر آشنا نموده است. مشکلات و نیازهای جامعه توسط اعضاء فعال و متخصص فدراسیون بررسی شده اند و برای رفع این احتیاجات و رسیدگی به مسائل، برنامه های بسیار مؤثر به طور رایگان برای تمام جامعه ایرانی در طی چند سال گذشته تهیه شده و در مرکز فدراسیون برگزار شده است که با استقبال بی نظیر جامعه همراه بوده است.

نگاه کوتاهی به فهرستی از فعالیت های فدراسیون شاهد صحت این استقبال است. امروز هیئت مدیره فدراسیون با آگاهی کامل از موقعیت حساس کنونی جامعه بسیار نادر یهودی ایرانی که عشق سه کشور بسیار متفاوت و متضاد را در قلبش دارد، برای پیشرفت آن می کوشد.

اول سرزمین موقعیت ها که پناهگاه ما در دوران بی پناهی شده است. خانه عزیز و جدید ما که با آغوش باز همگی مهاجران را پذیرفته و موقعیتی دارد که با فعالیت و پشتکار می توانیم زندگی شایسته ای برای فرزندان خود تهیه نمایم.

هنوز اولین گروه مهاجران و پناهندگان ناشی از انقلاب ایران در این سوی دنیا جا نیفتاده بودند که نیاز شدید جامعه به وجود یک انجمن غیر انتفاعی، که بتواند جوابگوی مسائل گوناگونی که مردم در دیار غریب با آن روبرو بودند، باشد، آشکار شد و دلیلی برای بنیاد فدراسیون یهودیان ایرانی در لوس آنجلس گردید.

در آن زمان فدراسیون اساسی ترین و مؤثرترین منبع پشتیبانی جامعه ایرانی یهودی و غیر یهودی، برای کمک کردن به مسائل مهاجرتی، مالی و اجتماعی بود و در طی سالها این سازمان با توانایی بسیار و عزمی راسخ برای یاری جامعه ایرانی و رفع مشکلات آن به فعالیت های خود ادامه داد.

با گذشت زمان و رحمت پروردگار بسیاری از آرزوها همچون یک معجزه الهی به حقیقت پیوستند، مهاجرین سرگردان منزل دائم خود را یافتند، جستجو کنندگان کار، شاغل گشتند و بازرگانان راه گم کرده به سرمایه داران موفق تبدیل شدند.

در آن زمان دیگر نقش استثنایی و اساسی فدراسیون در نظر جامعه موفق و جا افتاده یهودی ایرانی بیشتر به صورت یک خدمت عادی و طبیعی در آمد. نیرویی شبیه به قدرت پشتیبانی پدر و عشق مادری به فرزندان! - قدرتی که وجودش به ما احساس امنیت میدهد ولی احتیاج به آن را احساس نمی کنیم تا زمانی که مشکلی غیر معمول برایمان پیش بیاید.

ولی حقیقت این است که همانطور که نسل دوم ما به تحصیلات عالی و به مهم ترین

آورده است تا عموم جامعه با خدمات متفاوتی که در فدراسیون موجود است بیشتر آشنا شوند:

### فعالیت های کنونی فدراسیون یهودی ایرانی

- ۱- حفاظت حقوق ایرانیان یهودی در سراسر جهان
- ۲- کمک و همراهی با مهاجرین جدید ایرانی در تکمیل اسناد مربوط به پرونده تقاضای اقامت
- ۳- کمک های مالی از طریق صندوق اضطراری
- ۴- اهداء کوپن های غذایی دو مرتبه در سال قبل از روش هشانا و پسخ
- ۵- میانجیگری برای رفع و حل اختلافات خانوادگی و تجارتي بوسیله کمیته حل اختلافات
- ۶- فعالیت های لازمه درباره حل مشکلات اجتماعی (غیر سیاسی) از طریق مکاتبه با اعضاء کنگره آمریکا و کالیفرنیا توسط کمیته روابط خارجی
- ۷- همکاری با سازمان های وابسته و اجرای برنامه سالیانه گردهم آئی سازمان های غیر انتفاعی یهودی در پیروی از پیام "یگانگی در خدمت به جامعه"
- ۸- کمیته **Sheriff Advisory** برای آموزش جوانان درباره قوانین موجوده و جلوگیری از وارد شدن آنها به فعالیت های غیر مجاز
- ۹- انتشار مجله شوفار که پیام آور خدمات فدراسیون و سازمان های وابسته و شامل جدید ترین مقاله ها درباره مسائل مربوطه به جامعه است
- ۱۰- تماس گرفتن با اعضاء جامعه بوسیله **Facebook Page**، **IAJF website**، **e-Newsletter** و **Email Blast** بوسیله کمیته روابط عمومی (Public Relations)
- ۱۱- تأسیس **Persian Maimonides Foundation** برای ترجمه کتاب راهنمای سرگشتگان، این شاهکار فلسفی، به زبان شیرین فارسی که هدیه ای است جاودانی

برای نسل های بیشمار فارسی زبان دنیا..  
عرضه کردن **Cafe' Rambam** جلسات هفتگی برای درک فلسفه این کتاب

۱۲- کمیته **Intervention** برای راهنمایی کسانی که احتیاج به کمک متخصصین روانکاو دارند.

۱۳- نظرخواهی همگانی به وسیله ارسال پرسشنامه های تهیه شده برای شناسایی مشکلاتی که جامعه ما بخصوص جوانان ما با آن روبرو هستند بوسیله کمیته **outreach** و آموزش والدین درباره رفع این مشکلات.

۱۴- یکی از مهمترین مسئولیت ها و وظایف فدراسیون به عهده گرفتن رل صدای جامعه و آدرس جامعه ما بوده و هست.

۱۵- حمایت از **کانون سالمندان**

۱۶- یافتن تمامی کمک ها و خدمات اجتماعی موجوده بوسیله سازمان های غیر انتفاعی و آشنا ساختن جامعه با چگونگی دسترسی به این خدمات به وسیله کمیته **Resources**

۱۷- آشنا ساختن خانواده ها با "احتیاجات مخصوص" کودکان استثنایی و تشویق آنان به دریافت کمک و گرفتن خدمات مختلف.

۱۸- تهیه و فراهم آوردن سمینارهای سلامتی برای عموم به وسیله کمیته سلامتی و تندرستی

این سمینارها به صورت رایگان در رابطه با انواع مسائل مربوط به سلامت جسمانی، روحی و روانی با همکاری متخصصین معروف و محبوب جامعه مرتباً برگزار می شود.

۱۹- فدراسیون خوشوقت است که یک مرکز اجتماعی برای جامعه است که در آن مراسم بیشماری چه یادبودها و چه جشن های مختلف زندگی چون ازدواج با قیمت مناسب و با آبرومندی کامل برگزار می شود. کمیته ساختمان برای زیباسازی و اضافه کردن پارکینگ سرپوشیده برای

راحتی اعضاء جامعه فعالیت های بی وقفه داشته است.

۲۰- "آموزش رهبری" یکی دیگر از خدماتی است که فدراسیون بوسیله کمیته **Leadership Training** ارائه میدارد.

۲۱- کمیته **Jewish Singles Network** موقعیت های استثنایی در محیط سالم برای ملاقات جوانان با یکدیگر ارائه میدهد.

۲۲- کمیته کنیسا بهترین موقعیت را برای تعلیم فرزندی که می خواهند **Bar/Bat Mitzvah** بشوند بوسیله کلاسهای خصوصی آماده می کند.

۲۳- کمیته بانوان فعالیت های بشمارای را ارائه میدهد از جمله:

الف. برای استحکام هویت و رسوم یهودیت برنامه های شب شبات بسیار زیبایی اجراء می شود که همگی خانواده را در یک محیط دلنشین به دور هم جمع می کند

ب. به دلیل ضعف اقتصادی کنونی و نگرانی که مبدا خانواده ای قدرت مالی فرستادن فرزندان خود را به دانشگاه نداشته باشد سمینار عظیمی با شرکت نمایندگان دانشگاه ها و ریاست قسمت کمک مالی آنها برای جوانان سالیانه ترتیب داده می شود که با استقبال شدید خانواده ها روبرو است.

ج. تعلیم و اجراء مراسم پرشور و هیجان بت میتصوای گروهی بانوان

د. مراسم بزرگداشت خادمین اجتماع  
ه. سمینارهای بیشمار درباره مسائل مهم امروز  
به یاد داشته باشیم که:

**Iranian American Jewish**

**Federation's cause is you & your well being.**

✳️ علت وجود فدراسیون یهودیان ایرانی، شما و رفاه شما است.

# اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی

## سمینار "صمیمیت و همراهی با همسر خود"

در روز چهارشنبه ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ از ساعت ۷ بعد از ظهر سمیناری تحت عنوان "صمیمیت و همراهی با همسر خود" توسط کمیته بانوان و فدراسیون یهودیان ایرانی در مرکز فدراسیون برگزار شد. گرداننده و سخنران برنامه خانم "هما حلیمی نصیر زاده"، مشاور ازدواج و خانواده در مورد چگونگی رفتار با همسر خود و نزدیکتر شدن به یکدیگر به عنوان یک زوج صحبت کردند. بیش از ۱۵۰ نفر شرکت کننده از این برنامه که به صورت رایگان برای عموم ارائه داده شد، استقبال کردند.

## سمینار "ازدواج صحیح و به موقع"

یکشنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۱۱ از ساعت ۶ تا ۹ بعد از ظهر برنامه ای بسیار متفاوت به همت کمیته بانوان، کمیته توسعه و گسترش و کمیته امکانات فدراسیون یهودیان ایرانی، در گالری "ربکا ملایم" واقع در شهر "وست هالیوود" درباره روابط جوانان قبل از ازدواج برگزار شد.

مجریان و سخنرانان این برنامه دکتر دوریت حلاوی میلر و دکتر فرناز سارگوگلجی درباره شناخت صحیح در هنگام انتخاب همسر و درک یکدیگر قبل از ازدواج و نقش خانواده و والدین در یک ازدواج موفق صحبت کردند و رودیه در نظر گرفته شده برای این برنامه مبلغ ۲۰ دلار بود و با پذیرایی "سوشی" و "شراب" و بازدید از نقاشی های گالری "ملایم" شروع شد و با

استقبال کم نظیری از طرف گروه جوانان روبرو بود.

## سخنرانی آقای "جوال آویو"



روز یکشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲، فدراسیون یهودیان ایرانی مهماندار آقای "جوال آویو" رئیس کنونی شرکت "اینترنور" نویسنده کتاب "محفوظ ماندن" و بازپرس و مأمور تحقیق ارشد در بمب گذاری و سقوط هواپیمای شماره ۱۰۳ "پان آمریکن" بود. در این برنامه که پس از صرف صبحانه به صورت سخنرانی، پرسش و پاسخ در سالن نعمان مرکز فدراسیون برگزار شد، تعداد کثیری از علاقمندان به تاریخ و تحولات کنونی سیاسی در آمریکا، اسرائیل و خاورمیانه شرکت کردند.

## جشن شب "سال نو میلادی"

با همکاری و برنامه ریزی کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی جشن باشکوه و پر از شور و شادی برای استقبال از سال نو ۲۰۱۲ در سالن نعمان مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار شد. تعداد کثیری از علاقمندان همراه با تمام اعضای خانواده خود تا پاسی از نیمه شب و آغاز سال نو در این ضیافت رقص و پایکوبی کردند. برنامه های متفاوت هنری و سرگرم کننده برای تمام سنین، از جمله شعبده بازی، برنامه کمدی و

تدریس رقص سالسا به همراه برنامه فوق العاده موسیقی توسط هنرمند محبوب پدرام، برای آن شب فراموش نشدنی در نظر گرفته شده بود که مورد استقبال بسیار مدعوین قرار گرفت.

## کلاسهای عبری برای کودکان و نوجوانان

به درخواست بسیاری از اعضاء جامعه، فدراسیون یهودیان ایرانی کلاسهای خصوصی تدریس زبان عبری را برای علاقمندان و نوجوانانی که برای مراسم برمیثصوا و بتمیصوای خود آماده می شوند ادامه میدهد. این کلاسها توسط معلم پرتوان و با تجربه خانم نلی میزراحی برگزار می شود و با استقبال بسیار جامعه و والدین روبرو بوده است. در این کلاسها علاوه بر آموزش دقیق و صحیح مراسم مذهبی، دانش آموزان تاریخ و رسوم یهودیت را نیز یاد می گیرند. علاقمندان می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر و نام نویسی در این کلاسها با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرند.

## جشن نوروز، پسخ و همبستگی

روز پنجشنبه ۲۹ مارچ ۲۰۱۱، کمیته بانوان و کمیته امکانات فدراسیون یهودیان گرد هم آیی سالیانه همبستگی سازمان ها را مصادف با ایام نوروز و پوریم و فرارسیدن عید پسخ در سالن نعمان واقع در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی جشن گرفتند. در این گردهم آئی نیم روزی نمایندگان ده ها سازمان و مرکز غیر انتفاعی که در جامعه ایرانی فعال هستند و هر کدام به نوبه خود خدماتی مفید برای جامعه انجام می دهند، حضور داشتند و هر کدام خدمات و اهداف

## تولد جوپرها در فدراسیون!

گروه جوانان جوپرز به عنوان کمیته جوانان فدراسیون یهودیان ایرانی لس آنجلس به جمع کمیته های این فدراسیون پیوست. جوپرز به ابتکار جمعی از اعضای سابق سازمانهای جوانان یهودی ایران شکل گرفته، و با هدف نزدیکتر ساختن اعضای نسل جوان جامعه یهودی ایرانی مقیم لس آنجلس، برگزاری برنامه های مفید فرهنگی و تفریحی، و کشف و معرفی استعدادهای هنری جامعه پا به عرصه پر مخاطره فعالیت اجتماعی در لس آنجلس نهاده است! هیات مدیره فدراسیون یهودیان ایرانی ضمن فراهم ساختن محل برگزاری جلسات و برنامه های این گروه در یکی از سالنهای ساختمان فدراسیون، آمادگی خود را در جهت حمایت بیشتر از برنامه های مربوط به نسل جوان اعلام نموده است.

اعضای گروه جوپرز گردهمایی دوستانه ای به مناسبت جشن پسخ برگزار نموده، خروج تاریخی نیاکان قوم یهود از سرزمین بندگی را با نمایش و تبادل نظر درباره فیلمی مستند از چالشها و دستاوردهای نخستین مهاجران یهودی به آمریکا یادآوری نمودند. برنامه های کوهنوردی، دوچرخه سواری، موسیقی، شب شعر، مسابقه، پخش فیلم، و بحث آزاد از جمله برنامه های آینده جوپرهاست.

جوپرها دست همکاری جوانان عزیز جامعه را به گرمی میفشارند. برای اطلاعات بیشتر لطفا با این گروه تماس داشته باشید:

[www.fadebook.com/groups/jewpers](http://www.fadebook.com/groups/jewpers)

[iajf.jewpers@gmail.com](mailto:iajf.jewpers@gmail.com)

(213) 9PERJEW

(213) (973-7539)

**"Jewper" stands for Jewish Persian ☺**

سخنرانیها می توانند با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرند.

## سینار امن و آماده

روز پنجشنبه ۲۶ آوریل ۲۰۱۱ به همت کمیته سلامتی و تندرستی فدراسیون یهودیان ایرانی سمیناری تحت عنوان "امن و آماده" با همکاری نزدیک "صلیب سرخ آمریکا" برای اطلاع تمام افراد و اعضای خانواده برگزار شد. در این سمینار اطلاعات ضروری و مورد نیاز در رابطه با سلامت محیط زیست خانه و آمادگی برای مصیبتهای طبیعی و غیره در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. در این برنامه ویژه، که مانند دیگر برنامه های کمیته سلامتی و تندرستی شرکت در آن به صورت رایگان و برای عموم آزاد است، دکتر سالار نیکو راجع به آخرین پژوهشها در رابطه با مواد مسموم که به صورت آزاد در منزل و محیط کار با آن سر و کار داریم و چگونگی دوری گرفتن از این مواد صحبت کرد. سپس برنامه ویژه ای از طرف صلیب سرخ آمریکا در مورد آماده بودن و عکس العمل درست در مقابله با مصیبتهای طبیعی، از قبیل زلزله و سیل، و دیگر حادثه های ناگهانی که می تواند باعث دگرگونی زندگی روزمره شود برگزار شد.

برنامه صلیب سرخ توسط ایمان خرمیان یکی از داوطلبان فعال صلیب سرخ آمریکا اجرا شد. ایمان خرمیان که سال آخر را در دبیرستان پسیفیک پالیسید می گذراند و در آمریکا به دنیا آمده، با تسلط و توانائی این برنامه را به زبان فارسی اجرا کرد. به همت داوطلبان رؤسای کمیته سلامتی و تندرستی جعبه های مخصوص اورژانس که برای این حوادث غیر قابل پیش بینی طراحی و بسته بندی شده در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

سازمان خود را معرفی کردند. گردانندگان این برنامه سالیانه امیدوارند که با در دسترس گذاشتن اطلاعات کافی در مورد خدمات هر سازمان، کلیه این سازمانها بتوانند نقش مفیدتری را در جامعه ایفا کنند و با همبستگی و اتحاد با یکدیگر در پیشرفت جامعه مؤثر باشند. گردهم آئی "همبستگی سازمانها" همراه با صرف ناهار و موسیقی دلپذیر هنرمندان محبوب سهراب و پرژاد، و بوتیک مخصوص برای شرکت کنندگان از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر ادامه داشت.

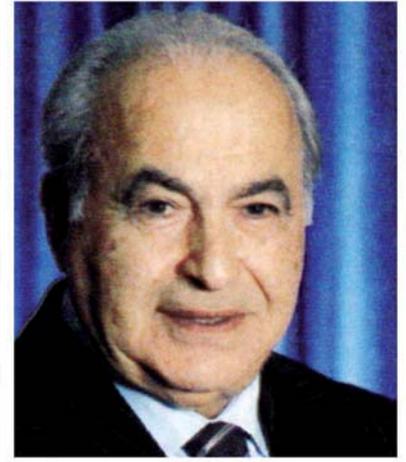
## سلسله سخنرانیهای "صبح شبات"

از روز شنبه ۳ مارچ ۲۰۱۱ مجموعه سخنرانیهای جالب و آموزنده صبح شبات در کنیسی "بت ال" وابسته به مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی شروع شدند. اولین برنامه سوم مارچ با گرامیداشت خدمات روانشاد بانو ملیحه سپهر کشفی و زنده یاد پروفیسور امون نتصر و سخنان کوتاه دکتر ناهید پیرنظر در مورد خدمات این دو شخصیت، برگزار شد.

سپس برنامه ویژه "چهره هایی از اسرائیل" که توسط گروهی از جوانان متخصص اسرائیلی که به صورت داوطلب در این برنامه شرکت کرده بودند، اجرا شد. در این برنامه ویژه که توسط "وزارت سیاست ملی و امور خارجه اسرائیل" طراحی شده بود، شرح داستان اسرائیل و زندگی این جوانان و خانواده های آنها از دیدگاه هر فرد به طور جالب و مستندی ارائه شد که بسیار آموزنده و تحسین برانگیز بود. پس از برنامه نیایش شبات و سخنرانیها از مهمانان کنیسا در سالن مجاور با صبحانه سنتی شبات پذیرایی شد. علاقمندان برای گرفتن اطلاعات بیشتر در مورد برنامه های آینده این مجموعه از

## ریاست جدید هیأت مدیره سازمان فرهنگی و آموزشی نصح

ایرانی انتخاب دکتر پرویز اخوت را به ریاست سازمان فرهنگی و آموزشی نصح صمیمانه تبریک می گوید و از علاقمندان و خوانندگان عزیز شوفار تقاضا می کند که برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه فعالیتهای اجتماعی دکتر اخوت به مصاحبه اختصاصی شوفار با ایشان در بخش انگلیسی همین شماره مجله توجه فرمایند.



در اولین ماه های سال ۲۰۱۲ جناب دکتر پرویز اخوت به عنوان رئیس جدید هیأت مدیره سازمان فرهنگی و آموزشی نصح

انتخاب شدند. جامعه یهودی ایرانی با فعالیتهای اجتماعی دکتر اخوت همواره آشنا هستند.

دکتر پرویز اخوت درجه دکترا را در رشته های داروسازی و دامپزشکی از دانشگاه تهران دریافت کردند و پس از آن برای انجام کارهای پژوهشی و تحقیقاتی به انگلستان سفر کردند. ایشان پس از بازگشت به تهران، جدا از فعالیتهای شغلی خود همواره در کارهای اجتماعی فعال و کوشا بودند. ایشان یکی از مؤسسين و اعضاء فعال سازمان فرهنگی نصح بوده اند و همواره برای پیشرفت این سازمان و پیشبرد جامعه یهودی ایرانی کوشیده اند. فدراسیون یهودیان

### خواننده عزیز

ما مشتاق هستیم که نظریات و عقاید شما را درباره نشریه شوفار و خدمات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا را دریافت کنیم.

لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.

**Shofar Publication**

1317 N. Crescent Blvd.

West Hollywood, CA 90046

(323) 654 - 4700

## Complete Eye Exam For All Ages LASIK/PRK Consultation And Surgery

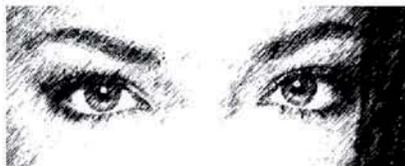
مراقب بینایی خود باشید

**Repair Of Retinal Tear, Treatment Of  
Diabetic Retinopathy And glaucoma With Laser**

**Cataract And Glaucoma Surgery  
With The Newest Techniques  
Eyelid Surgery And Botox Injections**

دکتر ژوزف کرنندیان جراح و متخصص چشم

**FREE CONSULTATION FOR LASIK SURGERY**



معاینات کامل چشم در تمام سنین

رئانی از عینک و کانتکت لشر بالیزر (LASIK/PRK)

پارکهای شبکیه و اختلالات چشم در بیماری قند و آب سیاه توسط لیزر

جراحی آب سیاه و آب مروارید با متدهای جدید

جراحی زیبایی پلک و BOTOX

**JOSEPH KERENDIAN, M.D.**

American Board of Ophthalmology (ABO)  
Graduate of USC school of medicine

Northridge (818) 832-5551

Beverly Hills (310) 360-0152

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

## نکونام مردی که از میان ما رفت



با کمال تأسف و تألم درگذشت آقای ابراهیم یاحید، یکی از اعضای فعال و خیر جامعه یهودی ایرانی را به کلیه بازماندگان او به ویژه خواهرزاده او، آقای جهانگیر صداقت فر، شاعر عالیقدر و یکی از همراهان و پشتیبانان نشریه شوفار، و خانم الهه بروخیم یاحید، یکی از اعضای هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی و تمام خانواده های وابسته تسلیت می گوئیم.

آقای ابراهیم یاحید چه در ایران و چه در دوران پس از مهاجرت در لوس آنجلس همواره در کارهای اجتماعی و خیریه فعال بودند و برای پیشرفت جامعه قدمهای بسیار مثبت برداشته اند. پس از ورود به آمریکا در سال ۱۹۷۹ همکاری خود را با فدراسیون یهودیان ایرانی شروع کردند و عضو هیأت مؤسس این سازمان و تا لحظات آخر، عضو فعال هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی و در دوره های متفاوت دبیر شورای داوری و حل اختلافات این سازمان بوده اند. آقای یاحید یکی از اعضای هیأت مدیره و مؤسسین مجتمع فرهنگی نصح اسرائیل، و مبتکر تورهای علمی و تور دانش آموزان و جوانان یهودی به اسرائیل بوده ند و خدمات ارزنده ایشان در سالهای بعد از مهاجرت به آمریکا برای مهاجرین تازه وارد همواره قابل تحسین بوده است.

به پاس خدمات ارزنده و صادقانه آقای ابراهیم یاحید از خواهر زاده گرامی او، آقای جهانگیر صداقت فر، اجازه خواستیم تا سروده پر از مهر و زیبایی "نیکو مرد" را که درباره دائی عزیز خود نوشته اند در متن این یادبود کوتاه از خدمات بی ریا و ارزشمند آن شادروان چاپ کنیم.

رئیس و اعضای هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی  
رئیس و اعضای هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی

## "نیکو مرد"

از: جهانگیر صداقت فر

سبدی دارد پر شیرینی، لبخند، نشاط...  
و پر از میوه ی فصل،  
و می آویزد،  
- دست و دل بازانه -  
سبدش را به درختی سر هر کوچه و هر معبر شهر  
تا که هر عابر این راهگذر  
"بی نیازی" را مشت مشت بردارد  
حرفه ی اصلی او، دایی من  
نقش لبخند نشانندن به لب مردم دلمرده است؛  
با کلامی شیرین  
شستن تلخی ایام ز کام،  
و زداییدن زنگار غم از خاطره ی مردم آزرده است؛  
بس که نازکدل و غمخواره و پر احساس است؛  
داغ هر سوته دلش  
دل می آزارد.

دایی من چه صفایی دارد،  
مثل یک درویش: قناعت کردار  
مثل یک شاعر: بی پیرایه  
مثل یک آدم خوب: پاک، زلال  
این سخاوت پیشه  
مثل باران بهار است و طراوت را  
بی محابا همه جا می بارد

\*\*\*

قدر او را میدانم من، آری  
- مثل آن لحظه ی کوتاه که خورشید سرک می کشد از پشت  
سراپرده ی ابرینه ی دلتنگی  
و تو نیز،  
این چنین گوهر بی همتایی، اگر هست کنار  
بودن اش را،  
باری، ای دوست،  
غنیمت بشمار.

## "چشم بد"

از: کامران رامین فرد

باورها و اعتقادات فردی هر یک از ما، یکی از عوامل تشکیل دهنده شخصیت ماست. این باورها نقش بسیار مهمی در زندگی افراد بازی می کنند، به طوریکه تمام تصمیمات و قضاوتهائی که ما روزانه و به طور مداوم انجام می دهیم بر مبنای همین اعتقادات است. همین داوریهها و تصمیمات کوچک و بزرگ روزمره است که تابلوی زندگی و عمر ما را طراحی و به مرور زمان آن را رنگ آمیزی می کند.

پاره ای از این باورها که پایه سنجشهای آینده ما می گردد از زمان کودکی بیشتر از طریق آموزشهای پدر و مادر در وجود ما نهادینه می شوند و سپس در دوران بزرگسالی به صورت یکی از ارزشهای اخلاقی در حافظه ما ثبت و مورد استفاده قرار می گیرند.

یکی از این باورها اعتقاد به "چشم بد" است که در میان تمام ادیان و اقوام آسیائی نژاد به خصوص ملت های ساکن خاورمیانه ریشه ای عمیق دارد. البته آن را می توان در میان برخی از اروپائیان و حتی آمریکائی تباران که خود را بسیار مترقی به حساب می آورند نیز پیدا کرد.

ایتالیائی ها شاخی کوچک همراه کلیدهای خود در جاکلیدی دارند که وقتی که احساس می کنند با چشم بد شخص مواجه شده اند دست در جیب کرده و شاخ کوچک را لمس و مالش می دهند و بدینوسیله چشم بد را از خود دور می کنند. در این شهر و دیار هم همگی ما جمله "بزن به چوب" را از دهان آمریکائیان شنیده ایم.

ما یهودیان که تمام ارزشهای فکری، معنوی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی

خود را از کتاب آسمانی "تورات" ارث برده ایم چطور می توانیم با اینهمه پافشاری به چشم بد اعتقاد داشته باشیم؟ در حالی که در هیچ یک از ۵ جلد کتاب تورات هیچ اشاره ای به این موضوع نشده است.

تنها ربط بی موردی که برخی آن را مترادف با چشم بد می پندارند داستان "بیلعام" است که "بلاق" دشمن یهودیان از او می خواهد تا ملت یهود را نفرین کند، که همانطور که می دانیم وقتی که بیلعام به بالای تپه ای می رود تا با مشاهده قوم یهود آنها را نفرین کند ناخودآگاه به جای نفرین دعاهاى خود را برای پایداری و برکت این قوم به زبان می آورد.

ما اغلب اوقات تقصیر اتفاقات ناخوشایندی را که برایمان پیش می آید به گردن چشم بد دیگران می گذاریم. در صورتیکه اگر کمی دقیق و منصفانه دلایل به وجود آورنده آن اتفاق را بررسی کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که سهل انگاری، عدم پذیرش مسئولیت و یا عدم داشتن اطلاعات و آگاهی لازم عوامل بوجود آورنده آن می باشند.

البته از نظر روانی بسیار آسان تر است که به جای تحقیق، بررسی، تامل و تعقل در علتهای بوجود آورنده حادثه با گفتن یک جمله "چشم بد فلانی بود" خود را خلاص کنیم.

شاید مثالی در این مورد موضوع را کمی برای ما شفاف تر کند.

دزدی به طریقی قسمتی از دارائی ما را به تاراج می برد. اولین دلیلی که برای موجه کردن آنچه که بر سر ما آمده است پیدا می کنیم چشم بد است که این .. (هر شیئی منقولی که دزد می تواند با خود ببرد) را دو روز قبل یا دو هفته قبل و یا ... فلانی و بهمانی دیدند و خیلی از آن تعریف کردند و حتماً چشم بد ایشان بود که آن را دزد برد. اگر از آنها سؤال شود چشم بد فلان دوست یا فامیل چگونه دزدی را از راه دور

و ندیده و بدون هیچ رابطه ای پیدا کرد و پیغام برای او فرستاد که بیاید و این شیئی با ارزش را از فلان شخص بزدد، پاسخ می شنوید که "آقا 'چشم بد' راست است انشاءالله که به سر شما نیاید وقتی که آمد آن زمان اعتقاد پیدا می کنید" ما هرگز به دنبال علت واقعی آن که ناشی از عملکردهای نادرست خودمان است نمی رویم.

اگر یکی از عزیزان ما به علتی بیمار شود، اگر آنچه که آرزوی مالکیت آن را داریم اتفاق نیفتد و صاحب آن نشویم، اگر به عللی به مسافرتی که در نظر داشتیم نرویم و به طور کلی هر حادثه ناگواری را بر اثر چشم بد می دانیم.

خود این باور آنقدر عجیب نیست که چاره جوئی آن است، یعنی چشم کُشی قبل از آن که آن اتفاق ناگوار رخ دهد. همان پدر و مادرانی که اعتقاد چشم بد را به فرزندان خود القاء می کنند انواع چشم کشی را به آنها آموزش می دهند.

"مادر جون وقتی که مهمون ها رفتند قدری نمک دور سر خودت و بچه بگردون بعد بریز تو آب بگو "کور بشه چشم حسود و حسد" من فردا میام برای این بچه ات که چند روزه تب کرده یک تخم مرغ می شکنم آن وقت می بینی که هم شکمش کار میفته و رو دلش برطرف میشه، هم تبش قطع میشه!"

"مادر قربونت برم صد دفعه گفتم همان موقع که فلانی از این کاسه کریستال تو تعریف کرد یک چیزی بهش می گفتمی "چشماتون قشنگ می بینه" یا داد می زدی به من می گفتمی مامان لطفاً اون چاقو را بیاورید میخوام خیار پوست بگیرم!"

غافل از این که هیچ رابطه علمی، عقلانی و یا منطقی بین نمک، سیخ، میخ، چاقو، قیچی، سوزن، کوری و چشم فلانی و تب بچه و کاسه کریستال وجود ندارد و ما فقط

برای تسکین دل خودمان آنها را بهم متصل و مربوط می دانیم. وای به وقتی که برای اولین مرتبه به منزل شخصی که به چشم بد معتقد است بروید و بی اختیار از محاسن آن خانه تعریف کنید و به صاحب خانه به خاطر مالکیت آن تبریک بگوئید از آن لحظه به بعد تا آخر شب که خداحافظی می کنید هدف بمباردمان حواله های عجیب و غریب صاحب خانه می شوید: \* دو روز قبل لوله آب ما بدون هیچ علتی ترکیده و هنوز هم درست نشده!

\* هر میخی که به درب و دیوار این خانه خورده مهندس فلانی روی نقشه کشیده!

\* این خانه روبرویی چشم انداز خانه ما را کور کرده!

\* این چشم باباقولی (بابا قوری) را که می بینید در سفر به ترکیه تو بازار استانبول خریدم.

\* نمی دونید قبل از این که این خانه را بخریم به هزار سوراخ و سنبه سر زدیم. البته هستند روشنفکرانی که چشم بد را به دریافت انرژی منفی از طرف مقابل تعبیر می کنند و ادعا می کنند شخصی که چشم

بد دارد انرژی منفی خود را به طرف ما می فرستد و همان انرژی منفی تمرکز فکر ما را از بین می برد و باعث اشتباه ما و پیش آمدهای ناگوار می شود.

پس اگر تعریف کننده حرفی را از روی قلب و نیت پاک بیان می کند، بجز انرژی مثبت چیز دیگری در آن نیست.

اگر از روی حسادت و با نیتی ناپاک و فقط برای خوشایند ما و اطرافیان تعریف کرده است، بهتر است به پندار، گفتار و رفتار خود مراجعه کنیم: چه کرده ایم که حس حسادت او را برانگیخته ایم. آیا آنچه را که او از آن تعریف می کند به عمد از او پنهان کرده ایم؟ و یا با به رخ کشیدن آن باعث دل شکستن او هم شده ایم؟ آیا او را از مزایای آنچه در مالکیت ماست محروم کرده ایم؟ و فقط به خاطر پُر دادن و شکستن دلها آن را به نمایش گذاشته ایم؟ خجالت دادن دیگران به مثابه ریختن خون آنهاست و سرچشمه دریافت انرژی منفی اعمال و رفتار خودمان است. "پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک" ما ایرانیان بهتر از هر ملیتی معنی این سه جمله را درک می کنیم.

بسیاری از این مسائل سوای جهل و خرافات از عدم اعتماد به نفس نیز به وجود می آید. خیلی ها خود را شایسته آنچه که در مالکیت آنهاست نمی دانند و به خاطر همین عدم اعتماد به نفس به نعل اسب، چشم بابا قوری، حرفهای ناپسند و ناشایست پناه می برند.

خردمندان یهود می گویند بهتر است که هرگز اجازه ندهیم که این اعتقاد در ما جوانه بزند و بمرور در مغز ما ریشه بدواند. آنها را عقیده بر این است، آنها که از چشم بد وحشت دارند احتمالاً گرفتار آن خواهند شد. بیائیم یکی از ارزشهای والای یهودیت را که می گوید "همنوع خودت را چون خودت دوست بدار" جایگزین این خرافات بیهوده کنیم و اگر در گذشته چنین مهملاتی را در ما رسوخ داده اند اکنون آن را به زباله دان تاریخ بفرستیم.

ما قومی پیشرو، مبتکر، دانش پژوه و دانش اندوز هستیم. بیائید تا علم، خرد، شناخت و معرفت را مبنای سنجش خود قرار دهیم و از انتقال خرافات به نسل های آینده خودداری ورزیم.

## دکتر کامیار حکمت، دندانپزشک

انجام کلیه امور دندانپزشکی

### Kamyar Hekmat D.D.S.

General & Cosmetic Dentistry, Implants, Root Canals, Cosmetic Crowns, Gum Treatments

[www.WestwoodSmile.com](http://www.WestwoodSmile.com)

**West Los Angeles Office:**  
Westwood Medical Plaza  
10921 Wilshire Blvd. #1204  
(310) 208 - 0878

**Downtown Los Angeles Office:**  
Samaritan Medical Tower  
1127 Wilshire Blvd. #914  
(213) 482 - 5586



בלזה"ית

B"H

با سالها تجربه در مقاطعه کاری ساختمانی و حسن شهرت در انجام و اتمام پروژه های مختلف ساختمانی و مشاوره های صادقانه و صحیح همواره در خدمت جامعه ایرانیان لس آنجلس بوده است.

مهندس بهرام آقارپور

قبل از خرید هر خانه و یا زمین جهت انجام پروژه های ساختمانی، مسکونی و یا تجاری جدید یا ریمادلینگ، اضافه نمودن و تهیه نقشه های ساختمانی با

**مهندس بهرام آقارپور**

تماس حاصل فرمایید.

مشاوره با یک مقاطعه کار صادق و با تجربه بخصوص هنگام تهیه نقشه پروژه های ساختمانی، همواره و صد در صد به نفع شما می باشد.

جهت مشاوره رایگان و برآورد قیمت پروژه های مختلف ساختمانی با

آقای مهندس بهرام آقارپور با شماره تلفن ۴۸۲۹ - ۲۱۰ (۲۱۳)

تماس حاصل فرمایید.

**BH CONSTRUCTION COMPANY**

California Contracting License: B-553-541

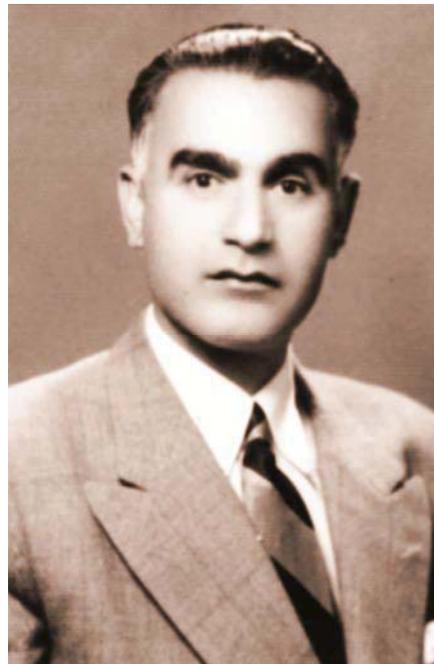
## "شادروان دکتر باروخ بروخیم"

از: مژگان مقدم رهبر (دانش آموز سابق مدرسه اتفاق)

صبح روز تحویل سال جدید و مراسم عید نوروز با یکی از دوستان که فرزندانش محصلین مدارس "بورلی هیلز" هستند و هر دو جزء شاگردان قدیمی مدارس اتفاق در تهران هستیم، در مورد این که هر سال مدارس بورلی هیلز روز اول عید نوروز را یک تعطیل رسمی برای همه شاگردان و معلمین مدارس اعلام می کنند صحبت می کردیم. به او یادآور شدم که در اوایل سالهای ۱۹۸۰، هنگامی که مهاجرین ایرانی در گوشه و کنار شهر لوس آنجلس احساس غربت و درگیری داشتند، دکتر باروخ بروخیم، که همواره یکی از مدافعین آموزش و پرورش به هر صورت ممکن بود، تصمیم گرفت تا با فعالیت پی در پی و بهره گیری از تجربیات خود در این رشته و جلب حمایت سازمانها و اشخاص متفاوت، فرهنگ ایرانی را به مدارس لوس آنجلس معرفی کند و موفق شد تا زبان فارسی را به عنوان یک زبان دوم شناخته شده در مدارس بورلی هیلز به ثبت برساند و امروز فرزندان ما، که شاگردان او در آنسوی جهان بودیم از این همت و تلاش او بهره مند هستیم و به ایرانی تبار بودن خود افتخار می کنند. صحبت از آنجا به خاطراتمان در مدرسه اتفاق رسید و روزهایی که در معصومیت و شادی در محیطی که جوی بدون تعصب و همراه با برادری و برابری برای تمام محصلین داشت سپری کردیم. در این مورد صحبت می کردیم که چگونه مدرسه ای که از کلاس آمادگی تا کلاس دوازدهم را در بر می گرفت و هزاران شاگرد و صدها معلم را با باورها و سوابق و زمینه های متفاوت تربیت کرده و به کار می گرفت، می

توانست این چنین با نظم و ترتیب در فضایی کاملاً مثبت به کار خود ادامه دهد و دانشجویان بسیار موفقی را راهی دانشگاه ها و آماده برای تحصیلات عالیه کند؟

بسیاری از ما شاگردان و پیروان این استاد عزیز طی سالهای اخیر در خارج از ایران و



هنگام برنامه های متفاوتی که برای سپاس از خدمات فرهنگی و اجتماعی او از طرف نهادهای متفاوت برگزار شده است، متوجه شدیم که تا چه حدی بی تعصب نگه داشتن محیط مدرسه و دست یافتن به امتیازات مهم و مورد نیاز برای دانش آموزان و کارمندان مدرسه ای که متعلق به یک اقلیت مذهبی بود، پر زحمت تر، مشکل تر و در مواردی خطرناکتر از آنچه که ما حتی تصورش را داشتیم بوده است. اما دکتر باروخ بروخیم با نیرویی کم نظیر و هدفی والا تمام این مشکلات را به جان خرید و با شهامتی قابل

تحسین، چه در ایران و چه در آمریکا، برای گسترش فرهنگ و دانش قدم برداشت.

در زمان فعالیت فرهنگی خود در ایران، دکتر باروخ بروخیم، در تعدادی از دبیرستانهای معتبر تهران تدریس می کرد، و علاوه بر مدیریت مدرسه اتفاق در پیشرفت و بازسازی مدارس کوروش نیز نقش قابل توجهی داشت. او یکی از بنیانگذاران مدارس گروه فرهنگی آذر بود، که بسیاری از آن مدارس هنوز در تهران فعال هستند. اما بدون شک یکی از مهمترین و سازنده ترین خدمات او به کانون آموزش و پرورش همکاری او در نوشتن کتابهای درسی فیزیک و شیمی برای دانش آموزان دبیرستانهای ایران بوده است.

در مورد خدمات و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی دکتر باروخ بروخیم می توان ساعتها سخن گفت و نوشت، او هر لحظه از زندگی اش را در فعالیت برای گسترش معلومات و آموزش افراد گذراند و در این سوی دنیا نیز جدا از خدمات اجتماعی مدتها در سردبیری و چاپ مجله "دنیای یهود" نیز فعال بود. باور دارم که هیچ یادبودی برای یک انسان واقعی گویاتر از این نیست که در کنار سفره هفت سین، محصلینی که به نوعی از پرورش و خدمات او بهره مند بوده اند، با تمام وجود از اسم و شخصیت او با احترام و تحسین و تقدیر یاد کنند، حتی اگر مطلع شوند که آن مرد گرامی سه روز بعد از این سپاسگزاری خصوصی، چشم از جهان فرو بسته است.

نام، نیرو و نور وجود دکتر باروخ بروخیم همچنان در وجود هزاران دانشجو و نسلهای متفاوتی که هر کدام به نوعی زیر نظر این مرد والا تربیت شده و رشد کرده اند و بیش از هر شخص دیگر در وجود چهار پسر دانشمند و گرامی او و نواده هایشان ادامه خواهد داشت.

روانش شاد

# بزرگمردی که از هالوکاست جان بدر برد تا به بشریت خدمت کند

برگرفته از بیزنس جورنال فیلادلفیا شماره ۷ جون ۲۰۱۱

ترجمه: ویولت ساسونی



پس از پایان جنگ، آقای زندمن در سال ۱۹۴۶ به فرانسه مهاجرت کرد. در آنجا موفق به دریافت درجه مهندسی مکانیک و فوق لیسانس فیزیک از دانشگاه نانسی فرانسه گردید و سپس دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سوربن پاریس دریافت نمود. در سال ۱۹۵۶، زندمن به ایالات متحده آمریکا آمد و در فیلادلفیا در شرکت سیستمهای اندازه گیری تتنال "Tetnal" به عنوان مدیر تحقیقات بنیانی مشغول به کار شد.

در این زمان موفق به اختراع وسایل اندازه گیری حساس به نور و رزیستورهای مقاوم در برابر حرارت گردید که به کارخانجات سازنده بسیاری از وسایل دقیق امکان پیشبرد کارآیی و تولید می داد. زمانی که تتنال از عرضه رزیستورهای جدید مقاوم در برابر حرارت او به بازار خودداری کرد، آقای زندمن با پشتیبانی مالی عمویش آلفرد - پ- سلینر "Alfred P. Slaner" کمپانی ویشی را - همنام با دهکده ای در لیتوانیا که همه اقوامش در دوران هالوکاست در آنجا جان باخته بودند - بنیان گزارد. "از طرف ویشی و تمام خانواده های زندمن و شوشانی، نسبت به همه خدمات پدرم به

که ۲۲۰۰۰ کارمند و تأسیساتی در تمام آمریکا، آسیا، اروپا و اسرائیل و دفاتر فروش در اطراف و اکناف دنیا دارد. محصولات ویشی در ابزار و تجهیزات الکترونیکی و در تمامی مصارف صنعتی، کامپیوتر، وسایل نقلیه، ارتباطات از راه دور، مصارف نظامی، فضائی، الکترونیکی و پزشکی به کار می روند.

بعلاوه اختراعات به ثبت رسیده، زندمن توانست شرکت Vishay Precision و شرکت های وسایل اندازه گیری و فیلم های مقاوم ویشی را در سال ۲۰۱۰ به صورت یک شرکت مستقل درآورد.

فلیکس زندمن در سال ۱۹۲۸ در شهر گروندو در لهستان به دنیا آمد. در اکتبر سال ۱۹۴۱ همراه خانواده اش گرفتار نازیها شده و به محله گروندو فرستاده شدند. فلیکس همراه با عمویش و عده ای دیگر با پنهان شدن در زیر تخته های کف خانه یک خانواده لهستانی به مدت ۱۷ ماه توانستند از هالوکاست جان سالم بدر ببرند. در دوران اختفا، عمویش به او مثلثات و ریاضیات عالی را آموخت. او بجز عمویش، تمام خانواده خود را در هالوکاست از دست داد. سالها بعد آقای زندمن، دین خود را به خانواده ای که به او کمک کرده بودند تا در منزلشان مخفی شود ادا کرد. او نوه آنها را که رهبر یک جنبش اتحاد در لهستان بود و در سالهای ۱۹۸۰ از کشور کمونیستی آن زمان گریخته بود برای کار در ویشی استخدام کرد و او بالاخره یکی از مدیران ارشد شرکت شد.

کمپانی اینترنتولوژی

(Intertechnology) ویشی اعلان کرد که بنیانگذار و ریاست هیئت مدیره آن فلیکس زندمن در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

آقای زندمن، مقام ریاست صنعتی و ریاست توسعه اقتصادی کارخانه ساخت نیمه هادی ها (Semiconductors) بنام مالورن (Malvern) در فیلادلفیا، یکی از بازماندگان هالوکاست بود که ۶ سال پس از مهاجرتش به آمریکا، در سال ۱۹۶۲ کارخانجات ویشی را بنیان گزارد. او از زمان تأسیس تا سال ۲۰۰۴ در مقام مدیر عامل و از ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۸ بعنوان رئیس خدمت نمود و از آن پس به ریاست هیئت مدیره رسید.



فلیکس زندمن در کنار ارییل شارون

فرزند او مارک زندمن به عنوان مدیر اداری و ریاست توسعه اقتصادی به جای او خواهد نشست. مارک از سال ۱۹۸۴ با شرکت همکاری داشته و مقامات مختلف مدیریت، معاونت ریاست، ریاست اداری و ریاست کل ویشی اسرائیل را به عهده داشته است. تحت رهبری فلیکس زندمن کمپانی ویشی به صورت یک سازنده پیشتاز بین المللی نیمه هادی ها و اجزاء الکترونیکی رشد نمود

## Choice Capital & Realty

### The Intelligent Choice!



Roya Ebrahimi

رؤیا ابراهیمی

DRE 01224397 NMLS 395818

✓ Real Estate Broker

مشاور در امور خرید و فروش

املاک مسکونی و تجاری

✓ Resident & Commercial Loans

مشاور در امور وامهای

مسکونی و تجاری و پمپ بنزین

Tel: (310) 440-4099

www.ChoiceCapitalRealty.com

ویشی، به این صنعت و به اسرائیل و به میراثی که از خود به جای می گذارد، عمیقاً مفتخرم. "مارک زندمن ادامه می دهد: معیارها و ارزشهای والای پدرم در فرهنگ ویشی به ودیعه گذاشته شده و بر آنچه ما در ویشی، در سراسر دنیا همه روزه انجام می دهیم تأثیر می گذارد. او تا آخرین دم در شرکت ما خدمت نمود"

فلیکس زندمن مقالات بیشمار علمی، ۳ کتاب درسی و یک کتاب معرفی شخصی به نام "این هرگز سفر آخر نیست" را منتشر نمود. تاکنون ۷۰ اختراع به نام او ثبت شده است و او به افتخارات بسیاری نائل آمده، از جمله:

- جایزه افتخار "لژیون دونور" از کشور فرانسه

- فرمان لیاقت به خاطر تحقیقات و اختراعات از کشور فرانسه

- مدال علوم از انستیتوی فرانکلین

- مدال افتخار اتحادیه صنایع الکترونیک

- جایزه نیل به افتخارات مادام العمر از طرف جامعه ملی توزیع کنندگان وسایل الکترونیکی

- لقب Doctor Honoris Causa (دکترای افتخاری) از طرف دانشگاه بئرشوع اسرائیل و انستیتوی تکنولوژی اسرائیل، تخنئون.

در سال ۱۹۹۴، زندمن به عنوان شهروند کشور اسرائیل پذیرفته شد.

بازماندگان زندمن همسرش روتا، فرزندانش ژیزل زندمن گودارد و همسرش الی، ارئیل زندمن کلازتر و شوهرش استیون، مارک زندمن و همسرش اوریت و ۹ نوه هستند.

- جایزه بهترین سرمایه گذار استراتژیک از طرف جامعه کارخانه داران اسرائیل

## به یاد شادروان "سالار گریبانگی"

ز خاک من اگر گندم بروید

از آن گران پزی مستی فزاید

خمیر و نانوا دیوانه گردد

تنورش بیت مستانه سراید

مرا حق از می عشق آفریده ست

همان عشقم اگر مرگم بساید

مولانا



زنده یاد "سالار گریبانگی" انسانی صادق و سرشار از مهر و محبت برای همنوع خود در سن ۸۰ سالگی در میان آغوش گرم خانواده چشم از جهان فرو بست. درگذشت این انسان والا و پاک خوی را به تمام بازماندگان به ویژه همسر گرامی ایشان خانم نیزت (برال) گریبانگی و فرزندان عزیز ایشان دکتر مؤگان (گریبانگی) حکیمی، رئیس پیشین مجتمع فرهنگی نصح و عضو محترم هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی و همسرشان آقای بهروز حکیمی و خانم سوزان (گریبانگی) اسحاقیان، عضو فعال سازمانهای خیریه و اجتماعی و همسرشان آقای ژوبین اسحاقیان صمیمانه تسلیت می گوئیم.

رئیس و اعضاء هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی

رئیس و اعضاء هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی

نشریه شوفار

# سیر تاریخ شکوفایی آثار فارسیهود

## ادوار و سبک های شعر

مقاله سیزدهم: دکتر ناهید پیرنظر

سابقه شعر در ادبیات فارسیهود به زمان بعد از دوران مغول، بخصوص از اوایل قرن چهارده هجری در دوران ایلخانان میرسد. در این دوران بود که به علت عدم تعلق ایلخانان به اسلام در فاصله سالهای ۱۲۵۸ تا ۱۲۹۱ میلادی، برخی از یهودیان توانستند از آزادی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بهره مند گردند و با ادبیات غنی ایران و اشعار شعرای بزرگ، همچون فردوسی آشنا شوند. آنان علاوه بر نوشتارهایشان در ترجمه قسمت هایی از کتاب مقدس یا تفاسیر آن به فارسیهود، کم کم در زمینه نظم و سرودن شعر پا به صحنه شعر فارسی گذاشتند و در آسمان ادبیات فارسی چه خوش درخشیدند.

### اشعار فارسیهود از نظر زمانی و

#### جغرافیایی

اصولاً دوران شعر فارسیهود به دو دوره اصلی تقسیم میگردد، دوره اول، با قرون چهارده تا آغاز قرن هفده میلادی و دوره دوم با قرون هفده و هجده میلادی مقارن میگردد. آنچه که از پی قرن نوزده آمده است، اغلب بازنویسی اشعار شعرای ادب فارسی به خط فارسیهود بوده است. دوره اول: شامل شاهین و عمران دو حماسه سرا و بزرگترین شعرای فارسیهود میباشد.

دوره دوم: شامل سایر شعرای فارسیهود است.

از سوی دیگر، از نظر جغرافیایی اشعار فارسیهود به دو گروه تقسیم می شوند: شعرای داخل مرزهای ایران کنونی مانند اصفهان، شیراز و کاشان.

مثنوی: اشعار فارسیهود که اکثر آن در سبک حماسی و داستانسرای میباشند از نظر فرم اکثراً بصورت مثنوی ساخته شده اند.

غزل و رباعی: از دیگر فرم های شعر فارسیهود غزل و رباعی است که در سبک غنایی دیده می شوند. از جمله میتوان به غزل های عرفانی سیمانطوب ملمد، غزل های عاشقانه امینا و رباعی های یوسف بن اسحق یهودی نمود.

مخمس و ترجیع بند: نمونه هایی معدودی از این فرم اشعار در نظم فارسیهود دیده میشوند. از جمله ترجیع بند طنز آمیز امینا را در مورد دلسردی از زنان و یا مخمس عرفانی یوسف بن اسحق یهودی را میتوان نام برد.

قطعه، مفردات یا تک بیتی: در اشعار فارسیهود تک بیتی های بسیاری، بصورت فردی یا تضمین از شعرای ایرانی آمده است. از جمله میتوان از مفردات شاهدهی صاحب گلشن توحیدی که یهودی بودنش دقیقاً معلوم نیست یاد کرد. او در زیر دیباچه مفردات مثنوی چنین میسراید:

حملة موسى تلهه سروده شالین  
چه چاره یس که چارستان درآیند  
بما یک دستبندی را نمایند  
انداختن مادر، موسی علیه السلام را در آتش  
سوزان از ترس فرعون



به خانه در نبود آن لحظه عمران به گلکاری بود او عمگین و حیران

صحنه ای از اعمار حملی فتحنامه سروده عمرانی  
کثرت آن اکتاب از جرخ گردون بجا استاده بود از امر یزدان

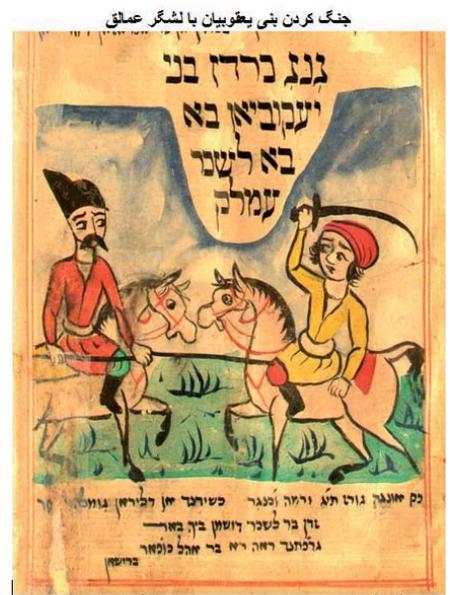


جهان بود رویشان از خورشید منور ز جانب خدا الله و اکبر

### اشعار فارسیهود از نظر فرم

از نظر فرم، اشعار فارسیهود مانند سایر اشعار زبان فارسی به گونه های مختلف تقسیم می شوند. این اشعار بجز آثار شعرای بزرگ آن، اکثراً از نظر وزن و قافیه زیاد غنی نمی باشند.

مولوی: بشنو از نی چون حکایت میکند  
 وز جدایی ها شکایت میکند  
 شاهدهی: بشنو این بلبل چه افغان میکند  
 قصه هجر گلستان میکند



پس آنچه گر ز تیغ و رمح و خنجر  
 زندند بر لشکر دشمن بیک بار  
 گشتند آن دلبران جمله یکسر  
 گرفتند راه را بر اهل کفار

### اشعار فارسیهود از نظر سبک و نوع

#### مفاهیم

اشعار فارسیهود از نظر سبک یا نوع مفاهیم  
 متون بچند گروه تقسیم میشوند که از جمله  
 عبارتند از:

۱- سبک حماسی یا داستانسرایي که خود  
 به چند نوع تقسیم میشود:

الف) اشعار حماسه‌اسطوره‌ای از جمله:

۱) قسمتهایی از آفرینش نامه شاهین

۲) قسمتهایی از فتحنامه عمرانی

۳) عقیدت یصحق (قربانی اسحق) از بنیامین بن  
 میشائل (امینا)

ب) اشعار حماسه مذهبی از جمله:

۱) کتابهای پنج اسفار، مانند موسی نامه شاهین  
 کتابهای عهد عتیق، مانند فتحنامه، عمرانی و  
 شوفطیمنامه اهرون بن ماشیه

۲) کتابهای پس از عهد عتیق و میدراش  
 ها، مانند دانیالنامه خواجه بخارایی و حنوکا  
 نامه عمرانی

۳) داستانهای میدراشی، مانند قسمت هایی  
 از دانیال نامه خواجه بخارایی، وقسمتهایی  
 از داستان شیرو و مهزاد در اردشیر نامه  
 شاهین

ج) اشعار حماسه تاریخی از جمله:

۱) داستانهای تاریخ ایران، مانند اردشیر نامه  
 شاهین و دانیالنامه خواجه بخارایی

۲) داستانهای تاریخ قوم یهود، مانند حنوکا  
 نامه عمرانی مربوط به دوران حشمونایی ها،  
 حکایت ده مقتول سلطنت، مربوط به دوران

قیام بر کوخبا علیه متجاوزان رومی

۲- سبک داستانسرایي مستند:

۱) گزارش های مستند بابایی بن لطف  
 کاشانی، در کتاب انوسیم. این گزارش های  
 مستند از دوران سلطنت صفوی یعنی اوایل  
 دوران شاه عباس اول و قسمتهایی از دوران  
 شاه عباس دوم (۶۱۶۰-۶۱۳ میلادی)  
 سخن میگوید.

۲) ادامه این گزارش ها از سوی نوه او،  
 بابایی بن فرهاد کاشانی و ماشیح بن رفائل

۳- سبک غنایی:

الف) اشعار احساسی از جمله :

۱) داستان یوسف و زلیخای شاهین در  
 آفرینشنامه

۲) قسمت هایی از ساقی نامه عمرانی در  
 وصف طبیعت

۳) فراق و هجران در غربت سروده یوسف  
 بن اسحق یهودی

ب) اشعار عرفانی از جمله :

۱) شاهزاده و صوفی از الیشای بن شموئیل  
 (راغب)

۲) گلشن توحید از شاهدهی

۳) قسمت هایی از حیات الروح سیمانطوب  
 ملمد (نظم ونثر)

۴- سبک پند و اندرز از جمله اشعار:

الف) گنجنامه عمرانی، که بر پایه رساله  
 میشنایی مسیخت آبوت یا اندرز پدران  
 سروده شده است.

ب) سیزده اصول ایمان اسراییل سروده  
 عمرانی

ج) مخزن الپند یهودا بن داوید

۵- سبک مدیحه سرایی: که فقط توسط  
 شاهین در مدح سلطان ابو سعید (۱۳۳۵-  
 ۱۳۱۶) پادشاه ایلخانی در دو اثر منظوم او  
 بنام های موسی نامه و اردشیر نامه آمده  
 است.

۶- سبک طنز از جمله اشعار : امینا که  
 بخصوص در ابراز دلسردی از همسرش در  
 مورد زنان گفته شده است.

ادامه دارد.....

## تسلیت

با تأسف بسیار درگذشت شادروان شکرالله توکلی، یکی از خادمان صدیق و فعال جامعه یهودی ایرانی، و یکی از بنیانگذاران و یاران فعال هیأت اجرائی مجتمع فرهنگی بیت دیوید را به همسر گرامی و فرزندان ایشان و کلیه خانواده های وابسته صمیمانه تسلیت می گوئیم. روانش شاد و یادش گرامی باد.

رئیس و اعضاء هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی  
 رئیس و اعضاء هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی  
 رئیس و اعضاء هیأت اجرایی مجتمع فرهنگی بیت دیوید

# در رثای مادر

## به مناسبت روز جهانی زن

نوشته: فرشته شبانفر

بر سر تربت من با گل و مطرب نشین

تا محرکه زحد رقص کنان بر خیزم

این خواهش مادر ما بود که یادش را با گل، موسیقی و ساز زنده کنیم. سازی که سالها پیش در پی خرافات و کوته نظری ها او را از آن محروم کرده بودند و همیشه حسرت آن را میخورد. متاسفانه امروز هم ما در هراس و وا همه از همان عوامل... آن خواهش را اجابت نکردیم.

شاید او یک زن، با آن ذوق لطیف و شاعرانه اش باید در مکانی دیگر و زمانی دیگر به دنیا می آمد تا زندگی را به نوعی دیگر تجربه کند و آزادانه از شعر و موسیقی و طبیعت لذت ببرد. و گمان نکنم امروز در خود بارگاه الهی هم کسی او را وقتی ساز می زند یا می خواند به سخره بگیرد و نهی کند.

او زنی ساده و مثل آب زلال بود، چنانکه هر کسی می توانست از این زلال بگذرد و او را بخواند.

مادر عاشق عشق بود. قصه های عشقی به گریه اش می انداخت. آدم های عاشق را دوست می داشت و در شعرهای ساده ای که می نوشت از محبت و عشق دم می زد.

در سیدور دعایی است که می گوید: ای خدای مهربان به ما رحم کن و به قلب ما فهم عطا فرما که با عشق درک کنیم، بفهمیم و اطاعت کنیم. افکار قلب ما را متحد گردان تا به نام تو عشق بورزیم.

مادر با قلب خود می فهمید. دوست داشت، و زندگی می کرد. گرچه او همه عمر با نیاز

طبیعی شده بود که بعد مکان و زمانش همه جا و همه وقت بود. نگرانی از آینده ی دخترها بود... ترس از آینده آن ها. آنچه او در انتظارش بود نه جستجوی شادکامی و خوشبختی بود و نه چیزی به اسم عشق برای آن ها، بلکه امنیت بود. همه اش در این اندیشه بود که ازدواج به هر شکل و رنگی، با هر کس و ناکسی، این خانه ی امن را به همراه حرمت برای بچه هایش تامین خواهد کرد. این اندیشه، و سواسی دائم بود که خشم و مقابله را در ما بر می انگیخت.

مادر هم رنگ با بسیاری از مادران دیگر، بیش از هر مردی مرد سالار بود. بنابراین تحمیل دگم های سنتی، آیینی و عقیدتی پذیرفته بود که تنها راه رستگاری، تبعیت از مقررات نوشته ی مردان است و امنیت و بقای فرزندان هم به آن بسته است. مرد سایه ی خدا بود. شوهر خود خدا بود. در ذهن او، برای حفظ این امنیت، زن باید در مقابل خواسته های حق یا ناحق آن ها تسلیم محض می شد. می گفت: من راضی ام به رضای تو. در مقابل تلخ زبانی هایشان بر می گرداند و همه عیب ها و گناه هایشان را نادیده می گرفت. در منطقی که او چاره ای جز پذیرش آن نداشت. دختر داشتن مایه شرمساری، برانگیزنده ی ترحم، و نگران کننده بود. او سالهای بسیاری از عمرش را در شرمساری و با احساس گناه ناشی از سنتی گذراند که "دیگرانش می پرستیدند" و این اندیشه در گردش دوار خود در زندگی های ما نیز تاثیری بس گزنده گذاشت. سالهای زندگی ما آزمایشی دشوار و سالهای دراز گذشتن از دل آتش شرم و گناه و خشم بود تا سرانجام بتوانیم به همت و یاری پدرمان از آن سوی دیگر آتش بیرون آییم، باز تولدی دیگر بیابیم، خود و ارزشهای واقعی هستی را به شهود دریابیم، ناعادلانه بودن منطق های شفاهی و نوشتاری تحمیلی را بشناسیم و سربلند کنیم و بدانیم که خداوند زن و مرد، هر دو را برهنه، آزاد،

به مهر در جستجو بود و بدنبال عشق می گشت، اما هرگز ندانست که خود او مظهر عشق که نه، بلکه خود عشق بود. محبوب تو همسایه ی دیوار به دیوار در بادیه سرگشته در چه هوایی



او گرچه ایثار گر بود و همواره از خود و خواسته هایش می گذشت، اما عارف نبود. با واقعیت پیوندی سخت و ناگسستنی داشت. مادر، زنی معمولی بود... در پیچ و خم های فراوان زندگی با موانع بسیار دست و پنجه نرم کرده و حق خودش را از دهان شیر بیرون کشیده بود. هر روزش میدان نبرد تازه ای بود که بدون سلاح در آن درگیر می شد. از آن زنهای معمولی بود که کسی نمی بیندشان و به راحتی می توان آن ها را نادیده گرفت.

مادر با قلبش می فهمید، اما منطقش را سنت ها و آیین های جماعت به او تحمیل می کردند. این منطق درست یا نادرست نگرانی را در او حقنه می کرد. نگرانی در او مثل همه ی مادر های دیگر تبدیل به غریزه ای

و به جز یک عضو برابر آفرید و هیچ یک صاحب دیگری نیست و هیچ یک نمی تواند برای دیگری دستورالعمل و حد تعیین کند. و من امروز اینجا، در این محکمه... به نمایندگی از مادرم و همه مادرانی که قرن ها تحقیر شده اند، و به خاطر رنج های آنان ایستاده ام.

من در این جا... اجبارها و فشارهای اجتماعی و آیینی را که موجب می شد زنان خود حقوق حقه شان را منکر شوند، برای بقای خویش از سر ناچاری در برابر قوانین مدافع منافع مردان سر تسلیم فرود آورند و مالکیت مردان را بر جان و جسم خود صحت گذارند... را به محاکمه می خوانم.

من همه ی سنتهایی را که باعث شده اند کوه فکری بر مبنای دستورالعمل های آنها، ناعادلانه تولد دختران را شرم جلوه دهند و طی سالها جان های بسیاری را پژمرده و زندگی ها را تلخ سازند... محکوم می کنم. من آیین هایی را که تنگ نظران غارنشین

را بر می انگیزد تا هنوز با توسل به منطق چشم بد و چشم کشی برای گریز از خطر، دل مادران دخترزا را به درد آورند و زندگیشان را با افسوس پر سازند... محکوم می کنم.

من همه باورهایی را که حق من را به عنوان یک زن برای شرکت در قدیش زدن برای پدر و مادرم انکار می کنند... زن را جز موجودی انگیزنده شهوت و ارضا کننده آن نمی شناسند و او را پشت پرده ها پنهان می دارند تا هم مالکیت را بر او تضمین کرده باشند و هم نماز خود را با منی آلوده سازند... به زیر پرسش می گیرم.

من آن اعتقاداتی را که منجر به تقدس ختنه شدگان و تفاخر خواستگاران و مادرانشان شده است که خود هم قربانی و هم شمشیر کش آن رسوم هستند و سخت تر از شازدگانسان سنگ مردانگی به سینه می زنند به محاکمه می خوانم. چرا که ثمرش جز فروپاشی خانواده ها در نسل های متوالی

نبوده است.

من در اینجا رسومی را که قرن هاست بی هیچ دگرگونی در انطباق با دانش، آگاهی و پیشرفت های بشری موجب شده اند آدمیانی با دیدی بسته و برای حفظ منافع خود، حق و حرمت نیمی از انسان ها، مادران، خواهران و دختران خود را، که زندگیشان در قفس و زنجیر خرافات آنها می گذرد را نادیده بگیرند، زیر سؤال می گیرم.

در پایان تصور می کنم امروز دینی را که به رنج های مادرم داشته ام، پرداخته ام و حرف های دل هزاران هزار زن چو او را به زبان آورده ام. من امروز اینجا ایستاده ام... تنها..؟

دگرگونی از خود ما شروع می شود، با پی بردن به ارزشهای واقعی خود در مقام یک زن، با شناخت حقوق انسانی خود و حرمت گذاردن به این ارزشها و حقوق حقه خود و زنان دیگر.

## اطلاعیه صندوق اضطراری فدراسیون یهودیان ایرانی

با آرزوی عمری طولانی و سرشار از سلامت، شادی و کامیابی در این ایام خجسته برای همه شما عزیزان، لازم دانستیم مراتب زیر را به آگاهی همکیشان عزیز برسانیم.

با توجه به این واقعیت که اکثر یهودیان ایرانی از آغاز ورود خود به لوس آنجلس، آرامگاه ایدن مموریال را برای عزیزان از دست رفته خود انتخاب نموده اند، صندوق اضطراری فدراسیون یهودیان ایرانی، در راستای رسالت هایی که به عهده گرفته است، از سال ها پیش اقدام به خرید قطعات متعددی از این آرامگاه ها نموده و مینماید. این اقدام، از آغاز به چند دلیل انجام گرفت.

اول آنکه قصد ما کمک رسانی بوده و هست، نه سود بردن. ما این آرامگاه های خریداری شده را به آنانکه برآستی فقیر هستند، با قیمت بسیار مناسب واگذار میکنیم و به آنانکه توان خرید دارند، با توجه به وضع مالی شان بفروش میرسانیم. اما از آنجا که پول خرید این قطعات از محل کمک های شما برای نیازمندان تامین شده، حاصل فروش به حساب نیازمندان بازگردانده میشود که خود میسوای بزرگی است.

صندوق این قطعات بزرگ را به قیمت هایی بسیار مناسب خریداری مینماید و بخاطر همین خرید های عمده است که همیشه این توانایی را داشته و دارد که بتواند با صاحبان این آرامگاه، هم در مورد قیمت ها و هم دیگر مسائل و هزینه های جنبی که ناگزیر بصورت ناگهانی پیش میآید، به توافق های مقرون به صرفه و قطعی برسد.

در شرایط زمانی و مکانی که ما اکنون در آن بسر میبریم، عاقلانه است (و بسیاری نیز این کار را کرده و میکنند) که آرامگاه های خود را پیش خرید می نمایند تا عزیزان شان، در کشاکش لحظاتی که دست به گریبان با دلشوره و نگرانی هستند، دچار درد سر در این خصوص نگردند.

ما توصیه میکنیم، پیش از خرید آرامگاه، خواه در ایدن مموریال خواه در هر جای دیگر، قیمت هایی که به شما پیشنهاد میشود را با قیمت های ما مقایسه بفرمائید. تلفن اطلاعات: ۴۷۰۰ - ۶۵۴ (۳۲۳)

# اسرائیل کوچک

## کانون بزرگ برای پژوهش و تحقیق

نوشته: ایرج فرنوش\*

کمیته نوبل شیمی در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۱ دانیل شختمن پژوهشگر اسرائیلی را به دلیل کشف الگوی اتمهای شبه بلوری بلورها که در سال ۱۹۸۴ منتشر کرد، برنده جایزه نوبل معرفی نمود. کشف نامتعارف وی جنجالی میان پژوهشگران برانگیخت - زیرا در آن زمان شیمی دانان باور داشتند که اتمهای مواد جامد تناوب انتقالی داشته و به صورت متقارن با هم ارتباط برقرار میکنند. بدین جهت به نظر آنان کشف او برخلاف قوانین جاری طبیعت به نظر می رسید، زیرا که شختمن می گفت که جامدات همیشه به صورت متقارن با هم ارتباط ندارند.

برای روشن شدن ذهن خوانندگان، اگر اتمهای جامدات را به یک توپ فوتبال تشبیه کنیم مثل این می ماند که مثلاً توپ فوتبال تنها از تکه های شش ضلعی متصل به هم تشکیل شده - در حالی که تکه های پنج ضلعی هم در ساختار توپ فوتبال ضروری هستند. جالب این که دانیل شختمن پس از انتشار تحقیقات خود مورد تمسخر همکارانش قرار گرفت و مجبور شد تحقیقات خود را متوقف سازد.

دانیل شختمن دهمین فرد اسرائیلی است که در طول ۴۵ سال گذشته موفق به اخذ جایزه نوبل شده است. قبل از او سه نفر دانشمند اسرائیلی در رشته شیمی، دو نفر در رشته اقتصاد، یک نفر در رشته ادبیات و سه نفر جایزه صلح نوبل را دریافت کرده اند - که برای کشور کوچک اسرائیل افتخار بزرگی به شمار می آید. در مقایسه در همین مدت در کشور بزرگ هندوستان ۱۱ نفر برنده جایزه نوبل بوده اند.

برخورد دارند. لذا اختصاص اعتبار و بودجه کافی، توسط دولت، همراه با پشتکار و جدیت شرکت های اسرائیلی و خلاقیت و پیشتازی آنان در امور علمی، این کشور را به یک مرکز برتر علمی تبدیل ساخته است. علاوه بر اینها، جو سیاسی و اجتماعی حاکم بر اسرائیل و تمرکز فراوان از عوامل مهمی هستند که در پیشرفت علم و صنعت در اسرائیل دخیل بوده اند. طبق گزارشی که توسط مجمع اقتصاد جهانی انتشار یافته، اقتصاد شکوفای اسرائیل تکیه بر وفور و ارزانی منابع طبیعی نداشته بلکه بر اساس کارآیی و نوآوری گزارش شده است. همچنین، با وجودی که اسرائیل یک کشور آسیایی است ولی استعداد پژوهشی آن با

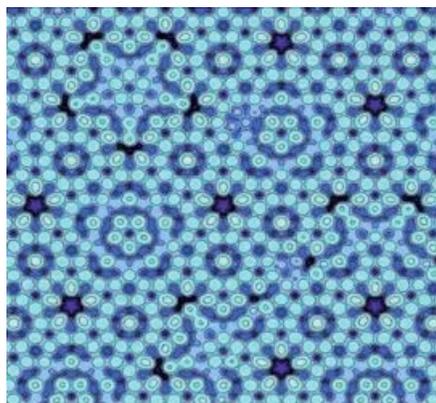
واقعیت این است که از بدو تأسیس کشور اسرائیل مخصوصاً در دو دهه گذشته علم پیشرفت چشم گیری داشته و بیشتر از سهم خود به گنجینه خرد و دانش در جهان عرضه کرده است. و آمار توان علمی اسرائیل متفاوت از آمار نفرتی آن است موضع علم که از بهترین شاخص ها است اسرائیل را از کلیه کشورهای خاورمیانه متمایز ساخته است.

موضوع مهمتر اینکه پژوهش گران اسرائیلی در بسیاری از رشته ها پیشکار و پیشقدم بوده اند و منشأ بسیاری از پدیده ها در فنآوری نوین بوده اند و تحولات مهمی در رابطه با پیدایش و گسترش این رشته ها به وجود آورده اند. و در این راستا بوده که، تکنولوژی اسرائیلی در سراسر جهان مورد مصرف قرار می گیرد.

دستاوردهای آنان از جمله نرم افزار و سخت افزار کامپیوتر، تجهیزات پزشکی، داروهای درمانی، نانو تکنولوژی، ماهواره های مینیاتوری، صنایع فضایی و هوایی، دوربین های مینیاتوری، تسلیحات نظامی، ربات ها، تجهیزات کشاورزی و آبیاری و غیره و غیره می باشند

دلیل پیشرفت چشمگیر و معجزه آسای اسرائیل در رشته های فنآوریهای نوین و تکنولوژی بالا در چیست؟ آیا این منوط به اسطوره ایست که به باور گروهی، یهودیان از استعداد و هوش بالاتری نسبت به دیگران برخوردارند؟ دلایل بسیارند!

بطور کلی، پیشرفت و توسعه در امور پژوهش وقتی میسر است که هم از مدیریت صحیح و هم از اعتبار و بودجه کافی



کشورهای غربی مطابقت دارد. از این جهت، مرکز تحقیقاتی و توسعه اسرائیل سالهاست به عضویت مؤسسه پژوهشی و تحقیقاتی "Eurika" پذیرفته شده است و مهمتر این که یک دانشمند اسرائیلی مسئولیت رهبری این مؤسسه عظیم علمی را به عهده داشته است. اوریکا یک مؤسسه پژوهشی علمی وابسته به کشورهای اتحادیه اروپا است که اسرائیل تنها کشور غیر اروپائی عضو این مؤسسه می باشد. اسرائیل از سال ۲۰۰۰ در این مؤسسه فعالیت داشته و یکی از اعضای مهم و اثرگذار در این مؤسسه بوده است.

از دیگر عوامل مهم در پیشرفت علم در اسرائیل، وجود یک نیروی تحصیل کرده و باسواد است به طور کلی شاخص سرانه

مهندسين و دانشمندان در اسرائيل بالاترين نسبت را در دنيا دارد. شماره مقالات علمي كه هر سال در اسرائيل منتشر مي گردد از مجموع مقالات كه در كلييه كشورهاي خاورميانه توليد مي گردد بيشتر مي باشد. همچنين شماره كشفیات كه هر سال توسط اسرائيلي ها در مراكز ثبت اختراعات ثبت مي گردد رقم چشمگيري مي باشد... در اواخر ماه دسامبر ۲۰۱۱، مجله گلوب (Globe) شهر تلاويو را جز پنج شهر مركز فن آوريهاي نوين دنيا معرفي کرده است. ۴ شهر ديگر لندن، استكهلم، سيدني و شانگهاي بوده اند.

بدین جهت بسیاری از کمپانیهای فن آوری بالا در اسرائيل حضور گسترده داشته و مراكز پژوهشي و توليدي در اسرائيل تاسيس کرده اند. از جمله ميكروسافت (Microsoft)، آی بی ام (IBM) اینتل (INTEL) سيسكو سيستم (SYSCO SYSTEMS)، موتورولا (MOTOROLA)، ای بی (E-BAY)، گوگل (GOOGLE)، و تازگيها اپل (APPLE). از این رو بسیاری از سخت افزار و نرم افزارهاي کامپيوتري و تکنولوژی تلفن همراه در اسرائيل طرح و توليد شده اند. برای مثال، اینتل پنتيوم چپ (INTEL PENTIUM CHIP)،

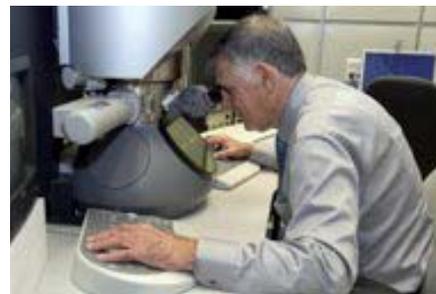
فلش درايو (FLASH DRIVE)، مايكروسافت ويندو ان-تی (MICROSOFT WINDOW N.T.) فاير وال اينترنت سكوريتي (FIREWALL INTERNET SECURITY)، پی سی آنتی ویروس (PC ANTI VIRUS)،

اواال اينستانت مسنجر (AOL INSTANT MESSENGER) و بسیاری از ابزارها و نرم افزارهاي ديگر... در این راستا، نويسنده بر این باور است كه به جای جمله "INTEL-INSIDE" كه بر روی كامپيوترهاي شخصي نصب شده، جمله

"ISRAEL-INSIDE" نوشته می شد، صحيح تر بود.

بودجه ای كه دولت اسرائيل هر ساله برای پژوهش و تحقيق در نظر می گيرد نسبت به سرانه توليد ناخالص ملی در دنيا مقام اول را دارد. علاوه بر این، دولت به كمپانی های تازه تاسيس كه در رشته فناوری نوین فعاليت دارند وام های ارزان و دراز مدت ميدهد و برای آنان تسهیلات مالياتی قائل می گردد.

جو باز سياسي حاكم بر اسرائيل عامل ديگري است كه آزادی اندیشه و تبادل افكار را تضمين می كند و این امکان را به



پژوهشگران می دهد كه دید خود را وسیع تر ساخته و بدون دخالت دولت و بطور مستقل بكارهاي پژوهشي ادامه دهند و يك قدم جلوتر از دگرگونی های دنیای تکنولوژی با شتابی بی سابقه پیش تازند و مهمترین رویدادها و تحولات را در رشته های فناوری نوین به وجود آورند.

مؤسسات علوم مالی اسرائیلی نیز سهم زیادی در پیشرفت علم در اسرائيل داشته اند و بسیاری از آنان در مؤسسات معتبر علمی جهان عضویت داشته و از نظر رده بندی در رتبه های بالا قرار دارند.

انستیتو فن آوری تخنویون یکی از مؤسسات علمی برجسته در اسرائيل است كه دانیل شختمن و بسیاری ديگر از دانشمندان اسرائیلی فارغ التحصيل آن می باشند. تخنویون در یکی دو دهه گذشته منشأ بسیاری از كشفیات بوده و جوایز زیادی را نصیب خود کرده است.

انستیتو علمی وایزمن در رحوت نیز یکی ديگر از مؤسسات برجسته اسرائیلی است كه طبق رده بندی نشریه ساینست رتبه اول را در بین ۱۰ مؤسسه علمی در دنيا (خارج از آمریکا) نائل شده است. انستیتو علمی وایزمن بيشتر در حوزه سلامت به ویژه داروهای بیولوژیک و طراح بسیاری از تجهیزات پزشکی می باشد در طول ۱۰ سال گذشته از ۲۵ داروی جدیدی كه در دنيا به بازار عرضه شده ۷ عدد آن محصول تحقیقات انستیتو علمی وایزمن می باشد.

دانشگاه بن گوریون در نگب یکی ديگر از مراكز برجسته اسرائيل می باشد كه در بسیاری از رشته های کشاورزی و آبیاری مرزشكنی کرده و قادر بوده كه محیط خشك نگب را به يك مركز کشاورزی مدرن تبدیل سازد. متدهایی كه این دانشگاه در این رشته بوجود آورده در بسیاری از كشورها كه در مناطق خشك و یا كم آب قرار گرفته اند، مورد استفاده قرار می گیرند. دانشگاه بن گوریون يك محور مهم کشاورزی - آبیاری به حساب می آید.

این نمونه های كوچكي از توان علمی اسرائيل است. برای اطلاعات بيشتر و آشنا شدن با داستان معجزه علمی و اقتصادی اسرائيل، توصیه می گردد كه خوانندگان كتاب (START-UP NATION) به نویسندگی (DAN SENOR) كه سه سال پیش منتشر شده بخوانند. این كتاب به خوبی دلائل پیشرفت اقتصادی و علمی اسرائيل را كه به معجزه تشبیه کرده اند شرح می دهد.

\* ایرج فرنوش، فوق لیسانس در رشته مهندسی سیستم از دانشگاه كاليفرنيا، به عنوان مدير پروژه در مؤسسه هوایی آمریکا (FAA) به كار اشتغال دارد.

**"درسی که از بازی زندگی آموختم"**

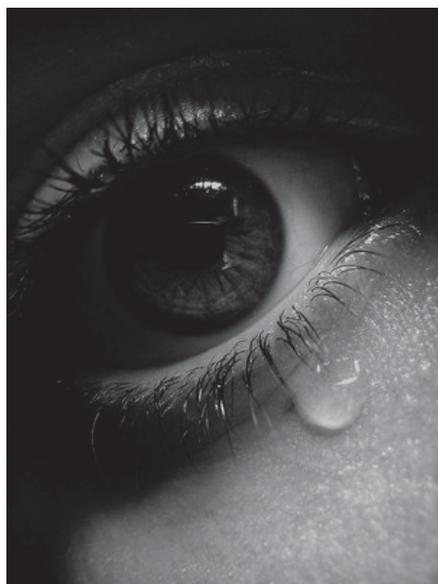
داستانی از: افسر مقدم

روزی که از شدت بیقراری و غم شدید درونی، که به خاطر از دست دادن پسر دوازده ساله ام دچار آن شده بودم، و حدود هفت ماه می شد که خشمگین و دل آزرده آن را تحمل می کردم، به پارک نزدیک منزلمان رفتم، در نهایت از دنیا و انسانها و از زندگی و هر چیز که طی روز با آن برخورد داشتم بیزار و دل زده بودم. این احساس به صورتی بود که از ادامه زندگی درمانده بودم و نمی دانستم به کجا پناه ببرم. از همان لحظه وقوع حادثه احساس کردم که این غم بیش از طاقت و توان من است. با عصبانیت و نفرت مدام با خدای خود در جنگ بودم، با این اعتراض که چرا من، چرا پسر من و چرا خانواده من باید دچار این بلا و مصیبت گردند. سیاهی و غمی عمیق وجودم را انباشته بود. به هیچ عنوان قادر به ادامه زندگی با این روحیه نبودم. غم و رنج پسر بزرگم که پانزده ساله بود و به خاطر از دست دادن تنها برادرش در نهایت بیقراری می کرد، بیشتر آزارم می داد و وجودم را به آتش می کشید. خصوصاً که عکس العمل همسرم در مبارزه با این غم سنگین نه تنها تسکینی برای برای من و پسر من نبود بلکه بیش از پیش باعث عصبانیت و اعتراض من می شد. در آن زمان به حدی در غم و زاری خود غرق بودم که قادر به درک احساس اطرافیان خود از جمله همسرم نبودم. فقط درد عظیم خود را می شناختم و خشمگین و بیقرار با آن به سر می بردم. دو ماه از مرگ فرزندم، که در اثر ابتلا به بیماری سرطان، خیلی سریع در گذشته بود، می گذشت که همسرم عضویت در یک

سؤالاتی که از روی کنجکاوی از او پرسیدم، و جوابهایی که شنیدم، تا حدودی به درد شدید او پی بردم. آنطور که از کلمات درهم و جملات نامفهومش می شد فهمید، تا چند سال قبل همراه با خانواده اش در حومه اطراف شهر سندیاگو زندگی می کرده. آنطور که از گذشته های خود با لذت حرف می زد، زندگی خوب و رضایت بخشی داشته. تا آن که روزی در اثر یک حادثه رانندگی همسر جوانش را از دست می دهد. همسری که به گفته خودش عاشق او بوده، و بهترین روزها را در کنار یکدیگر داشته اند. او برای رهایی از غم از دست

مؤسسه مبارزه با سرطان را پذیرفت. او معتقد بود که هر نیرو، وقت و پولی که برای خدمت به این مؤسسه صرف شود گامی مؤثر در یافتن راهی برای کمک به مبتلایان این بیماری خواهد بود. بخصوص برای کودکان و نوجوانانی که مانند فرزند ما در زیر چنگال سرطان نیازمند داشتن هر کمکی برای نجات خود هستند. در آن روزهای دردناک من منتظر بودم که شوهرم تمام ساعات خود را صرف دلداری من و فرزند دیگرمان کند و از این که می دیدم او تمام اوقات آزاد خود را برای خدمت به این مؤسسه می گذراند، در نهایت خشمگین و متنفر از او و همه کس دیگر بودم.

آن روز هم برای فرار از تمام این ناملایمات به پارک رفتم. وقتی کاملاً در تنهایی و در غم خود غرق بودم، و یاد روزهای قبل از این حادثه دردناک دلم را می لرزاند، ناگهان متوجه مرد میانسال مستی شدم که همان لحظه کنارم روی نیمکت پارک نشست. بوی زننده الکل که از وجودش به مشام می رسید مرا به خود آورد. متوجه شدم زیر لب با خودش حرف میزد، گاهی می خندید، و هر بار که کلامی می گفت همراه آن بوی شدید مشروب از دهانش به مشام می رسید. می خواستم از آنجا هم بگریزم، اما واقعا نیرو و توان گریختن را هم از دست داده بودم. همانجا ماندم و ناخواسته به حرفهایش گوش دادم. او که متوجه من شده بود و می دید که شنونده ای دارد، بیشتر و بلند تر شروع به صحبت کرد. مستانه و درهم حرف می زد. از گفته هایش می شد فهمید که غمی شدید او را به این روز انداخته. بعد از



دادن چنین همسری به میخوارگی پناه می برد، و در اثر افراط در مشروب خواری، ثروت و سلامتتش را هم از دست می دهد. وقتی به چهره مردی که اکنون کنارم نشسته بود دقیق شدم، یک قدم از وجود خود بیرون گذاشتم و به خود اجازه دادم تا متوجه انسانی که در نهایت درماندگی کنارم نشسته بود بشوم، ناگاه به خود آمدم. به اطرافیانم که گوئی سالها بود از وجودشان بی خبر بودم فکر کردم. به همسرم که تا لحظه ای قبل جز با خشم به او نمی اندیشیدم فکر کردم. خدای من غم همسر من هم کمتر از غم این مرد نمی توانست

باشد. او هم عزیزی را از دست داده بود که با همه وجودش دوستش داشت. اما راهی که همسر من برای تسکین دل خود در پیش گرفته بود، با راه مردی که در کنار من نشسته بود خیلی تفاوت داشت. شوهر من هم ممکن بود برای تسکین خود به مشروب پناه ببرد، یا می توانست لحظه های غم خود را در قمار و بازی با ورق گم کند، یا این که مانند من خانه نشین و افسرده شود. اما او قدم در راهی بهتر گذاشته بود. از این که با مخالفت های خود دائم او را می آزردم از خود شرمند شدم. اما این حادثه باعث شد که دیوار جدائی بین من و همسر فرو ریزد. در اولین فرصت و روبرویی با همسر با او به صحبت نشستیم، گوئی اولین بار بود که غم او را درک می کردم و منصفانه به حرفهایش گوش می دادم. برایم گفت که او هم مانند من همیشه و در همه حال چشمش در جستجوی عزیز از دست رفته مان می باشد. اما در عین حال زندگی را می شناسد، و می داند که مرگ پایان راه همه زندگان این دنیا می باشد و هیچ کس را گزیزی از آن نیست و کسی آگاهی از دنیای پس از

مرگ ندارد. ناخواسته از این دنیا می رویم، زندگی مثل بازی می ماند که پایان این بازی برای تمام بازیکن هایش یکسان است. اما در این میان آنچه که متفاوت بوده و برای همه یکسان نیست خود زندگی می باشد. این چگونگی بازی زندگی است که ما می توانیم با اراده و خواست خود آن را بسازیم یا خراب کنیم. فرزند نوجوان ما ناخواسته به سوی مرگ رفت و غمی دائمی بر دل بما بجا گذاشت، ولی ما و اطرافیانش هنوز زنده هستیم و مشغول به بازی زندگی، و تا وقتی که مشغول به بازی هستیم باید گرم و پرشور به بازی ادامه دهیم و نسبت به سایر بازیگرهای زندگی بی تفاوت نباشیم و با سردی وجود خود دیگران را از شوق زندگی باز نداریم. اگر ما در طی زندگی خود را از تمام مزایای مثبت آن محروم کنیم، زندگی آنقدر دردناک می شود که مطمئناً روح و روان عزیز از دست رفته مان هم در رنج خواهد بود. خصوصاً که ما هیچ درباره دنیای پس از مرگ نمی دانیم، پس بهتر است دنیای بازی زندگی را که می شناسیم و به صورت موقت در آن به سر می

بریم، حفظ کنیم، بسازیم و از آن بیاموزیم. وقتی به این حقایق پی بردم غمی روحانی جانشین خشم و پیرانگر وجودم شد. دیگر با آتش خشم ناشی از نامرادی خود، وجود همسر و فرزند دیگرم را که خود نیز آلوده این غم بودند، نمی سوزاندم. روحانیت عمیقی که وجودم را پر کرده بود، مرحمی شفافبخش برای درد درونی خودم و اطرافیانش شده بود.

پس از آن اشکهای گاه و بیگاهمانند بارانی با صفا وجودم را از زهر خشم و نفرت به زندگی می شستند، و صیقل می دادند.

امروز که اولین نوه ما متولد شده بیش از همیشه مفهوم زندگی را که بدون درخواست ما به ما داده می شود و بدون مشورت با ما از ما بازستانده می شود درک می کنم، و این تجربه ای بود که امیدوارم به نوه کوچولویم هم بیاموزم. به او بگویم که طول بازی زندگی مهم نیست. کم و زیاد آن بالاخره پایان دارد. این نوع بازی زندگیست که باید به آن توجه کرد و مانند کلاسی موقتی از آن آموخت.

## وداع با یکی دیگر از خدمتگزاران جامعه

درگذشت روانشاد "الياهو حکیمی" یکی از اعضای فعال هیأت مدیره "مجتمع فرهنگی بیت دیوید" و عضو هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی را به همسر گرامی ایشان خانم اشرف (نهورای) حکیم و پسران و دختران عزیز و کلیه خانواده های وابسته از صمیم قلب تسلیت می گوئیم. شادروان الياهو حکیمی یکی از خادمان صادق جامعه بود که از بدو فعالیت و تأسیس مجتمع فرهنگی ارتص با این سازمان همکاری داشت و سپس فعالیت خود را در کنار دیگر یارانش در مجتمع فرهنگی بیت دیوید ادامه داد و یکی از نمایندگان عالیقدر این کانون در هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی بود. یادش گرامی و روحش شاد باد.



رئیس و اعضای هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی  
رئیس و اعضای هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی  
رئیس و اعضای هیأت اجرائی مجتمع فرهنگی بیت دیوید

## کتاب تاریخ یهود (ادامه از شماره قبل)

نویسنده: شادروان پرویز رهبر

در سال ۱۹۴۶ پرویز رهبر، فیزیکدان، محقق، استاد دانشگاه و یکی از نویسندگان کتاب های فیزیک و شیمی برای تدریس در دبیرستان های ایران، کتاب "تاریخ یهود" را نوشته و منتشر کرد.

وی با تسلط کاملی که به زبانهای فرانسه، انگلیسی، عبری و فارسی داشت، جدا از کارهای پژوهشی در رشته فیزیک و شیمی و دست یافتن به افتخارات بزرگی در این زمینه، به ترجمه نوشته های بسیاری از نویسندگان غربی به زبان فارسی نیز پرداخت. نام و کار او برای بسیاری از ایرانیان آشناست.

کتاب "تاریخ یهود" به گفته دست اندرکاران، یکی از جامع ترین و بهترین نوشته ها در رابطه با تاریخ یهود و یهودیان ایرانی است که به طور خلاصه گذشته یهودیان دنیا را بررسی کرده است. کتاب دیگر نوشته او به نام دریفوس و امیل زولا نیز در زمان چاپ با استقبال فراوان روبرو شد.

مجله شوفار با اجازه از فرزندان آن شادروان، کتاب "تاریخ یهود" را در قسمت های مختلف این نشریه چاپ خواهد کرد. به امید این که دانش گذشته در تصمیم گیری صحیح برای آینده، ما را رهنمون شود.

با سپاس از شادروان پرویز رهبر و فرزندان او شوفار

بالاخره ساعت مجازات فرا رسید و فلاکوس با همه کوشش خود نتوانست رضایت کالیگولا را به خود معطوف دارد. دسته ای از سربازان رومی مأمور دستگیری او شدند و شبی که وی را در ضیافتی تنها یافتند، دستگیرش کرده به روم فرستادند و امپراطور او را در بد آب و هواترین جزایر دریای اژه تبعید نمود و او پس از مدتی در کمال فلاکت و بدبختی جان سپرد.

احسان و عدالت استوار است. معاصرینش درباره زیبایی اثناء وی می گفتند: هنگامیکه می نویسد، معلوم نیست که این فیلون است که به سبک افلاطون می نگارد یا افلاطون است که به سبک فیلون می نویسد.

فلسفه فیلون - فیلون می خواست فلسفه تورات را با فلسفه معاصر خود، یعنی فلسفه یونانی، درباره خلقت وفق دهد. لیکن این امر خطیر که در حقیقت تألیف بین ضد و نقیض بود بسیار مشکل به نظر می رسید.

فیلون برای آن که اصل یک خدای خالق عالم را با موجود کاملی که هیچ گونه رابطه ای با عالم مادی نداشته باشد، وفق دهد، موجودات واسطه ای را میان خدا و عالم مادی فرض می کند، خدا اول یک عالم

یهودیان که خود را در خطر نابودی دیدند، نمایندگان از میان خود انتخاب کرده نزد کالیگولا فرستادند تا از او طلب رحم و بخشش کنند (۴۰ بعد از میلاد) ریاست هیئت اعزامی یهودیان به دست فیلون فیلسوف معروف یهود سپرده شد. نمایندگانی هم از طرف یونانیان به ریاست آپیون (Apion) دشمن اول یهود نزد امپراطور حاضر شدند تا جریان اتفاقات اخیر را به نظر وی برسانند.

فیلون (Philon) - پیش از شرح ملاقات نمایندگان یهود با کالیگولا، لازم است فیلون را بشناسیم.

فیلون (از ۱۰ ق.م تا ۶۰ بعد از میلاد) از خانواده های ثروتمند یهودیان اسکندریه بود و در جوانی تحصیلاتی را که در دسترس خانواده های ثروتمند بود فرا گرفت لیکن ذوق تحصیل و مطالعه عمیق در حقایق، بقدری در وی زیاد بود که به قول خود هیچگونه توجهی به افتخارات ظاهری و ثروت و لذا ایزد جسمانی نداشت. توجه او بیشتر به ماوراء الطبیعه بود و سعادت خود را در سیر در آن عوالم می دانست. ولی با همه علاقه ای که به فلسفه، بخصوص فلاسفه یونانی داشت کیش یهود را مافوق آن می دانست و اگر از گلستان فلاسفه یونانی گلی می چید، آن را برای تزئین تاج افتخارات تورات خود به کار می برد.

فیلون چندین کتاب به زبان یونانی نوشت و در آن ها بزرگی و عظمت قوانین تورات را تشریح و با انشائی بسیار فصیح و ادبی و زیبا آن را مجسم و اثبات کرده است که همه آن قوانین بر اساس نیکوئی و عشق و



معنوی با "عالم اندیشه ها" را خلق کرده است. این عالم معنوی یا اندیشه ها، نه تنها نمونه ایست از آنچه بعداً باید خلق شود، بلکه مجموعه قدرتها و عوامل فعال و مؤثری هستند که پیرامون خدا را مانند خدمتگزارانی گرفته اند و خدا به وسیله این نیروهای غیر مادی، بطور غیر مستقیم، بر عالم عمل می کند.

مجموعه این نیروهای واسطه را فیلون به نام لوگوس (Logos) یا عقل فعال خدا، عقل الهی، روح خدا یا علت العلل می نامد.

در نظر فیلون لوگوس "زاده نخستین خداوند است" که در حد فاصل دنیای محدود و عالم نامحدود قرار گرفته، و در آن واحد، آن دو عالم را به هم مربوط و از یکدیگر جدا می نماید. نه مثل موجودات

محدود، مخلوق است، و نه مثل خدا ازلی است. لوگوس نمونه عالم خلقت، و نماینده خداوند است که اوامرش را به عالم منتقل می کند.

فیلون مانند پیغمبران پیشین خود یسعیا، حبقوق و پرمیا، شدیداً با بت پرستی مبارزه کرده و پرده از روی بی مغزی و سبکی عقاید مشرکین برداشته است، نوشته های فیلون بزرگترین ضربه را به کاخ معتقدات خرافی آنها وارد کرده است.

یونانیان با خواندن نوشته های وی به زودی دریافتند که اعتقاد به خدایان متعدد خود، که نمونه ای از تمام ردائیل بودند، چقدر با فکر یک خدای واحد و کاملی که جامع تمام فضائل است تباین داشته و امتیاز با کدام است.

این بود نماینده ای که یهودیان اسکندریه نزد کالیگولا اعزام داشتند.

کالیگولا و نمایندگان یهود - نمایندگان یهود با یأس و هراس، هدیه گرانبهائی در دست

گرفته نزد کالیگولا رفتند. امپراطور از آنها به گرمی استقبال کرد و از هدیه ایشان خوشنود گشت. یهودیان از این برخورد اولیه اندکی امیدواری یافتند که شاید درخواستشان مورد قبول واقع شود لیکن در این اثناء شخصی با رنگ پریده نزد آنها آمده گفت کالیگولا دستور داده است که مجسمه اش در صحن معبد اورشلیم هم نصب گردد (۴۰ ق.ه)

پس از مدتی انتظار و معطلی بالاخره امپراطور اجازه آخرین ملاقات را داد و نمایندگان یهود به حضور او رفته پس از عرض مراتب اطاعت و وفاداری نسبت به دولت و امپراطور روم منتظر تصمیم او ایستادند.

امپراطور با لبخند مخصوص خود پرسید: شمائید که مرا به خدائی نمی شناسید؟ در صورتی که همه کس افتخار پرستش مرا دارد؟ نمایندگان یهود در جواب گفتند در موارد بسیاری یهودیان به افتخار امپراطور

قربانیهها داده اند. کالیگولا گفت: "خیر! قربانیهای شما که به افتخار من داده شده است، برای من چه فایده ای دارد؟ قربانی نباید به افتخار من داده شود باید برای من و به اسم من باشد و بدون آن که منتظر پاسخی شود از آنها روی گردانیده و گفت: وه چه مردم نادانی که منکر الوهیت من هستند!"

نمایندگان یهود گرچه نتیجه ای از مسافرت خود به دست نیاوردند، لیکن خوشحال بودند که از مهلکه کالیگولا جان به سلامت برده اند.

فرمان کالیگولا - کالیگولا گرچه با آگریپاس دوستی داشت، لیکن امتناع یهود از پرستش مجسمه امپراطور مجالی به مشاورین وی داد که این موضوع را بهانه کرده خشم امپراطور را نسبت به آنها برافروزند. کالیگولا هم دستور داد که بهر قیمتی است مجسمه اش در صحن معبد اورشلیم نصب شود. پترونیوس

## شان صداقتی

### مشاور آگاه و صدیق شما در ایدن مموریال پارک



آن هنگام که همسر و فرزندان ما در اندوه از دست دادن ما هستند

آنچه غم انگیز است برای آنها جستجوی آرامگاهی برای ما

بهتر نیست که ما در زمان حیات خود برای آرامش خاطر آنان از هم اکنون چاره جوئی کنیم و با صبر و حوصله و با انتخاب خود و قیمتی ارزانتر و حتی با شرایط اقساط بدون بهره آرامگاهی برای خود قبلاً خریداری کنیم؟

برنامه ریزی قبلی اینگونه مسائل نشانه عشق و علاقه ما به عزیزانمان است.

4040-326 (818)

ایدن مموریال پارک

(Petronius) حاکم سوریه مأمور انجام این دستور گردید و با خود دولژیون سرباز به اورشلیم آورد.

ورود گماشته کالیگولا در اورشلیم، با عید سوکوت (عید خیمه ها) مصادف شد و سرور و شادی مردم را به غم اندوه و سوگواری تبدیل نمود. هزاران نفر از یهودیان گرد هم آمده و به گماشته امپراطور اظهار داشتند که همه مرگ را بر اهانت به معبد مقدس خود ترجیح می دهند. پترونیوس چون کیفیت را بدان نحو دید، نصب مجسمه امپراطور را در معبد مقدس یهود صلاح ندانست و کمی به مسامحه پرداخت و برای مشورت نزد آگریپاس رفت.

گروه انبوهی از یهودیان برای تقاضای لغو فرمان امپراطور، بدنبال وی رفتند. آگریپاس با مشاهده این کیفیت ناگزیر شد خود نزد امپراطور برود و چون میدانست که مستقیماً نمی تواند در این زمینه با او صحبت کند، او را در ضیافت بسیار مجللی چنانکه دلخواه کالیگولا بود دعوت کرد. در پایان مجلس که کالیگولا مست شادی و شراب بود از آگریپاس پرسید چه می خواهد تا به وی داده شود. او از این سؤال انتظار داشت که آگریپاس توسعه حوزه متصرفی خویش را خواهد طلبید. لیکن آگریپاس از امپراطور تقاضا نمود که فرمان خود را درباره نصب مجسمه اش در معبد اورشلیم لغو نماید.

کالیگولا بسیار در شگفت شده درخواست وی را پذیرفت و به گماشته خود نوشت که هر گاه تابحال مجسمه اش در معبد نصب نشده است از آن کار دست بردارد. ولی دیری نگذشت که از گفته خود پشیمان شد و دستورات شدیدتری درباره اورشلیم صادر نمود.

اتفاقاً در این اثناء به قتل رسید و فرامین وی عقیم ماند.

پس از کالیگولا کلودیوس به جای او نشست و آگریپاس در این موقع در روم بود و چنانچه گذشت کلودیوس را در بدست آوردن زمام کشور روم یاری کرد. امپراطور جدید هم به ازاء خدماتش، با احترام و مقام و قدرت بیشتری به کشور خویش روانه اش نمود.

کلودیوس با یهودیان اسکندریه هم با مهربانی رفتار کرد و آکساندر برادر فیلون رئیس جامعه یهود اسکندریه (Ethnarch) را از زندان رهایی داده به مقام خویش نصب کرد و به درخواست آگریپاس به همه یهودیان تابع روم آزادی اجرای مراسم مذهبی داد.

### فصل هفتم

#### میهن پرستان و شورش کشور یهود

شورش - گفتیم ستمکاری و حرص و طمع

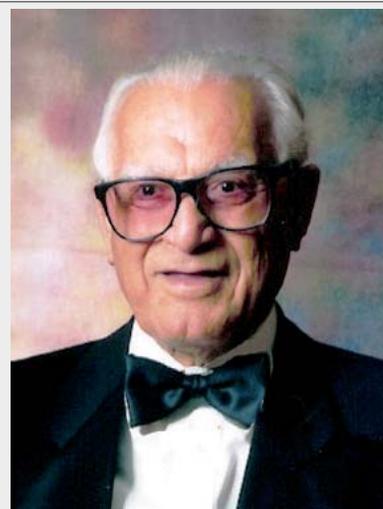
حکام رومی یهودیان را به تنگ آورده بود و هر حاکمی که جای خود را به دیگری می داد در حقیقت حیوان گرسنه تری را به جان فرسوده ملت یهود می انداخت و می رفت.

اینگونه رفتار حکام رومی موجب تشکیل دسته "غیرتمندان" شده بود که در حیات پیشوای خود یهودای گالیلی سر به مخالفت با رومیان برداشتند ولی به زودی غوغای آنها خوابید لیکن خاموش نشد و مثل جرقه ای در زیر خاکستر نرم آتش را به نقاط مجاور خود رسانید. طرفداران آنها تدریجاً رو به افزایش گذاشته و هر دم منتظر فرصتی بودند تا زنجیر اطاعت روم را از گردن بردارند. نصب فلوروس به حکومت اورشلیم آخرین ذره تحمل و شکیبائی را از یهودیان سلب کرد و بالاخره ملت کوچکی مانند یهود را در برابر دولت روم، دولتی که ممالک بسیاری را مطیع خود کرده بود و بر سرتاسر شمال آفریقا و جنوب اروپا و مغرب آسیا، یعنی تمام سواحل مدیترانه حکومت می کرد، به شورش واداشت. فلوروس نه تنها دست به غارت ثروتمندان گذاشت بلکه دهکده ها و شهرها را نیز طعمه خود می دانست و بدون ملاحظه همه را چپاول می کرد. ساکنان بسیاری از شهرها منازل خود را ترک کرده از حوزه حکومت وی خارج شدند.

ادامه دارد...

با نهایت تأسف و تألم درگذشت استاد گرامی، دکتر باروخ بروخیم را به همسر گرامی او خانم عزت بروخیم و فرزندان عزیزش دکتر بیژن، دکتر بهروز، دکتر بنجامین و دکتر کامران بروخیم و همسران و فرزندان آنها و کلیه خانواده های وابسته تسلیت می گوئیم.

سردبیر و نویسندگان نشریه شوفار  
رئیس و اعضاء هیأت اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی  
رئیس و هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی



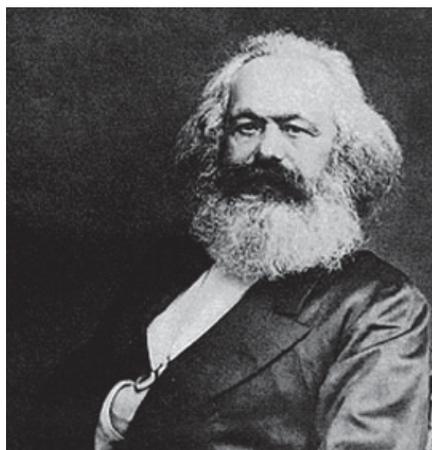
## "مرگ استالین و تظاهرات پدر مرده ها، در میدان فوزیه!"

از: بنیامین طیب نیا

کارل مارکس سوسیالیست آلمانی در سال ۱۸۱۸ در یک خانواده یهودی متولد گردید، و پس از پایان دانشکده حقوق اقدام به انتشار نشریه ای نمود ولی به علت افکار تند انقلابی که داشت پس از یک سال انتشار توقیف گردید، مارکس اجباراً به انگلستان مهاجرت نمود و پس از آشنائی با سوسیالیست دیگری به نام فردریک انگلس، که او نیز در یک خانواده یهودی آلمانی، در سال ۱۹۲۰ متولد گردیده بود، کتاب "سرمایه داری" را در لندن نوشت، آئین کارل مارکس مسلکی است در سیاست و اقتصاد که مؤسس آن کارل مارکس بوده و اصول سوسیالیسم علمی را تشریح می کند. این فلسفه منکر وجود روحيات و معنویات است و فقط وجود ماده را می شناسد. و آفرینش دنیا و کلیه حوادث طبیعت را ناشی از حرکات میکانیکی اجزاء ماده می داند. کارل مارکس معتقد بود که کلیه تحولات اقتصادی و تاریخی معلول عوامل مادی است. او باور داشت که افکارش در جامعه هائی که طبقه کارگر یا پرولتاریا بر آن مسلط است، محبوبیت خواهد داشت ولی بعداً هواخواهان او باکمال تعجب مشاهده نمودند که برخلاف انتظارش، معتقدات او در جامعه ای به مرحله اجرا در آمد که طبقه کارگر آن به حد کافی رشد نیافته بود. کارل مارکس تا زمان مرگش، در سال ۱۸۸۳، در میان مشکلات فراوان مالی و شخصی در لندن زندگی کرد.

فردریک انگلس هم‌زم کارل مارکس که پسر یک کارخانه دار ثروتمند یهودی بود، نیز کتابی درباره طبقات کارگری انگلستان

نوشت و مدتی به فعالیت های انقلابی خود ادامه داد و در سال ۱۹۸۵ درگذشت. اما ماجرا در این جا خاتمه نیافت. مرد دیگری به نام ولادیمیر لنین متولد سال ۱۸۷۰ در روسیه، پسر آموزگار گمنامی بود که در آغاز جوانی آثار کارل مارکس را مطالعه نمود، و به سختی تحت تاثیر آن قرار گرفت. او به علت فعالیت های تند انقلابی



خود در روسیه تحت تعقیب قرار گرفت و مجبور به فرار شد و مدتی را در سوئیس و آلمان به سر برد تا این که پس از غلبه آلمان بر روسیه، لنین به روسیه بازگشت و انقلاب روسیه را رهبری کرد. لنین با همکاری استالین این انقلاب را در سال ۱۹۱۷ به ثمر رسانید. استالین که نام اصلی او یوسف جوگاشویلی بود در سال ۱۸۷۹ در روسیه متولد شد. او در سن ۳۳ سالگی به علت فعالیت های تند انقلابی دستگیر شد و به زندان افتاد. پس از آزادی از زندان در انقلاب خونین به اصطلاح کبیر روسیه نقش حساسی بازی کرد. او پس از مرگ استاد خود لنین با کشتن هزاران نفر از هموطنان خود دیکتاتور روسیه گردید. استالین آنچه

را که به مردم روسیه وعده داده بود به زیر پای نهاد، زیرا از هیچگونه ظلم و ستمی به مردم کشور خود کوتاهی نکرد. باور من این است که هیچ دیکتاتوری جاویدان نخواهد ماند و نامش به نکوئی برده نخواهد شد. استالین، این دیکتاتور خونخوار در سال ۱۹۵۳ درگذشت و نگارنده به خوبی به خاطر می آورم که طرفداران استالین در آن زمان در تهران طی تظاهرات پرشوری در میدان فوزیه سرسپردگی و وابستگی خود به روسها را به نمایش گذاشته بودند. روزنامه های کیهان و اطلاعات با چاپ حروف بسیار درشت نوشته بودند: "تظاهرات عظیم پدر مرده ها در میدان فوزیه در محاصره تانک ها و قوای انتظامی برگزار گردید" و خوشبختانه با هوشیاری قوای انتظامی، این تظاهرات بدون هیچ برخوردی پایان گرفت. نتیجه این که، چنانچه منصفانه تاریخ را ورق بزنیم، به روشنی در می یابیم که هیچ یک از رهبران اردوگاه سوسیالیسم و اقرار شوری به آنچه که به ملت های تحت ستم خود وعده داده بودند جامه عمل نپوشاندند تا جائی که از سیر کردن شکم ملت های خود نیز حتی با نان خالی عاجز مانده بودند و در نتیجه یکی پس از دیگری با قیام ملتهای خود روبرو گشته و عموماً به رژیم های سرمایه داری سابق و به دموکراسی نسبی نائل آمده اند. آنچه در تاریخ آن ملت های تحت ستم، نوشته شده و به یادگار برای نسل های آینده باقی مانده، فقر و گرسنگی و بی عدالتی و کشتار میلیون ها انسانی بوده که سرآغاز آن فاجعه عظیم، از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نشأت گرفته بود!!!

LAW OFFICES OF  
**SHAHROKH MOKHTARZADEH**

*Serving the Iranian/American community since 1990*

**BUSINESS, REAL ESTATE, FAMILY LAW, LITIGATION**

**دفاتر حقوقی**

**دکتر شاهرخ مختارزاده**

متخصص در

قراردادهای تجاری، املاک، امور خانواده، دعاوی قضایی

**TEL: 310.472.7800**

**815 Morago Drive,  
Los Angeles, CA 90049**

**FAX: 310.472.9977**

**E-MAIL: shahrokh@att.net**

# صندوق عهد

نوشته: منوچهر کوهن

## تقدیم حضور راو سلیمان حاکمیان

...  
رود بود که می رفت و عشق بود که می ماند  
\*\*\*  
صندوق عهد، ..... مرا نمی خواند  
من بار گران سایه و سرگردانی، ..... بر شانه ام  
و سکوت و سکون، در تمامی سلولهای تنم در گذار از گزند اشک و آتش، هم پای آب و آفتاب، امید و لبخند  
و ابر خدا بود...  
که گسترده بود و سایه می زد، دغدغه قوم، و همههمه آفتاب، و هیاهوی بیابان تف زده را  
\*\*\*  
غرش کوه معلق  
و سکوت جنگل برهنه، و خاموشی رود سترون  
و سایه مرگ و مرداب، و دریای سرخ، در انتظار گشایش  
و رود زندگی بود، که بی وقفه می سرود، می ربود و به باد فنا می سپرد  
و من نمی دانستم چرا، فقط در کتابها انسان آزاد، درخت سبز، و آفتاب روشن، و زندگی شاد، و باران بالنده است  
که پیشتر جز خورشید سرد و درخت زرد و انسان برده و زندگی نیم مرده، ندیده بودم...  
\*\*\*  
دیربست مرغان دیگر بر نیل فرود نمی آیند  
سکوت عمیق و عتیق قرون است، و اضطراب شبان

تنهائی و تنهائی، و گالوت و سرگردانی ابدی  
که در تمام زمین ریشه کرده است...  
و روزها و شب ها، لحظه ها و سالها، که در مرداب ملال تهی می شود  
\*\*\*  
نیاز به مردانی است که دست موسی را در اهتزاز نگهدارند  
و زاده مریم را از صلیب فرود آرند  
و نیاز به صندوق عهد  
تا جاودانه برافروزد، آتش عشق نامیرای آسمانی را  
\*\*\*  
احساس سرگرانی و سرگردانی و گالوت بود...  
و قرون غربت و حرمان  
گوئی تمام جهانیان در من زیسته بودند  
با پرسه آرامش خاک، در بیکرانه آزادی  
و آنچه را که می جستند، نیافته بودند و باران وار  
به یک باره در من گریسته بودند  
\*\*\*  
و در عطش سوزان کوره ها  
رود فنا بود که مدام می سرود  
و بارش گاز مرگ بود که ریز و یک ریز می وزید  
و غم بود که در بستر تنهائی همگان می غنود  
و باد بود که با شتاب می بارید  
و گریه بود که در برهنگی برهوت زمزمه می کرد  
و نیستی بود و تنهائی، و تنهائی بود... و تنهائی، که می برید، و می وزید

و مرگ بود که می ربود...  
و تابوت عهد بود که مدام می بارید  
بر یکایک قلبها، تا پایان زمان...  
\*\*\*  
و روزها و فصل ها بود، که یک نواخت و بی تردید  
در گرداب شک و تردید فرو می ریخت  
و عشق، آمیزه آفتاب و سراب  
که در آستانه وصل از جاودانگی می گریخت  
\*\*\*  
و زندگی، تکرر تکرارها بود  
" و در زیر آفتاب هیچ چیز تازه نبود"  
زمستان بود، و میلاد و مرگ آدمیان  
و بهار بود .....  
بهاری که در طول روز خلاصه می شد و می مرد...  
و تابستان بود .....  
تابستانی که سالهای سال در تداوم خود ریشه می دواند  
و خزان بود...  
خزانی که به هیأت حباب، مرا می ربود و رها می کرد  
و روز بود، شب بود، و روز بود، و هم چنان شب بود، و باز هم چنان شب بود  
\*\*\*  
و عشق بود که می خواند، و صندوق عهد بود که می ماند  
و رود رویش دوباره بود که بی وقفه می سرود...  
و باد بود که هم چنان زمزمه می کرد...  
و آفتاب بود که می تایید...  
و ابر خدا بود که مدام گسترده بود...  
بر فراز بیابان و دغدغه قوم  
\*\*\*  
و آفتاب و زمان، در مرز ابر و باد  
رود و دریا، همراه نور و سایه  
در تاریک روشنای تردید، به تنهائی تنها می پیوستند...



## امنیت و آرامش دو عامل اصلی در زندگی انسانهاست

این دو عامل مهم طی بیست و چهار سال گذشته بعنوان ارکان اصلی کانون سالمندان یهودی ایرانی همواره مد نظر بوده است.

مدیریت با تجربه کانون سالمندان با همکاری کادری متخصص با روش های موثر، می کوشند تا والدین محترم شما سالم و فعال سالیان سال خودکفا و مستقل زندگی کنند. نیکوکارانی که به رایگان وقت خود را وقف خدمت به این کانون کرده اند، با عشق و علاقه و پشتکاری باور نکردنی این مرکز را به زیباترین وجه ممکن چنان بازسازی کرده اند که از نظر کیفیت در سطح هتل های پنج ستاره میباشد.

بخشی از خدماتی که در کانون سالمندان ارائه میشود به شرح زیر است:

- نظارت و مراقبت ویژه بیست و چهار ساعته
- تدارک و شستشوی البسه و ملافه ها
- کمک به حمام کردن سالمندان که توان این کار را بکنهائی ندارند
- آرایش گیسوان و مانیکور
- ویزیت پزشکان متخصص
- سرگرمی های متفاوت و ورزشهای روزانه
- سه وعده غذای کاشر ایرانی با رعایت کامل موازین بهداشتی طبق رژیم پیشنهادی پزشکان
- توزیع دارو طبق تجویز پزشک



# Shofar

Iranian American Jewish Federation  
No. 169 - Winter and Spring 2012

## GOLDEN AGE FINANCIAL & MALEKAN INSURANCE SERVICES



- **Protect Your Portfolio In a Down Market**
- **Ways to Avoid Running Out Of Money During Retirement**

Financial Education | Pension Plans | IRAs | 401k & Rollovers  
Long Term Care | Life Insurance | Annuities

**(818) 307 - 8638 Elana Malekan (818) 307 - 8063 Edward Malekan**

1317 N. Crescent Heights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Address Correction Required.

Iranian American  
Jewish Federation

Non Profit  
Organization  
U.S. Postage  
**Paid**  
Los Angeles, CA  
Permit No. 1522

# ARE YOUR ASSETS REALLY SECURE IN A BANK SAFE DEPOSIT BOX?

[www.USPRIVATEVAULTS.com](http://www.USPRIVATEVAULTS.com)

## ARE YOU AWARE THAT...

With a court order, an attorney or the government can "freeze" access to your bank safe deposit box. In the event of a financial emergency, bank closures would limit access to your safe deposit box. In a "cyber-terror" attack, bank records (including safe deposit box information) could be lost.

## HOW DO I ACCESS MY BOX IF YOU DON'T KNOW MY IDENTITY?

USPV utilizes biometrics to link clients to their box. You are identified by an iris and palm vein scan.

## HOW ARE MY ASSETS PROTECTED?

Our structural steel vault meets or exceeds the standards of strength for banks. In addition, USPV provides its clients with security not found in banks including:

A guard who monitors and controls access to the vault during business hours from a specially constructed "safe room". After business hours, an off-site security company constantly monitors heat, motion, and other sensors to detect the presence of intruders. In addition, the vault is regularly monitored via "video guard tours". In the event of any perceived threat, an immediate call is made to local police as well as a private armed response company.

## YOUR SECURITY AND PRIVACY ARE OUR UTMOST CONCERNS

USPV does not require clients to provide their name, photo ID or social security number as a condition for renting a safe deposit box. Consequently, we are unable to give ANYONE information about your box. USPV is able to provide this level of privacy because it is not subject to bank regulations.

# THE PRIVATE ALTERNATIVE TO BANK SAFE DEPOSIT BOXES



Space is limited so reserve your box today. Call us for more information.  
t: (888) 948-8778 // 9182 West Olympic Blvd // Beverly Hills, CA. 90212

SECURITY BY:





**Shofar**

A Publication of  
**Iranian - American Jewish Federation**

1317 N.Crescent Heights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Tel: (323) 654 - 4700  
Fax: (323) 654 - 1791  
www.IAJF.org info@IAJF.org

## Winter and Spring 2012

**Editor in chief:**  
Mojgan Moghadam Rahbar

**Contributing Writers:**

Farnoush Ambrishami, Manouchehr Cohen, Iraj Farnoush, Kayvan Gabay, Dr. Mojgan Hakimi, Mona Javdan, Dr. Allen Kamrava, Afsar Moghadam, Amanda Nathan, Dr. Nahid Pirnazar Oberman, Delila Pouldar, Tannaz Kamran Rahbar, Kamran Raminfard, Justin Saba, Violet Sassooni, Jahangir Sedaghatfar, Farideh Shabanfar, Dr. Shahin Sheibani-Rad, Daniella Soleimani, Benyamin Tabibnia, Dr. Shadee Toumari, Jessica Youseffi.

**Advertising Manager:**

Jacklin Pajouni  
PMC Marketing and Advertising  
(818) 618-5555  
jacklinad@aol.com

**Cover Painting By:**

Mitra Forouzan  
A Persian Garden

**Typesetting, Layout, and Design:**

Mojgan Yousefi  
(818) 264-5935  
info@mojandesign.com

We acknowledge and greatly appreciate the contribution of Delijani family towards the publication of this issue of Shofar, in honor of **their beloved father late Mr. Ezatollah Delijani.**

Editorial .....	2
IAJF's President Message .....	4
Iranian American Jewish Federation News .....	6
• Intimacy and companionship with your spouse	
• Mr. and Mrs. Right or Right Now	
• Juval Aviv	
• IAJF's New Year's Eve party	
• Hebrew classes for the youth	
• Annual Unity of Organization's luncheon	
• Shabbat Speakers series	
• Birth of 'Jewpers'	
Nessah educational & cultural center's new president .....	8
A night with president Shimon .....	9
A life of Tikkun Olam .....	10
Saffron and Rosewater .....	12
The bigger picture .....	14
Impact of divorce on children .....	16
What is knee osteoarthritis .....	18
Jewish family service of Los Angeles .....	20
Iranian Jewish Bubble .....	21
Swipes for the homeless takes the white house .....	23
A reflection on our community .....	24
Two different films, one country .....	25
Somaly Mam and Nazarian's "pioneers of Possible" .....	27
Book review .....	29
In memory of a true lady .....	31

**Editorial:**

## **Who Is The Iranian Jew?**

**By: Mojgan Moghadam Rahbar (Editor-in-Chief)**

**A**t a recent gathering a friend was talking about the different books she had read on the holocaust and the atrocities that came upon the Jews during the war. She was re-enforcing the fact that as Jews we should be informed about all that happened and not let history repeat itself. This brought us to the fact that in Iran other than the Jewish minority nobody was really familiar with the historical and political aspect of the holocaust. Whenever history books, taught in Iran's elementary or high schools, mentioned World War II it was in relation to the political role of Iran as the Victory Bridge, and there was never any mention of what happened to the Jews of Europe during the war. So, unlike the elementary and high school students in the United States and Europe, who are encouraged to read all kinds of biographies and historical books related to the holocaust, and to become aware of all the crimes that took place against humanity, the Iranian majority lived in ignorance of all that had happened.

In reality the experience of the Iranian Jew is completely different with the overall experience of the European Jew or even Jews of other Asian or Middle Eastern countries. The history of the Iranian Jew dates back to over 2,500 years ago and the beginnings of the Persian Empire. In fact Purim, one of the important Jewish holidays,

celebrates the survival of the Jews from annihilation through the courage of a Jewish woman and the prudent action of one of the most powerful kings of the Persian Empire. This is a testament to the precedence of the Iranian Jewry.

Although Iranian Jews have endured great hardship and prejudice over the years, the fact that Iran was the birth place of Human Rights and Freedom of Religion, made it possible for them to practice their religion without ever facing pogroms or expulsion from their birth place, unlike the Jews of Europe, Africa and other Middle Eastern countries. These facts even prompted many Spanish Jews to seek refuge and settle in Iran during the Inquisition of the 1480's. During the Nazi invasion of France in World War II, when the French authorities were willingly capturing the Jews and sending them to their deaths in concentration camps, the Iranian ambassador to France was responsible for saving thousands of French Jews from that fait by issuing them travel visas to Iran. Toward the end of the war Iran became a temporary haven for thousands of Jewish Polish children, who needed a place to stay before moving on to the land of Jerusalem. When the Iraqi Jewry was forced out of their homeland, many of them migrated to Iran and settled there. And let us not forget that over 2,400 years ago the rebuilding of the Jewish Temple in Jerusalem was

sanctioned by one of the powerful kings of the Achaemenian Dynasty, and the task was given to an Iranian Jew.

Taking into consideration all these facts, it is safe to say that the Iranian Jewry is the beneficiary of a vast, profound, and ancient culture. Contrary to the belief of the majority in the western world, Jews of Middle East and Africa are not Sephardic but of the Mizrahi background. Historically the Jews who migrated to Eastern Europe promoted the Ashkenazi culture and those who took root in Spain are the inheritors of the Sephardic culture. The misconception about the Mizrahi Jew is so deep that today in Israel, even though the leader of the Sephardic branch is of Mizrahi background, and only a few percentage of this group are Sephardic and the main populations are Mizrahi Jews, they are referred to and grouped together as Sephardim.

It is such a shame that by not taking a stand and respecting our own beautiful and ancient culture, we as Mizrahi Jews, are diminishing the role and importance of this deep rooted way of life. Today inside the United States and many European countries, the Hassidic Jews are practicing their customs and traditions exactly as they did hundreds of years ago in Poland and Eastern Europe. In fact different groups of Ashkenazi Jews are so enthusiastic and proud of their customs and culture that they encourage all Jews to follow their lead. As a result many Iranian Jews, who don't deem it necessary to support their own cultural institutions, generously give of their time and financial resources to the Ashkenazi and Sephardic organizations. As Iranian Jews and

many of our Jewish leaders within the community continue to promote the orthodox Ashkenazi traditions and way of talking, eating and even dressing, we are rapidly losing the intimate and brilliant ways of our own Mizrahi tradition and culture. Those of our younger generation who would like to lead a more active religious life are encouraged to follow one of the other two Jewish cultures, since there is a great lack of enthusiasm within the older generation to support and promote the existing Iranian Jewish institutions. And of course as always given that Iranians reach the highest levels in any field they enter, those who have chosen to become Jewish religious leaders in the Ashkenazi community have

been very successful in leading and promoting those traditions within the Persian Jewish community.

One of the most attractive characteristics of the Iranian Jewish culture is its inclusiveness. In Iran, families were encouraged to not only participate in the prayer services of their synagogue but to also use the moment and the place as a social venue. This encouraged the young and the old, the religious and the not too religious, to want to be a part of the congregation. This valued tradition of inclusivity within our culture has been of great import to the success of many American synagogues in the past 30 years. Unfortunately as others have come to appreciate and even count on the traditional values of Persian Jews, we as a

community do not seem to recognize the importance and worth of our own culture. We are the children of Ester and Mordechai, the custodians and guardians of a 2,500 year old religious and ethnic culture, whose role in the past has been influential in the history of the world Jewry and will be of even more significant in the future social and political scene. It is imperative to the survival of our ancient and noble culture that as we respect and support other traditions, we should take pride and demand respect for our own values and deep rooted traditions as well.





## Neman Hall features

- Exquisite Ballroom with seating for 450 guests
- Kosher Kitchen Facilities  
(Outside Caterers Accepted)
- Large Dance floor
- sanctuary and Chuppah Area
- Private Bridal Room
- Bedekn and tish area Available
- Valet Parking Service



for Viewing of Venu Please Contact  
**Irma Smith**  
 Direct Line: (323) 656-2142  
 Iranian American Jewish Center  
 1317 N. Crescent Hights Blvd.  
 West Hollywood, CA 90046

IAJF President's Message:

## Our Voice Is Heard

## Our Message Is Passed On

By: **Shahla Zargarian Javdan (IAJF President)**

**T**he roar of applause by the overjoyed & enthusiastic ocean of audience, sounded more like a giant rain fall or a rhythmic symphony of strong wind! President of Israel, Shimon Perez was so brilliantly & playfully answering the questions put to him by Campbell Brown that his answers, several times brought the crowd to their feet.

More than 1200 attendees were invited by the Jewish Federation of Greater LA to watch history in making when Shimon Perez spoke so eloquently about what we all shared in our hearts: the hope for a peaceful solution to the tense situation in Middle East, the goal of wanting to see conflicts and threats go away and a peaceful answer to all the dangerous rhetoric to be found. As a matter of fact, Shimon Perez became the first president ever to make a video on U- Tube called BE MY Friend and I recommend that we all watch this fun , clever, and up to date video and bring it to the attention of our children.

In fact using the Social Media has become the most effective way to reach the youth and even not so young, in this era. Our Federation has not been left behind either. IAJF's message is now being reached throughout the world, not only through Shofar, but our web-site, Face book page, E-news letter, and E-mail blasts

\*\*\*\*\*

After the turmoil of the Iranian Revolution, and during the first years of our community's immigration to the US, one thing became clear: The necessity of having a "refuge" in a new land! This became the driving force behind the creation of the Iranian American Jewish Federation.

For our community, IAJF became the source of security, the place to go for immigration related problems, social, medical and financial relief, and asserting political pressure to obtain what the community needed. Anyone arriving from Iran would know where to find help. IAJF became the voice, the address, the protector and the savior of Iranian Jewish Community in LA.

Then after a while, something terrific, even magical happened! The ocean of Persian immigrants, now American citizens, fell in love with their new home land, learned the language, became successful in business, and raised highly educated children. The American dream became a reality for us, and so, we continued on our merry way. The fact that IAJF was still there and helped newcomers with an array of services did not impress some any longer.

Never the less, IAJF continued its existence and grew bigger and stronger and extended the services they provide to serve the needs of today's society as well. Among these goals were inviting the community to bring

important issue to the attention of the Federation and initiating efforts to familiarize the younger generation with IAJF's mission and goals. Therefore new lines of communications opened and IAJF has been able to continue its impact within the community.

Today, the word is out, our voice is heard and our message is being passed on.

When the Lautenberg Amendment, which allowed the continuation of HIAS program, was not being passed by Congress, in matter of days we flooded the community with thousands of fliers, emails & other literatures. We held emergency meetings and with the help of our affiliated organizations gathered hundreds of signatures. We contacted representatives, congressmen and senators. At the end, the Amendment passed allowing all eligible applicants from every religion and belief to be entitled to safe passage to the land of opportunity.

To become more familiarized with IAJF's array of activities, please refer to the summarized list printed in this issue of Shofar.

Today, at this point, looking back at two years of never ending hard work, the excitement of hosting project after project, the pain of lessons learned the hard way, the joy of numerous accomplishments, and the pleasure of getting to know some most dedicated members of community,

runs a warm feeling of satisfaction about what was achieved, through our veins.

Remember, the Federation is the home, the refuge, the safe guard and the protector of our community's rights. To sum it up, the cause of our Federation is you, the community and its needs!

With the start of the Persian New Year and rebirth of earth, may the trees of your hope blossom fully & bear fruits of your life.

With the beginning of our wholly Passover, this celebration of our ancestors' uprising against slavery, struggling against oppression, and gaining their freedom, May you win every just fight in your life

And while sitting by your Seder this year and every year to come, with your family and friends, while reciting the story of Passover, may your voice be heard, and your message of pride in our history, in our identity and in the true meaning of our faith be passed on to your family, your children, and the children of tomorrow.

## The Goals and Services Of IAJF

\*To protect the right of every member in our state, country and/or around the world.

\*To assist our newly arrived members with the immigration process.

\*Financial Aid for those in need through Emergency Funds Committee.

\*Friendly mediation with aid of professionals in order to end conflicts between community members in a friendly manner through the Dispute Resolution Committee.

\*Providing support for governmental issues facing our constituency through our External Affairs Committee, such as the passage of Lautenberg Amendment.

\*Working alongside IAJF affiliate organizations, creating Unity in Serving Our Community.

\*Supporting the translation of THE GUIDE TO PERPLEX to Persian by The Persian Rumbum Foundation.

\*Serving as the voice of IAJF and all our affiliated organizations through the publication of Shofar Magazine, IAJF's website, Facebook page, and E-Newsletter.

\*Creation of a Community Calendar, in order to avoid double booking of a date for varied charitable organizations' Fundraising events.

\*Identifying the issues threatening the well-being of our community, through the efforts of the IAJF Outreach Committee, by continuing to send out thousands of questionnaires, asking participants to identify what they see as prevalent problems in our community:

<http://www.surveymonkey.com/s/T867DF7>

\*To fulfill IAJF's role as the Address and Voice of our community whenever needed.

To face the new challenges threatening our youth, such as drug, alcohol or domestic abuse, the breakdown of the once unbreakable commitment to family, the harmful pressure placed on the young to succeed and so on, by *expanding our educational and humanitarian services.*

\*To get involved in advocacy with regards to issues facing our community.

\*Educating the Iranian community about medical and mental health through the well organized and extremely informative seminars planned by IAJF Health and Wellness Committee, which is always free of charge and open to the public.

\*To collect and share information about all the services provided by our affiliated organizations through the efforts of IAJF Resources Committee.

\*To guide those in need to mental and social resources through the efforts of IAJF Intervention Committee.

\*Updating and modernizing the Iranian American Jewish Center's building, parking structure and social hall to make it easier for all our affiliated organizations and community members to hold their fundraising and life celebrations at a safe and convenient place, through the efforts of IAJF Construction Committee.

To provide *Leadership training* for our youth

\*To provide opportunities for singles to meet each other in a safe environment through our Jewish Singles Network.

\*Numerous other projects that are planned and carried out through the IAJF Women's Division to serve and bring the community closer together, such as: Shabbat dinner celebrations, annual Unity of Organization's Luncheon, free seminars to educate and inform the young and old, adult group Bat Mitzvah for women of all ages, honoring and recognizing those who have dedicated their lives to community service, holding community wide educational programs about vital social topics and numerous other innovative programs.

# Iranian American Jewish Federation News

## Intimacy And Companionship With Your Spouse

On Wednesday September 21, 2011 Women's Division of IAJF hosted a seminar titled "A Discussion on Intimacy and Companionship with Your Spouse." This event, which was held at the Iranian American Jewish Center, was conducted by Homa Halimi Nassirzadeh, MFT. Over 150 couples and interested individuals attended the discussion which talked about how to increase communication, friendship, and intimacy in marriage. As always the event was open and free to the public in order to help and promote healthy discussions and open communication within the

## Mr. And Mrs. Right Or Right Now



From left to right: Dr. Farnaz Halavy Galdjie, Mr. Mike Toofer, Ms. Samira Soroor, Mr. Max Amini, and Dr. Dorit Halavy Miller.

community.

On Sunday November 20, 2011 the Outreach Committee and Women's Division of IAJF hosted a very

exciting and different program at the Rebecca Molayem Gallery in West Hollywood. The program titled "Mr. and Mrs. Right or Right Now" was designed as an interactive seminar that addressed such topics as compatibility, red flags in a relationship, parental involvement, understanding our own real needs, essential elements in a spouse, and making a commitment. The cost of the program, which included a sushi and wine bar, was \$20 and it was expertly conducted by Dr. Dorit Halavy Miller and Dr. Farnaz Margo Galdgi, well known and

## Juval Aviv

respected psychologists within the community.

On Sunday January 22, 2012 the Iranian American Jewish Federation hosted a brunch at IAJF's Neman Hall in honor of Juval Aviv, the lead investigator of the Pan Am Airways flight 103 Lockerbie terrorist bombings. The guests had an opportunity to meet Aviv and hear him talk about today's social and political conditions worldwide, as the current president and CEO of Interfor, and international investigation firm. Juval Aviv and his work were the topic of the best seller book Vengeance written by George Jonas, which was the basis for the HBO movie Sword of Gideon and Steven Spielberg's Munich. Juval himself is the author of the well received book, Staying

Safe. The cost for this interesting and different program was \$30,

## IAJF's New Year's Eve Party

and it was skillfully moderated by Zohreh Mizrahi, Esq.

On December 31, 2011 IAJF's Women's Division hosted a spectacular party at the Center's Neman Hall to ring in the New Year. Great entertainment and musical programs were designed for the whole family as magicians, comedians, and dance instructors performed and entertained the guests. The musical guest of the night was the ever popular artist Pedram. The evening was filled with laughter and good times as the many guests and participants said goodbye to the year 2011 and

## Hebrew Classes For The Youth

made welcomed the New Year among family and friends in style.

Due to the request of many parents and community members with young children, IAJF continues to offer its well received Hebrew classes for children of all ages and those who want get ready for their bar or bat Mitzvah ceremonies. These private classes are taught by the capable and experienced teacher Neli Mizrahi. The classes focus on the traditions, history, and customs of Judaism as well as

teaching the reading and writing of Hebrew and bar and bat Mitzvah preparedness lessons. For more information on how to sign up for

### Annual Unity Of Organization's Luncheon

the classes please contact the IAJF office.

On Thursday March 29, 2012 Women's Division and the Resources Committee of IAJF celebrated Purim, Norooz, and the arrival of Passover during their fourth annual "Unity of the Organization's Luncheon." Over 300 guests representing our diverse community and many of the non-profit and philanthropic organization attended the luncheon in order to learn more about each other's activities and services and to present their own group. The luncheon started at 10 AM and included a silent auction and boutique. The well known Persian radio personality Zohreh Lalehari was the master of the ceremony and the festivities continued with

### Shabbat Speaker's Series

the musical talents of Sohrab and Perjad.

Saturday March 3, 2012 marked the start of a new speaker's series at Temple Beth El of the Iranian American Jewish Center. Dr. Nahid Pirnazar began the scheduled event, which took place during the Shabbat services, by talking about the achievements, and dedication of the great, late, Iranian scholar and historian Amnon Netzer. She was followed

by a young group of individuals known as "Faces of Israel" who spoke about their experiences, and lives as Israeli citizens living in a very diverse and democratic country within the Middle East. The Speaker's Series will continue every Saturday at Temple Beth El, for more information about the prayer services as well as the guest

### IAJF's Upcoming Events:

#### Safe And Ready Seminar

speakers please contact the Iranian American Jewish Center's office.

On Thursday April 26, 2012 the Health and Wellness committee of IAJF will be hosting a seminar titled "Safe and Ready" at IAJC's Neman Hall. The seminar will address the community's concern about reducing toxicity at home and disaster preparedness. A detailed and very informative presentation as well as a puppet show that informs children will be given by the American Red Cross. Dr. Salar Niku will talk about the level of toxicity in our environment and how to reduce and control the dangers of its existence.

Different organizations that work to educate the different communities on all kinds of safety issues will be present at their own booths to answer questions as well as inform the attendants of the different services they offer. The seminar will start at 5 PM and end at 9 PM and as always the seminar is free and open to the public. For more information on this program and other programs designed by the Health and Wellness Committee please contact the IAJF office.

### Birth of the 'Jewpers'!

Jewpers, a team of young active members of the Persian Jewish community, has become the official Youth Committee of the Iranian American Jewish Federation (IAJF).

As described in the group's mission statement, the goal of this group is to create and maintain an eclectic atmosphere for the members of the Jewish Persian young community to achieve social growth by being active in the society, and enjoy social, cultural, educational, and recreational programs along with other members.

The IAJF's board of directors has supported the Jewpers and provided a venue for their meetings, gatherings, and events.

In a gathering during Passover, Jewpers celebrated this occasion with wine, matzo, and fruits, along with watching a documentary about the history of the first Jewish immigrants to the United States, their challenges and contributions.

Jewpers welcome the member of the young generation to their programs and events, and hope to attract more active members to broaden the goals and activities of the group. Some of the main Jewpers' future programs are as follows: hiking, cycling, movie nights, lectures, music, parties, and literature.

Please keep in touch with Jewpers!  
[www.facebook.com/groups/jewpers](http://www.facebook.com/groups/jewpers)  
[iajf.jewpers@gmail.com](mailto:iajf.jewpers@gmail.com)

**(213) 9PERJEW**  
**(973-7539)**

*"Jewper" stands for Jewish Persian ☺*

# Dr. Parviz Okhovat

## Nessah Educational & Cultural Center's New President

By: Faroush Abrishami

In February of this year Nessah Educational and Cultural Center welcomed Dr. Parviz Okhovat as the new president of its board. Dr. Okhovat is a true veteran of the organization since his involvement with Nessah dates back to 1980, the first year that Nessah gathered the Iranian Jewish community for the celebration of the High Holidays in a tent at the Horace Mann School in Beverly Hills.

"It took a lot of time and hard work to get the permit to set up a tent at the school for that first year; it would not have been possible without the help of five other people who were also the founders of Nessah. Over 4,000 people attended the services that year. Later Nessah moved to its temporary location in Wilshire Theater, and then on to its own

location on Franklin street in Santa Monica, and finally to its current location on Rexford Drive in Beverly Hills. I have been involved with Nessah as an active member for over 24 years." Dr. Okhovat said in an exclusive interview with Shofar magazine.

Dr. Parviz Okhovat is a graduate of Tehran Universities Veterinary and Pharmacology schools, and went on to continue his higher education in these fields in England. Upon his return to Iran, Dr. Okhovat founded his own company working in the fields of pharmaceuticals and agricultural.

When asked about the history and background of his community involvements Dr. Okhovat said: "I was born in the city of Hamedan in Iran. I was about 12 or 13 years old when I noticed that a big social hall in the city's synagogue, which belonged to the Khalouts of Hamedan, is not

being used and I decided to turn it into a gym for the youth. The plan was very successful and since then in one way or another I have been involved and active in different social and community services."

Dr. Okhovat's main reason for accepting this position at Nessah was because of the responsibility he felt toward the continuation and growth of the organization: "I was elected to the Board of Directors of Nessah and was encouraged by many of my friends to run for the presidency. I feel Nessah is like a child I have helped to raise and as part of my duty I need to make sure it will grow and mature into higher levels. I am looking forward to continuing and expanding the unity of Nessah with other organizations within the community especially the Iranian American Jewish Federation."

## Writers & Reporters Wanted

**Shofar Magazine** is looking for energetic enthusiastic individuals who would be interested in submitting feature articles, short stories and attending different social events within the community and reporting them for publication. A press pass will be issued to those who qualify.

for more information please contact:  
MMRAHBAR@AOL.COM

view Shofar online at: [www.IJAF.org](http://www.IJAF.org), click on Shofar Magazine

# A Night With President Shimon Peres

By: Mona Javdan



On Thursday, March 8, 2012, Shimon Peres, the President of Israel, spoke at the Beverly Hilton Hotel. The event was presented in a question and answer session with former CNN anchor Campbell Brown. When asked how he thinks Israel should proceed if Iran has nuclear weapons, the president said, that the United States and Israel should pursue other options, such as waiting to see if sanctions are effective, before using military options with Iran. Towards the end of the interview, Brown asked about president Peres's video entitled "Be

My Friend for Peace" on Facebook. The President commented on the influence of modern technology and the next generation and said, "We are living in a new age. You have to speak the language of the young people. They think a short SMS is better than a long speech, so let's follow them."

The event was sponsored by the Jewish Federation of the Greater Los Angeles, the American Israel Public Affairs Committee, the Israeli Consulate, the American Jewish

Committee, the Friends of the Israel Defense Fund, the Israeli Leadership Council, and Stand with US. Other dignitaries who were present and spoke at this unique event included: David Siegel, Council General of Israel; Antonio Villaragosa, Mayor of Los Angeles; and the Chairman of the Board of Jewish Federation. The talented actor Jason Alexander, best known for playing George on Seinfeld, was the host of the evening.

## Israel Celebrates 64 Years of Independence

By: Mojgan Moghadam Rahbar



IAJF Jewpers in Israel's Independence March

April 2012, marks the 64<sup>th</sup> anniversary of Israel's independence. A hard won liberty in modern Jewish history and one that has been of great social and political importance to Jews all over the world. As always the celebration of Israel's independence is tinged with worry and trepidation for the citizen's of this great nation and the Jewish people. Perhaps this year, due to an increase of political uncertainties from the neighboring countries and threat of war, the anxiety about the future of Israel is felt even more by Jews all over the world.

Throughout the history the Jews have had to endure and overcome many hardships. In fact the modern nation of Israel was built and gained its independence as a result of one of the most atrocious events in the history of the world and Jewish people. When a few individuals and their blind followers decided to annihilate the Jewish people, the world took notice and through the fairness, which is never truly lost within the human psyche, the Jews were able to reclaim their homeland and independence. The long and ancient history of the Jewish people and their culture has proven over and over that even when life seems to be at its darkest hour, the light will shine, and humanity will rally around that which is reasonable and fair.

So, this year we will celebrate the independence of Israel, as we have done for the past 64 years, and even if things do not seem as encouraging as we would like, we will survive and thrive because it is our nature and our way of life.

# A Life Of Tikkun Olam

“An Exclusive Interview with Rabbi Harold Schulweis”

By: Violet Sassooni

**Rabbi Harold Schulweis** of Valley Beth Shalom synagogue, in Southern California, has long been a shining light in the Jewish community. Through his many years at VBS, he has led by example the principle of *Tikkun Olam*- repairing the world- both locally and internationally. He has been the force behind many local and worldwide cultural and religious projects while sharing his love of Judaism with each member of his congregation in many ways, including his innovative practice of turning weekly sermons into open question and answer sessions.

After writing his first book and teaching at City College in New York, he started his first rabbinical position at Temple Beth Abraham in Oakland, California in 1952, where he remained for 18 years. He has been married to Malkah Schulweis for 65 years and admires the way she relates to the world with great respect and love.

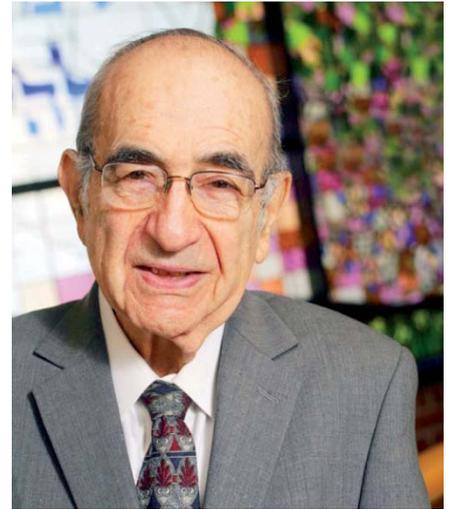
Considered one of the great Jewish scholars of our time, Rabbi Schulweis received his Th.D. at the Jewish Theological Seminary, and has written numerous books and articles including: *Evil and the Morality of God* (1983), *In God's Mirror: Reflections and Essays* (1990), *For Those Who Can't Believe: Overcoming the Obstacles of Faith* (1994), *Meditations and Prayers for the Renewal of the Body and the Renewal of the Spirit* (2000), *Finding Each Other in Judaism: Meditations on the Rites of Passage from Birth to*

*Immorality* (2001), *When You Lie Down and When You Rise Up: Nightstand Meditations* (2001), *Conscience: The Duty to Obey and the Duty to Disobey* (2008). One of his famous articles is: *We Dare Not Murder the Memories of Genocide*.

In an exclusive interview with Shofar, Rabbi Schulweis allowed us a glimpse into a lifetime of leadership, guidance, inclusion, and numerous contributions, which has made a difference in so many lives.

**Please tell us about your background and childhood?**

I was born in New York in 1925. My parents came from Poland. I was influenced by my grandfather, Rabbi Avraham Rezac, a very traditional and strict Orthodox Jew. First, I went to Yiddish school, and later on to the Yeshiva in New York. My father was very critical of traditional Judaism because of his bad experience in Poland. I learned secular, philosophical, historical Bible, and Talmud. I recognized early on that I would not be an Orthodox Jew. I needed an institution that dealt with both the American and Jewish worlds. I admire what they both still do, like the separation of church and state. I strongly believe that you can't force your beliefs on a person. You have to be persuaded by love, argument, reason, intelligence, and wisdom. This is the way we have managed ever since.



**What were some of your innovations in practicing Judaism?**

The first thing I want to emphasize is collegiality, basically overcoming the division between the rabbis and laity. There is nothing that I can do that other educated members can't do, so I introduced *Para-Rabbinics*. We trained people for at least two years to be my associates and help us with all that we did.

Another very successful project was the creation of Havurot, or social circles consisting of about 10 families, whose own relatives were living in other states. People met in their homes, got to know each other, made close and lasting friendships, or even turned into each other's families. They shared their emotions, fears, hopes, and worries, in sickness and in health. They shared their celebrations and losses. They celebrated together and mourned together. Even after the

earthquake of 1977, they helped each other immensely. This is something that a rabbi can't do. It shows people that a synagogue is also a place for friendship. When I was ordained in 1950, a synagogue was mainly a place to go to daven and pray, or attend some holiday services. My grandfather went to synagogue because he was Jewish. His grandchildren go to synagogue to become Jewish and not only to learn, but to grow as well. I also formed Para-Professional Counseling Centers in response to the needs of the community. People came to me with more than religious questions. So, about 35 years ago, I invited a group of professionals, psychologists, healthcare workers and social workers. I asked them for help. They volunteered to get counseling training for two to three years, in all aspects of marital relationships, parent-child relationships, and more, without pay, just as a mitzvah. This has been amazing. They grew and helped other people grow. They gave people this feeling that a synagogue is a therapeutic place where you can go for healing.

We liked to think that Jews don't gamble, don't abuse their wives or other family members. We were in denial. Later we had to start our Gamblers Anonymous group, since we are not immune to these issues. The Jewish House for Abused Women had a long waiting list of people in need of help, from all different congregations.

Today all these may sound routine in some congregations but they were big steps taken to humanize and personalize the synagogue.

**In the past you have showed the way and people have willingly**

**followed you. Please tell us about the ritual of equality for women that you initiated.**

When I started to work in Oakland, women were not counted in minyan, could not be a witness to a ketuba, and were not allowed to read from the Torah or be Bat Mitzvahed. Men read from the old traditional sidurs, "Blessed art Thou, Lord our God who did not create me a woman." We gradually gave women all of these rights; now we can see how remarkable women are in Talmud, Halakha, and in all other fields. We have even had women presidents, rabbis and cantors in our synagogue. We were missing over fifty percent of the community power. The Jews want their lives to be relevant and they want this relevance to be worldwide.

**What are the Jewish World Watch and the Jewish Foundation for Righteous Gentiles, two of the organizations you initiated and helped to create?**

With all the experiences we have had, we Jews should feel responsible for anyone suffering anywhere. We started the Jewish World Watch in 1986, to prevent the bloodshed & genocide happening in different places in the world. Some argued that we should not call it *Jewish* World Watch. I want the Jews to appreciate who they are, and how they are concerned for people in the Congo, Darfur and Sudan, where I don't know of even one Jew. Now we have 65 congregations of all kinds who have joined us. People, especially the young, arrange marches and walks to raise money, they pay and it is done very democratically. It is remarkable, and I am really proud of it.

I started the Jewish Foundation for Righteous Gentiles in Oakland. I noticed that talking about Yom HaShoa, Holocaust Remembrance Day, always made people sad, so I looked for a way to give them hope and comfort. This foundation has found hundreds and thousands of non-Jews from all over the world, who risked their own lives by hiding Jewish children and adults in their homes or businesses, in order to rescue them. We have identified them, and have been helping them. In a yearly banquet for Jews and non-Jews at the Waldorf Astoria, we have been raising money for them since 1965. This is recognition of goodness.

**Why did you decide to start the interfaith dialogues and inter-community friendships?**

I have always tried to bring closeness and friendship between different faiths, religions and communities. We had joint services with the Armenian community under Bishop Gregorian. I asked their choir to sing all their songs and even the National Anthem in Hebrew and our choir to sing in Armenian and they did. We shared our losses (genocides) together, we commemorated together and we have stayed friends ever since.

I have tried to break the barriers of hatred between the Jews and the black community. We went to their AME Church in LA to express our willingness for friendship.

**What is your opinion about Israel as the only Jewish State and the present crisis with the nuclearization of Iran, their denial of the Holocaust, support of terrorism and ongoing threats?**

As the people who have experienced the extermination of one third of their population and being concerned about the lives of all Jews, we have to have wisdom in not appearing as the instigators of a war. Bringing devastation on a small country surrounded by killers needs to be carefully considered. My personal feeling is not to antagonize and demonize the administration.

Shimon Perez said, in his calm and assuring speech, at AIPAC, "We have a great friend at the White House." President Obama also listed all America's support, military aid and intelligence collaboration for and with Israel. What we are talking about now is what can turn into a catastrophe. So, wisdom is the balance between the two sides. On the other hand nobody is aware of the secret talks that are constantly going on.

America does not want to see the nuclearization of Iran and definitely not the destruction of Israel. A great Talmudic expression says, "You can make out of an enemy, a friend." I can't afford to make an enemy out of Obama. You have to be courageous and wise at the same time. There are lots of advertisements going on, but from the Jewish point of view, I have got to play it with moral statesmanship.

**Rabbi Schulweis, I am truly honored and thankful to have had the opportunity to share your knowledge and wisdom with the Iranian Jewish community. I know our community will find your words very instructive.**

It is a great mitzvah that the Iranian American Jewish Federation has this publication.

## Saffron and Rosewater

### Stories of Iranian Jewish Women

By: Jessica Youseffi\*

**"While these tales may speak to a particular sub-group, they are universal immigrant stories; how to assimilate, how to fit in, and how to keep what you came with. These are stories that almost anyone can relate to, whether you're Jewish or non-Jewish, European or Middle Eastern, male or female."**

A year ago I set up a meeting at the Saffron and Rose ice cream shop in Westwood, the heart of Tehrangeles. It may be an unusual setting for a professional meeting, but I love taking people there to try the exotic Persian flavors of fragrant ice creams, which taste more like a mouthful of flowers. I like showing a side of Los Angeles one might not otherwise come across, after all, who would look twice at that unassuming hole in the wall? The purpose of my meeting, however, was not to enjoy the delicious ice cream but to talk to Ronda Spinak about her work with the Jewish Women's Theatre, a nonprofit she founded to give voice to the experience of the Jewish woman in America. Ronda had just completed a show on women rabbis, and I met her as part of my research on the challenges that female clergy continue to face. I didn't quite realize how serendipitous that meeting location was going to be. That same morning Ronda had raised the idea of doing a show exclusively on Iranian Jewish women to her board chair. It didn't take long before she asked me to help develop the show and I readily agreed, excited by the

rare opportunity to explore my Iranian identity through the arts, and share these underrepresented stories with the broader Jewish community.



Vocalist, Niki Black

To get a taste of the salons, I attended the Jewish Women's Theatre Fall party, featuring samples of previous and future shows. Angela Nazarian was there reading an excerpt from her book, "Life as a Visitor," on her experience leaving Iran. I sat next to my mother and held her hand; tears were streaming down her face as she listened to Angela's story. The short reading brought back a rush of memories of the day my mother left her family behind, thinking she would only be apart for a few months, and not knowing it was going to be another 20 years before her parents would be able to leave Iran. I knew that her emigration was difficult, but my



**Actresses Wendy Levin and Roxana Rastegar**

mother had never before shared those emotions and pain with me. It was in that space, seated amongst rows of strangers, that I was able to deeply connect to her experience. That's when I realized the power of the arts to vividly express our stories, and share them with others.

Beginning on March 20, as the Persian New Year rolled by, the first salon for the Iranian Jewish Woman was held by the Jewish Women's Theater, aptly titled "Saffron and Rosewater," a fragrant evening of stories, song and lovely surprises. The shows consisted of short plays, poetry readings, music and art, and were hosted in the comfort of private homes on the Westside and Valley. We were pleased to feature the talented writings of Esther Amini, Farideh Goldin, Dora Levy Mossanen, Gina Nahai, and Angela Nazarian, with musical performances by singer, Niki Black, and artwork by Jessica Shokran and Shelley Gazin. The plays were brought to life in riveting performances by Sharon Eisman, Wendy Levin, Gamal Palmer, Roxana Rastegar and Sohaila Zivari. The stories spoke of nostalgic memories of Iran, the challenges of emigrating, adapting and assimilating into American culture, and the complicated and humorous tension of being a second-generation Iranian. We

laughed, we cried, and we were moved.

While these tales may speak to a particular sub-group, they are universal immigrant stories; how to assimilate, how to fit in, and how to keep what you came with. These are stories that almost anyone can relate to, whether you're Jewish or non-Jewish, European or Middle Eastern, male or female. By planning this show our goal was to help bridge the divide between the Ashkenazi and Mizrahi Jewish community by breaking stereotypes and giving our own account, in our own words. It's about time that the story of Middle Eastern Jews and the story of Jews of color, be included in the broader narrative of our people. As a co-producer of the show, I made sure

this salon promoted a positive image of our community, and tried to steer away from the tired complaints and critiques. This was a beautiful opportunity for the Iranian community to showcase some of her creative talents and reflect on what it means to straddle the worlds of Iran and America. It was my honor to work with such talented producers and artists, and to be part of this important work celebrating the lives of Iranian Jewish women.

**\*Jessica Youseffi graduated from USC in fall of 2011 with a BA in Print and Digital Journalism and Communication Design. She is currently working as a community organizer with Clergy and Laity United for Economic Justice.**



Jessica Youseffi, the co-producer of the event

# The Bigger Picture

## A closer look at the non-profit organization “Looking Beyond”

By: **Daniella Soleimani \***

As privileged residents of the glitz and glam capital of the world, it can seem all too convenient to become absorbed in the whirlwind of social anxiety that surrounds us. Within this system of “keeping up with the joneses,” we are arguably encouraged to accept that acquiring an abundance of material commodities is the ultimate indicator of measuring whether or not we have achieved our highest potential as human beings. While access to the finer things undoubtedly produces feelings of comfort in the present moment, are we failing as a community to envision the bigger picture about the luxuries that matter most to our future? In spite of the traditional use of “luxuries,” that might connote the material realm of things, careers, or reputation, I can’t help but contemplate whether we have taken a mere moment in our seemingly hectic lives to picture what it means to be born without the most essential luxury: health. Naturally, we tend to forget about the numerous families who fight a perpetual battle against the severe physical and cognitive disabilities that threaten to compromise the quality of a son or daughter’s livelihood. Not surprisingly, we do not always see the real people who cannot relish in the traditional aspects of childhood that we or our children have been blessed with. It might slip our minds to imagine

that there are siblings out there who sacrifice every fiber of their energy to stand up for a brother or sister with special needs, even if they are ridiculed or ostracized by their peers as a result of their loyalty. At times, we may not even acknowledge the people with whom we socialize, all the while knowing that in the innermost corner of their eye resides a heavy heart and a pain that we may be afraid to comprehend if we expressed just a word of concern over their special needs child, niece, nephew, grandson, or granddaughter.

Thankfully, Looking Beyond, a non-profit organization dedicated to enriching the lives of children with developmental handicaps and disabilities, is a reminder that we CAN be productive members of our community, even if this means re-examining our priorities every now and then. Established in 1999, Looking Beyond has raised nearly two million dollars to support programs such as the UCLA Intervention Program for Children with Disabilities, Etta Israel Youth Program, No Limits Theatre Group, The Miracle Project, and UCLA hospital, just to name a few. Year after year, this group honors real people with real stories

that make us believers in what can only be described as the unbelievable.

In 2008, Looking Beyond honored Dick and Rick Hoyt, a father and son from Massachusetts. Rick, who was born with Cerebral Palsy in 1962, is both a quadriplegic and a non-speaker. In spite of the doctors’ suggestions that the Hoyt’s should accept that Rick would never amount to more than a vegetable if he lived, Rick proved everyone wrong. Today, his father’s inspirational belief in his son along with Rick’s own endurance and tenacity has earned them praise as an extraordinary duo capable of achieving the superhuman. Together, they have competed in 958 marathon events, climbing mountains, trekking 3,735 miles across America, completing 26.2 miles of bicycling, and swimming in triathlons. When this dedicated father runs, he pushes his son in a wheelchair. When he cycles, Rick is in a seat-pod, attached to the front of the bike. When he swims, he pulls a small boat carrying Rick. Rick is now a graduate of Boston University, and uses a computer to communicate by tapping out letters with head movements.

In 2010, Bebo Saab, another soul survivor of Cerebral Palsy, was honored for his outspoken dedication to sharing his life story at public speaking venues. As a candid advocate for all special needs students, Bebo began speaking out at the age of ten, later becoming the first fully mainstreamed handicapped student at Beverly Hills High School. He then inspired his peers by becoming the first wheelchair

simply about writing a check. It is not about showing one's face at an event in response to a guilty conscience or good-old social obligation. It has little to do with gaining notoriety or eliciting the accolade of others. On the contrary, Looking Beyond has a heart and a soul that recognizes the significance of instilling bravery and confidence within the spirit of a special needs child. Looking Beyond has an unrelenting voice

women, alongside its generous supporters, contributors, and triumphant honorees define what I referred to earlier as the bigger picture: If we look within ourselves and access the compassion and humanity stored within our hearts, we might just discover that there are no disabilities or impossibilities, but only, endless possibilities.

To learn more about our platform and to see how your



**Board Members of Looking Beyond**

bound student Body President in the High school's history. What is perhaps most impressive is that he continued to fulfill his lifelong dream of becoming an attorney. After earning his BA in English from Berkeley, he got accepted to Berkeley's School of Law. He is now an associate at a law firm in Los Angeles where he helps those with disability rights.

As these examples clearly reveal, Looking Beyond is not

and an awe-inspiring resilience that urges us to lend our hearts, not to a cause, but to a larger purpose. Above all, Looking Beyond has a tenacious resolve to enlighten the world that no circumstance should stop of us from embracing our inner gifts.

As the co-founders frequently remind us, "Kids are kids," and every kid deserves to be celebrated. Ultimately, the dedicated team of Looking Beyond

generosity can carry on Looking Beyond's legacy, please visit our website at:

[www.lookingbeyondla.com](http://www.lookingbeyondla.com).

**\* Daniella Soleimani has a B.A. in English from UCLA, and M.A. in literature from CSUN.**

**She currently teaches practical piano and English and Spanish at Berlitz Lingual Institute.**

# Impact Of Divorce On Children

By: **Shadee Toomari, Psy.D.\***

**“Data from national surveys indicate children who go through divorce anytime before the age of 16 are twice as likely to have emotional and behavioral problems, conflicts with their parents, and high school dropout rates.”**

Development is the outcome of transactions between the child and the environment. Through this process the human infant, seemingly helpless, evolves into adulthood, and moves through life. Over the years psychology has attempted to explain, theorize, and shed light onto the course that makes us, who we are.

In his theory of Psychosocial Development, Erik Erikson, one of the highly influential theorists in the field, categorizes psychosocial development into eight stages of progression toward self-esteem. Erikson's stages are critical periods, spanning a lifetime, during which distinct crises between optimum and less favorable results sit center stage. The outcome of these developmental crises will impact a person's view of self and society as various aspects of the person's identity and personality are decided.

For a new born to 18-month-old infant in stage one the conflict is between Trust and Mistrust. An infant who learns his environment is supportive and nurturing will form attachments not only to the parents but also in future relationships. At stage two, the 1 to 3 year-old faces the conflict

between Autonomy and Shame. The treatment received from parents will determine whether the child will develop independence or be burdened by self-critical feelings of shame and doubt. Between the ages of 3 and 6, in stage three, the main conflict is Initiative versus Guilt. The clash between parental restrictions and the child's drive and energy force the question: "am I good or bad?" For the 6 to 12 year-old pre-adolescent in stage four the conflict is between Industry and Inferiority. The focus of life is widened from the immediate family and children compare themselves with their peers to find whether they are "successful or worthless". Long lasting feelings of competence or inferiority are at stake. Erikson's fifth stage covers the early teen years, where Identity versus Role Confusion is the main conflict. As they try to claim independence from their parents some settle on a satisfactory identity and some continue to experiment with various goals and life styles in a state of confusion. The young adult in stage six is between late teen and 20's, where Intimacy versus Isolation is the main conflict. Habits need to be adjusted in order to share one's life with someone else, or loneliness and pressure to find a partner

dominate one's life. Stage seven runs from the late 20's to retirement where the main concern is between Generativity and Stagnation, success in life as a parent and worker versus a gradual decline of life quality. In the final stage, the years after retirement, ego integrity versus despair is the main conflict. Individuals decide whether they are content about their past, present and future life or disappointed and fearful.

A central concept in this view of development is the effects of environment on the outcome of the central conflict in each stage. Life events and interaction with other people shape the developmental path. Positive events and constructive relationships are those that result in the optimum outcome in each developmental stage, while harmful events and damaging interactions leave a negative effect on the person's life.

One event that leaves a negative effect on development is the divorce of parents. The stress of parental divorce, depending on the child's age, can not only effect the child's short-term adaptation, but also impact them in the long term. The trauma of the divorce itself is combined by the parental

conflict before, during and after divorce.

Adolescence is especially a significant phase in terms of negative effects of divorce. The adolescent youth deals with biological, as well as cognitive, psychological and social challenges. For a trouble-free transition to adulthood these challenges need to be met with success. Specific psychological tasks involve separating from parents and family and forming a clear identity and sense of self.

A study by Wallerstein and Corbin (1989) found that during these transitional stage problems that were caused from previous conflicts might show their consequence. For example girls who had adapted well to parental divorce initially, had anxiety in relationships with men when they reached adolescence. Sadness and depression may also inflict adolescence with a history of parental separation. In 1989 Wallerstein and Blakeslee found that in both the 5-year and 10-year follow up, from girls who experienced divorce between ages 6 to 8, only 40 percent were doing well, while for girls between 9 to 13 less than a third were well off. Depression and even suicide attempts were common for those less adapted in their adolescent years.

In a 1994 study from Finland by Palosaari and Aro effects of the timing of parental divorce on later behavior and adaptation were investigated. For the males at age 22, those who had experienced divorce between ages of 7 and 12 reported signs of depression more so than the

younger and older group. For the before school age and adolescence group the depression rate was roughly the same as non-divorce families. Heavy drinking was also more common for the 7-12 group males. Among girls depression was significantly more common among those with divorced families. However girls at the age of 16 were found to have fewer symptoms and higher self-esteem if they were older at the time of divorce.

This study concluded that interpersonal difficulties in adolescence could significantly predict risk of depression in the later years, especially for those who experienced divorce between the ages of 7 and 12, and from theoretical views on depression where deficiencies in social problem solving, learning social skills and un-successful role transition are thought to be significant. Children ages 7-12 may also get more involved in parental conflicts and are more likely to be confused about the issues compared with younger children who might be less involved and older children who understand better. The stress of divorce on children between 7 and 12, whose self esteem are starting to change from the more physical to the psychological and are beginning to evaluate themselves in comparison to their peers, disturbs psychological development.

Data from national surveys indicate children who go through divorce anytime before the age of 16 are twice as likely to have emotional and behavioral problems, conflicts with their parents, and high school dropout rates.

Divorce during adolescence may result in problems with intimacy, sexuality and displays of affection between family members

Parental skills and ability to protect the children however is often decreased due to the parent's own difficulties when facing divorce. Alcoholism, drug abuse, depression and accidents are more prevalent among divorced adults. These impediments reduce the ability of parents to be available and interact effectively and positively with their children. They are inconsistent in their routines, less affectionate towards loved ones, lacking in control of their children, confused as to their own state of life, resentful, and anxious about their parenting abilities, and more at risk for depression.

Developmentally, adolescents are at a crucial turning point in their life. They are renegotiating relationships with their family and the outside world. Divorce presents new variables as individuals are forced to go through another transition, which will change the face of their family unit. Behavioral problems either resulting directly from the separation, the conflicts preceding it, or delayed reactions to earlier divorces may be detrimental to adolescent development. Parent-child relationships, both before and after the rearrangement of the family, are crucial in minimizing the damage left on the children.

**\*Dr. Shadee Toomari is a Licensed Clinical Psychologist, and President and Co-Founder of The Radiance of Hope C.C.**

# What is Knee Osteoarthritis

By: **Shahin Sheibani-Rad, MD, MS\***

Knee arthritis is a common condition affecting millions of Americans. There are three common forms of arthritis: Osteoarthritis (OA) is the most common form of knee arthritis. It is commonly referred to as wear-and-tear arthritis or degenerative joint disease. It is characterized by progressive wearing away of the cartilage of the knee joint. As the protective cartilage is worn away by knee arthritis, bare bone is exposed within the joint. It most often affects middle-aged and older people. Rheumatoid arthritis (RA) is an autoimmune type of arthritis that can destroy the joint cartilage. RA can occur at any age, and generally affects both knees. Post-traumatic arthritis can develop after an injury to the knee. This type of arthritis is similar to osteoarthritis and may develop years after a fracture, ligament injury, or meniscus tear.

This article will give you a better understanding of knee osteoarthritis and different options for pain reduction

The most common symptoms of knee osteoarthritis are: Pain with activities, limited range of motion, stiffness of the knee, swelling of the joint, tenderness along the joint, a feeling the joint may "give out", deformity of the joint (knock-knees or bow-legs).

Generally, the pain associated with arthritis develops gradually, although sudden onset is also possible. The joint may become stiff and swollen, making it difficult to bend or straighten the knee. Pain and swelling are worse in the morning or after a period of inactivity. Pain may also increase after activities such as walking, stair climbing, or kneeling. The pain may often cause a feeling of weakness in the knee, resulting in "locking" or "buckling." Many people report that changes in the weather also affect the degree of pain from arthritis.

There are a wide variety of effective nonsurgical options for patients with osteoarthritis of the knee especially in the early stages. The effectiveness of different treatments varies from person to person.

## Lifestyle Modification

Many, but not all, people with osteoarthritis of the knee are overweight. Simple weight loss can reduce stress on weight bearing joints, such as the knee. It is recommend patients with symptomatic OA of the knee, who are overweight, should be encouraged to lose a minimum of 5% of body weight. I emphasize weight loss as the initial treatment to all patients with knee arthritis. The orthopedic literature has shown weight loss as one of the

only proven treatments for arthritis.

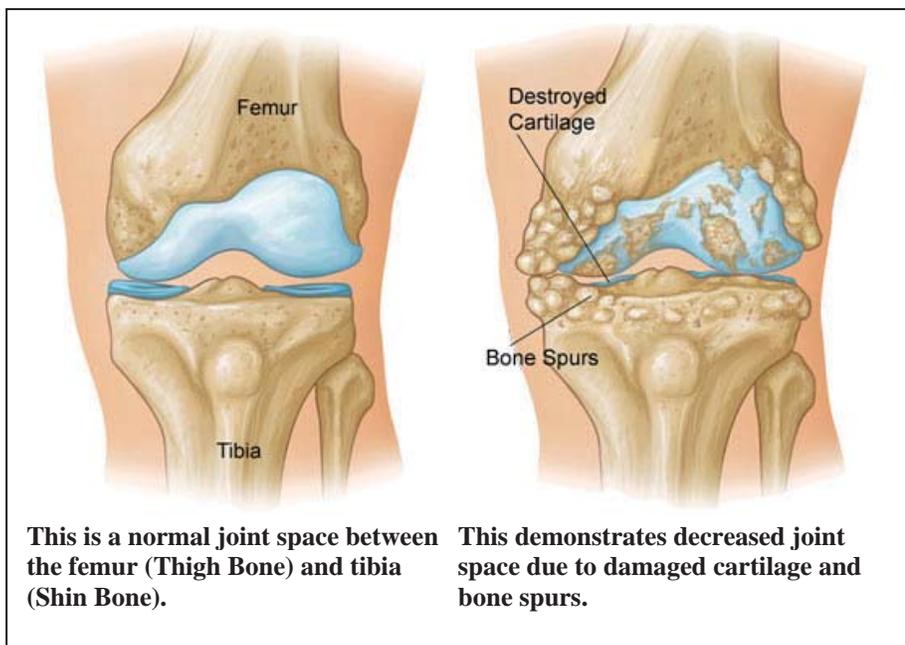
Exercises can help increase range of motion and flexibility as well as help strengthen the muscles in the leg. Patients with symptomatic OA of the knee are encouraged to participate in low-impact aerobic fitness exercises. Those with milder knee symptoms may consider low-impact activities such as walking, biking, or swimming.

*Elliptical machine.* This exercise is ideal for many with knee arthritis, because it is a weight-bearing activity (which strengthens bones), but is not high impact on the knees (like jogging).

*Stationary biking.* Biking, stationary biking, or spinning classes provide an aerobic workout without jarring the knees. To reduce strain on the knees, adjust the pedals so that the knees do not come up to an angle of greater than 90 degrees.

*Treadmills.* While walking on a treadmill is higher impact than the above two options, for some people it is a tolerable form of aerobic activity. Adjusting the treadmill to an incline will provide an additional aerobic challenge.

Exercising while in the water provides several advantages, including: *Buoyancy*, with the support of the water reducing pressure on the knee joints, and *Resistance*, requiring muscles to



work harder to move (e.g. walking in waist-deep water is more difficult than walking on land).

Using supportive devices, such as a cane, wearing energy-absorbing shoes or inserts, or wearing a brace or knee sleeve can be helpful. Cane allows unloading of the joint affected. Some research studies have focused on the use of knee braces for treatment of osteoarthritis of the knee. A brace can assist with stability and function as well.

## Drug Treatment

Several types of drugs can be used in treating arthritis of the knee. Anti-inflammatory medications can include aspirin, acetaminophen or ibuprofen to help reduce swelling in the joint. Simple pain relievers such as Tylenol are available without a prescription. Pain relievers are usually the first choice of therapy for osteoarthritis of the knee. All drugs have potential side effects and these are no exception. In addition, with time, your body can

build up a tolerance, reducing the effects of the pain reliever. It is important to realize that these medications, although purchased over-the-counter, can also interact with other medications you are taking, such as blood-thinners. Be sure to discuss these issues with your physician.

A more potent type of pain reliever is a nonsteroidal anti-inflammatory drug or NSAID. These drugs, which include brands such as Motrin, Advil and Aleve, are available in both over-the-counter and prescription forms. Like all pain relievers, NSAIDs can cause side effects including changes in kidney and liver function as well as a reduction in the ability of blood to clot.

A COX-2 inhibitor is a special type of NSAID that is often prescribed if knee pain is moderate to severe. Common brand names of COX-2 inhibitors include Celebrex.

Glucosamine and chondroitin sulfate are oral supplements that may relieve the

pain of osteoarthritis. These are two large molecules that are found in the cartilage of our joints. They are particularly helpful in the early stages of osteoarthritis of the knee.

Viscosupplementation commonly referred to as “rooster comb” can be helpful for people whose arthritis has not responded to other treatments. It consists of Hyaluronic acid, which is a naturally occurring substance found in the knee joint. It acts as a lubricant to enable bones to move smoothly over each other and as a shock absorber for joint loads. It is most effective if the arthritis is in its early stages (mild to moderate.)

Corticosteroids are powerful anti-inflammatory agents that can be injected into the joint. They are given for moderate to severe pain. They can be very useful if there is significant swelling, but are not very helpful if the arthritis affects the joint mechanics. However, the effects are not long-lasting. They generally last 3-6 months, and no more than four injections should be given per joint per year.

If none of the above treatments are helpful, then it may be wise to consider surgical treatment (knee replacement surgery) as the last option. Depending on the type of arthritis, this may consist of a partial knee replacement or a total knee replacement. These are very effective procedures with long term success.

**\*Dr. Shahin Sheibani-Rad is an orthopedic surgeon at Michigan State University.**

# Jewish Family Service of Los Angeles:

## Providing the Iranian-American Community with Mental Health and Social Services for Over Three Decades and Counting

For over 30 years, Jewish Family Service of Los Angeles has been serving the Iranian community in a variety of ways. Since the early 1980's, JFSLA's Immigration and Resettlement office has been and continues to be instrumental in resettling thousands of Iranian refugee's in the Los Angeles area every year. Chief Program Officer of JFSLA, Vivian Sauer, said: "Through our resettlement work with the Iranian population, we have forged a strong relationship with and a deep understanding of this immigrant population and, importantly, have demonstrated a commitment to serving it beyond the initial resettlement period."

While realizing that the needs of this immigrant community do not end at resettlement alone, in September of 2000, JFSLA established the Iranian Peer Counseling Help-line. The help-line continues to provide confidential and anonymous supportive and referral services to the Persian-speaking community. Since the establishment of the help-line, JFSLA has gained a much deeper understanding of the problems, concerns and needs of this immigrant population, and has since rededicated its effort to serving this community through a variety of programs and services uniquely developed for the Iranians. Included in this approach is a commitment to culturally



competent and linguistically sensitive staffing, as well as developing collaborative partnerships that extend and expand JFS's ability to provide services that are non-duplicative and responsive to the specific needs of the population.

Historically, the Persian speaking population has been a challenging community to establish social and mental health services for. The lack of accurate data as to the exact numbers of Iranian immigrants residing in the Los Angeles area is one reason. Other reasons include the population's cultural bias against reporting low-income status, compounded by the fact that a large number of Iranian Americans who immigrated immediately after the revolution are well educated and financially secure. Another by-product of this bias is the reluctance to reach out and readily disclose mental health and family issues. JFSLA's experience and credibility within this community partnered with the trust that has been established with individual

community members has enabled them to secure funding for the community through a number of different grants, thus expanding services to this population throughout the past 12 years.

One particularly unique and valuable program that JFSLA created for the Persian-speaking community has been the establishment of Yaran: Iranian Peer Counselors and Advocates group. This program, which was established three years ago started through a funding awarded by the California Community Foundation, and focused on training Persian-speaking immigrants in becoming paraprofessional volunteers and advocates. The Yaran volunteers, were then placed with various social service agencies across Los Angeles in order to broaden the organization's ability to work with the Iranian community as well as introducing the partnering organization to the community. The program also allowed Yaran volunteers the opportunity to increase their skills, and expand their knowledge of their host culture while learning about various programs available to the community.

JFSLA developed a culturally and linguistically sensitive, 20 hour paraprofessional training program that was used to train over 30 Yaran volunteers in leadership skills, outreach, advocacy, and the skills needed for other

paraprofessional volunteer roles. The Yaran group continues to run strong today and is always accepting applications for those interested in becoming a Yaran volunteer.

Finally, we are so happy to announce that early this year, JFSLA was awarded an Innovations contract from the Department of Mental Health as part of efforts to provide culturally competent programs to various Under Represented Ethnic Population (UREP) communities. JFSLA was awarded this contract for the Persian speaking community and with this funding they will be able to provide, psychological/counseling, psychiatric, case management, substance abuse, and physical health services, in Persian, to individuals of any age who have Medi-Cal or are low income or uninsured. JFSLA will also provide alternative therapies that the Iranian community can relate to, such as dance and movement therapy (based on traditional Sufi practices and the poetry of Rumi), as well as Shabeh-Sher (night of poetry), to name a couple. And as always, JFS will continue with the various seminars, workshops, and classes that provide the Iranian community the opportunity to increase their knowledge about mental and physical health, and social concerns.

**For more information about the programs and services offered by Jewish Family Service of Los Angeles, please call JFSLA's Iranian Peer Counseling Help-line at (818) 464-2864.**

A point of view

## Iranian Jewish Bubble

By: Allen Kamrava, MD, MBA \*

**“Over the last decade, what was once a quest to guarantee a secure life style for one’s child in marriage has morphed into an unrelenting quest for the unrealistic and unimaginable!”**

Wikipedia defines a bubble as “trade in high volumes at prices that are considerably at variance with intrinsic values.” In my lifetime alone, there have been numerous bubbles that have ballooned and subsequently burst. The more famous of these bubbles have been the tech bubble at the end of Clinton’s presidency, as well as the housing and banking bubbles of the last decade. There are other bubbles that have been noticed and dismissed; and others yet to be acknowledged. One such bubble that fits the latter category is the marriage-wealth bubble that has plagued the Iranian-Jewish community of Los Angeles.

Since our community is highly invested in real-estate and financial markets, it is a necessary corollary that the housing and banking boom and bust have had consequences on our community. Some of the stories are widely known and others are not; however, they are ever so present. Amidst this has been the everlasting commitment to appearances that has become a defining trait of our culture – the unrelenting task to demonstrate notable financial success against all odds. Despite the outward appearances, the bubble has burst, it has affected our community and our youth are scrambling to feign

otherwise, or else risk tarnishing their marriageability! The parental quest to marry their kids off to the remarkable few that have survived the bubble is having untoward effect on their children.

Over the last decade, what was once a quest to guarantee a secure life style for one’s child in marriage has morphed into an unrelenting quest for the unrealistic and unimaginable! Indeed, I have countless physician friends who during the last decade were deemed “financially insolvent” in regards to marriage, by parents of the girls they were pursuing. Realize that in a recent publication, the New York times demonstrated that not only are 12% of physicians within the 1% of top earners in America<sup>1</sup>, but also no other group commanded such a high portion of this elite group. Despite this, I have friends, who as physicians, have been told their earning potential was insufficient by parents of women they have pursued. It simply baffles me how we have arrived here as a community.

This new paradigm is wreaking havoc upon our youth. Faced with essentially impossible standards, our youth are becoming jaded and looking elsewhere for

compatible life companions. Realize the dichotomy we continuously hear these days from both sexes: the men consider the women as only “gold seekers” and the women consider the men as only “flamboyant playboys.” This may have resulted from the outspoken few, which have overpowered the vast majority of our otherwise humble and dignified population, (think “Shah’s of Sunset” - the few outspoken defining a culture!)

In my opinion the blame rests with the parents in our community, plain and simple. They veto far too many suitors for simple and ill-founded reasons. They forgo financial security in hopes of financial largess. They knowingly accept a sycophant as a son or daughter-in-law, while forgoing the astute and insightful. To what end? What is wealth without wisdom? I pity the grandchildren of these individuals, for truly, who is to raise these children and teach them how to succeed in the world? Not simply financially, but more importantly, emotionally and morally.

If happiness is an emotion commensurate to one achieving success, then it must be a consequence of one’s own actions. It cannot be achieved by living upon the laurels of another individual, even a parent, grandparent or father-in-law. As parents, our goal should be to establish the most secure means of allowing our children to be successful on their own accord, rather than to achieve it without action.

Meanwhile, our community is slowly dissolving as our jaded children seek refuge in long-term commitments outside the community. This is an

expected consequence since our children will naturally seek what makes sense for them, not their parents. By going outside the community, they extricate their significant other from the never-ending critical analysis that ultimately ignores the most important facet of the relationship, that together they make a good team which will be able to raise children in a healthy family environment.

Is not raising well rounded children the ultimate end goal? Not just being able to buy them cars and pay for their school, but to actually raise them. To foster their minds, develop their quest for knowledge, and most importantly, make them decent human beings. And the richest form of success one could gain in a marriage would be spouses that can help us accomplish this. There is no quantity of money that could ever achieve or supplant this, since it is rooted in character and character alone.

The wealth bubble has burst in our community. Parents need to accept this and reset their goals for their children’s marriages. They need to be re-established to seek morality, tenacity and heart. The goal should be for the couple to achieve as a team and build together. Life is a struggle, that is okay. It is not easy. Find them somebody who will embrace that struggle with them and will help them achieve success as a couple, the ultimate and most lasting path to happiness.

**\*Dr. Allen Kamrava is currently a Fellow of Colon and Rectal Surgery at the Hospital of the University of Pennsylvania.**

## **Volunteers Needed**

**The Iranian American  
Jewish Federation  
is looking for  
volunteers willing  
to share their time,  
creativity  
and specialty in order to  
serve out community.**

**For more information  
please call  
Farnoush Abrishami  
at 323-654-4700**

## **READ SHOFAR ONLINE**

**You can now read  
all issues of  
Shofar Magazine  
online  
at  
[www.IAJF.org](http://www.IAJF.org)  
by clicking on  
Shofar Magazine**

# Swipes For The Homeless Takes The White House

By: **Delila Pouldar\***

**“By taking advantage of unused meal voucher’s given to university students, and Iranian American student has succeeded in feeding the homeless while educating the masses about their plight.”**

On March 3, 2012, UCLA Swipes for the Homeless received over 25,000 votes and was nominated as one of the five finalists of *The White House’s Campus Champion’s of Change Challenge*.

“All Across America, college and university students are helping our country out-innovate, out-educate, and out-build the rest of the world,” said President Obama. “I hope this challenge shines a light on their efforts, and inspires Americans of all ages to get involved in their communities.” The founders and executive board of the Swipes for the Homeless student organization have been invited to the White House for an event hosted by President Obama. They have been given the opportunity to work with MTV to produce a short film about their goals and accomplishments, which will then air on MTV.

The UCLA Swipes for the Homeless organization was founded by Bryan Pezeshki, a Persian-Jewish senior at UCLA majoring in Neuroscience and attending medical school next fall. In 2009, he started this student group “to help people and have some entrepreneurial fun.” After he saw that there were a few students who were collecting their own meal swipes to take to the

homeless population by the campus, he looked into institutionalizing the idea by developing a university-wide program. However, Pezeshki explains there was initially minimal support: “There was not much student support--I had to get my cousin and a friend to sign off the group with me. There was also no administrative support—most of them opposed it”.

However, it would take more than that to stop Pezeshki from setting out his goal. His organization had the potential and he knew all it required was dedication, persistence, and hard work for Swipes for the Homeless to thrive. The mission was simple; to take advantage of unused meal vouchers, also known as “swipes.” Over the course of a quarter, student’s swipes would roll over weeks at a time. By the end of the semester, plenty of unused meals would go to waste. Pezeshki knew that the food could be better saved and distributed through his organization. These swipes were then used to purchase nonperishable food items to donate to people living on the streets around UCLA’s campus, to homeless shelters in the Los Angeles area, and to UCLA’s Food Closet, a program dedicated to students living on a limited

income. In addition to collecting swipes, the organization seeks to educate students about the hunger problem in the greater Los Angeles area and empower students about their role on how to help.

The success of Swipes for the Homeless has surpassed anyone’s expectations and Pezeshki’s hard work and clear vision have paid off. Just last quarter, UCLA students donated 7,400 swipes to the organization amounting to thousands of donated meals. Needless to say, Swipes for the Homeless has become one of the most recognizable and influential organizations on UCLA’s campus. The recognition by the White House is just a testament to its success. Pezeshki



**Program volunteers**

is now working on spreading the organization to universities across the country. Nationally, Swipes for the Homeless has established ten chapters at universities including the University of Southern California, University of California Irvine, University of Texas San Marcos, and the University of California Berkeley.

Shofar Magazine is proud to congratulate Pezeshki and all involved with Swipes for the Homeless on this great honor.

**\*Delila Pouldar is a senior at the University of Southern California majoring in Biological Sciences with a minor in Business Administration.**

# A Reflection On Our Community

By: Justin Saba\*

**“Our community wonders about why the Shahs of Sunset exists. We need look no further than ourselves. We are to blame for the image we have presented to the outside world that is reflected back at us in this mirror of a television show.”**



By the time you read this article, the TV reality show Shahs of Sunset will already have premiered. There are few in our community who haven't heard of it, expressed their opinion regarding it, and ultimately, bashed it. You are probably one of them. Then again, admit it: You did actually look forward to watching Shahs of Sunset. Actually, if truth be told, you looked forward to critiquing every snatch of dialogue, analyzing every piece of clothing, and of course, giving your verdict on each character's personality from the show. No other show in history has garnered the attention of the Persian community as this show has. What's more, no other show has offended our community as this Ryan Seacrest production has.

My great-grandmother, of blessed memory, used to quote an Old Persian proverb, which loosely translates as, "We must slap our cheeks to keep them red." Coming from a roughly 90 year old Hamedooni woman at the time, it

is still remarkable how little Persian culture has changed from the days when she was a teenager. Even if few of you have heard this saying, anyone in our community, and many outside of it, truly would know the meaning. Our community is famous, or infamous on how you look at it, for having a tight hold on our self-image to the outside world. We are expected to display our aura of perfection, maintain our grandeur, and at all costs, maintain our semblance of success, wealth, and pride, even if it means putting ourselves through major pain to do so. The 60 plus women still wearing 5 inch stilettos through unbearable pain, the family which has a limited income but buys the largest house possible, the young men and women who buy new sets of clothing every month, these are all symptoms of both the greatest strength and the most glaring weakness in our society. We have become addicted to opulence. It has become our cultural imperative that we must awe and dazzle others for the sake of family and

individual reputations. It has become an accepted fact that we must lord over others our wealth, prosperity, and comfort.

It's now been well over 30 years since the Islamic Revolution in Iran which forced the majority of our families to escape to this country. Over 30 years of striving to become the most successful group of immigrants to ever put down roots in the United States. For the most part, the strong ethnic and familiar bonds that originated in Iran still remain within our community and have driven our dreams of success.

Yet, we may have pushed too far. We've escaped from the reality of our grandparents and ancestors and have become obsessed not with the spiritual or the emotional, but with the physical and corporeal. We buy our children BMW's and Mercedes', Dior and Gucci, all in their teens before they even learn the value of a dollar. Bar-mitzvahs, bat-mitzvahs, and weddings are now less about the milestone than trying to outdo other families. Our

houses are now called Persian Palaces and our sons and daughters are reoffered to as prince and princess in accordance to the popular culture. Our community wonders about why the Shahs of Sunset exists. We need look no further than ourselves. We are to blame for the image we have presented to the outside world that is reflected back at us in this mirror of a television show. We have created images of splendor and opulence when modesty would have sufficed and our community is now being burned in effigy on television for millions to watch.

Our community knows the animosity many hold against it. Yet, we continue to exacerbate it more and more every year. Shows like the Shahs of Sunset don't appear out of the blue. They have some basis in fact. Unfortunately, they are not the facts that we in the community appreciate or even let out from under the rug. It's with great sadness that I see my culture diminished on national television to nothing more than materialism, gluttony, and elitism. I even feel a twinge of loathing towards the producers of this show. Yet, I have realized the idea for this show did not begin or materialize with them. It began with us, and if we're so adamant about ending shows and notions such as the ones displayed on the Shahs, it's time we began to look at the failings in our own community first.

*\*Justin Saba is a graduate of UC Irvine, class of 2010.*

## Two Different Films, One Country

### An observation of “A Separation” and “This Is Not a Film”

By: **Kayvan Gabbay**

The Academy Award winning movie “A Separation” has elicited rave reviews from critics across the country. It has most deservedly won the Academy Award for Best Foreign Language Film. Suffice to say that the world-renowned, veteran writer/director, Woody Allen, has called “A Separation” the best movie of the year.

The dissolution of a marriage, determination of child custody, and the representation of a judicial system are all dealt with expertly in “A Separation”. An Iranian movie made by the acclaimed writer and director, Asghar Farhadi. The seemingly pedestrian yet insidiously complex story depicts a middle-class Iranian wife, Simin (beautifully portrayed by the radiant Leila Hatami) who urgently seeks a divorce from her stubborn husband, Nader (exceptionally played by Peyman Moadi). Simin not only wants a divorce but she wishes to leave the country with their 12-year-old daughter, Termeh (played by the director's daughter, Sarina Farhadi). Nader does not want the divorce and it is all even harder for him since Simin has been the sole care taker of his old father, who is suffering from Alzheimer's, for many years and is need of constant

care and attention. Nader is finally forced to hire a poor, highly devout woman to look after his ailing



father.

Nader returns home from work one day to find his father tied to the bed and a large sum of money missing from his apartment. Filled with anger when the woman returns he fires her on the spot. The woman declares her innocence about the missing money and refuses to leave without getting paid for her time but while calling her a thief, he pushes her out of his apartment doorway. As further complications ensue around the fate of the devout woman, Nader is charged with murder.



Farhadi employs each character's varying viewpoint of what exactly happened to the woman after she was pushed out the apartment by Nader. The varying viewpoints reminds one of Akira Kurasawa's "Rashomon", which showed the same incident from multiple points of view leaving it up to the audience to decide what actually happened. Farhadi elicits naturalistic performances to amazing effect, which is reminiscent of Italian neo-realist filmmakers of the post-WW II era and his Iranian colleagues who have employed nonprofessionals in roles for years in order to achieve a sense of transcendent naturalism and realism.

Yet, Farhadi takes this style one step further by employing professional actors such as Fatami and Moadi, respectively, to actually achieve a natural, real, raw performance breathing with life. Rather than showing mere plot points the director has developed characters that feel real. Good people struggling to make the right decisions under depressingly dire circumstances. Simply put, the human condition is

put on display in all its glory, heartache, and reality.

"A Separation" deals with the lives of a particular Iranian couple of a particular social class living in a particular time in Tehran. Yet, in this particular, one can find the universal, where the universal relates to everyone.

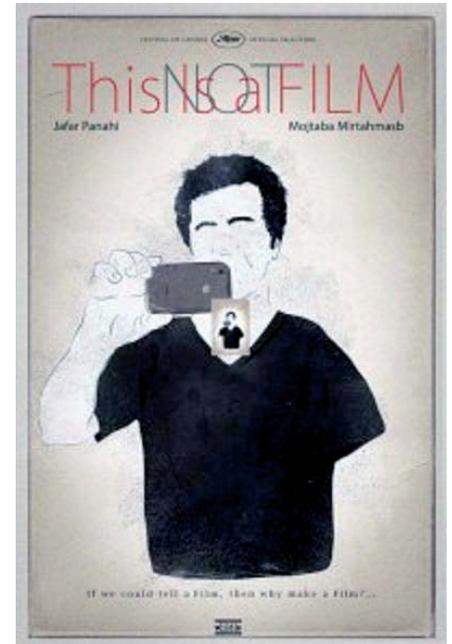
**If "This Is Not a Film", then what is it?**

"This Is Not a Film" may not actually be considered a film by the individual involved in making it, the award-winning Iranian director Jafar Panahi, who labels it "an effort" (clocking in at a brief clip of 85 minutes). Yet, it speaks with the full force, urgency, and creativity of artistic expression. Panahi has been under house arrest and relegated to the environs of his Tehran high-rise apartment unit. The Iranian government has banned him from making and directing films for the next twenty years.

This non-film documents a day in his life, starting with breakfast over a phone call with his lawyer who briefs him on the possibilities of a successful appeal and reduced prison sentence. His wife and daughter are visiting her

parents for the Persian New Year celebration of Charshambeh Souri. Panahi is documented by his filmmaking colleague, Mojtaba Mirtahmasb, with a consumer-grade digital video camera throughout the day and while viewing clips from his previous films such as "Crimson Gold" and "The Mirror".

At one point, Panahi goes over shots of a prospective film that he has blocked out with yellow masking tape in his living room and looks up at the camera, despondently wincing, "If we



could tell a film, then why make a film?" His pain at the prospect of not being able to express himself comes across. Panahi is a true filmmaker who has managed to make a great film out of the idea of not making films. We hope that he will be able to once again showcase his talents in a free and welcoming environment.

**\* Kayvan Gabbay is a writer currently pursuing work in the legal field. He is a graduate of UCLA, Chapman University, and Southwestern Law School.**

# Somaly Mam And Nazarian's "Pioneers of the Possible"

By: **Tannaz Kamran Rahbar**

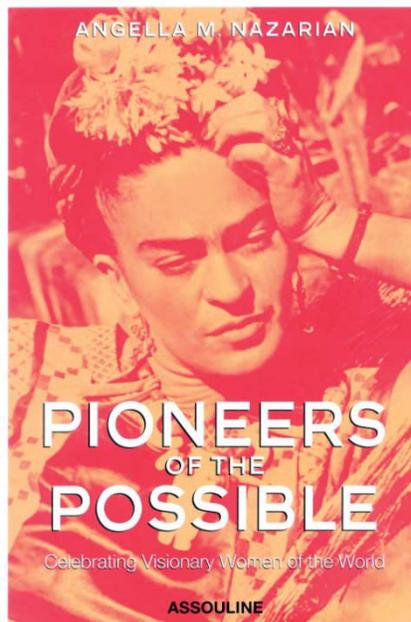
**"While listening to the courageous life story of Somaly Mam during a women's conference, I later learned that among the 10,000 other stunned women at the conference sat Angella Nazarian, and was so touched by her story that she later feature Mam in her new book, "Pioneers of the Possible."**

About a year ago I met a most extraordinary woman at Maria Shriver's Women's Conference, and once I heard her life story, I was changed forever. Her story and mission in life opened my eyes to the heart wrenching facts that in this day and age there are homes where little children are imprisoned and held as sex slaves. They are starved, beaten and drugged into submission. The majority of them are stolen off the streets or worst yet sold into these homes by their own families, and many of them die as a result of severe abuse and diseases. When, Somaly Mam courageously explained all this and her own nightmare as a survivor of such horrors, I knew I had met my new idol, and cause. I learned later that among the 10,000 other stunned women at the conference sat Angella Nazarian, so touched that she would later feature Mam in her new book, "Pioneers of the Possible."

I became an active member of the Somaly Mam Foundation in Los Angeles. In my excitement that I had a like-minded friend within the Iranian American community, I contacted Nazarian. She graciously invited me to attend her book signings as a representative of SMF. I was thrilled when she offered to donate

a portion of the proceeds from her book to SMF.

Somaly Mam has dedicated her life to uncovering the most dark and heinous side of human experience. Sexual slavery has reached frightening global levels and the profits have surpassed the drug trade. To date Mam has



rescued over 7,000 children, some of whom are infants. In her crusade, she has traveled and met with some of the world's most renowned leaders and received numerous humanitarian awards and recognitions. She lives in the Cambodian jungles with her children, and continues her fight from within the trenches. She goes on live raids on brothels,

personally pulling children out of these unspeakable conditions. Somaly receives constant death threats and has been shot at numerous times.

Upon hearing all this, my first thought was: "What human being would do such things to an innocent child?" Somaly's mission is to change the question: "What human being would stand aside and watch as others do such things to innocent children?" Living by example, Mam is fighting against human trafficking and the rescue and rehabilitation of child sex slaves. Somaly Mam is one of many other such revolutionary women.

"Pioneers of the Possible" is the newest work by Angella Nazarian whom you might know as the author of "Life as a Visitor", her last book to hit the shelves in 2009. On February 20, 2012 Nazarian held a book signing at the SLS Hotel in Beverly Hills, where a large and enthusiastic crowd gathered and waited in long lines for a chance to meet and congratulate the author on her new work. Among her many credits as writer and teacher of psychology, Nazarian is also the co-founder of "Looking Beyond", a nonprofit organization benefiting children with disabilities.

“Pioneers of the Possible” showcases 20 visionary women of the 21st century who have changed the world in dramatic ways. This book is so much more than just a case study on 20 heroic women. As women grow and morph over a lifetime, we reach different milestones in our self awareness, our depth of empowerment, and how we relate to the world outside of our homes. In an ardent searching of self, Nazarian has tapped a rich mine of power and potential within herself to go above and beyond all that she has so admirably accomplished so far. This epiphany is the source of inspiration for her new book. Nazarian’s passion and excitement for the subjects in her book, including, Amma the Hugging Saint, Torera Conchita Cintron ‘The Lady Bullfighter’, and Ella Fitzgerald, is a reflection of the burning fire within herself. She

tells of the lives and triumphs of these women, and gleans dramatic details of their stories that would be a blueprint for anyone to create ‘greatness’ in their own lives.

The most common attributes of ‘Great’ women, Nazarian writes, are that “Every one imagined what did not yet exist, but might someday. That’s why I call them Pioneers of the Possible.” She observes that in order to tap into one’s own treasures within, we must stop wasting time looking for faults with ourselves so we can fix them. This change requires a ‘shift of paradigm’ in that we must instead focus on what we do right, who we are that is admirable and good, then pick that up and run with it like Helen Suzman, Frida Kahlo, and Forough Farrokhzad so courageously did.

In a time when the earth is trembling from such horrors as

hunger, poverty, war, illiteracy, discrimination, sexual slavery, terrorism, addictions and so many other atrocities, ‘Pioneers of the Possible’ is a battle call for all women who are so blessed with unique and endless gifts, to reach into the depth of our burning core and bring forth that mighty sword of change, to wage war against all these evils. “Pioneers of the Possible” is Nazarian’s sword. With this book she is doing her part to create change, and inspire others to go above and beyond the boundaries of their own skin and reach out to the world in more profound ways.

The praise for Angella Nazarian as a gracious writer was unanimous. “Pioneers of the Possible” is informative and entertaining, but mostly powerful and inspiring to bring about positive change to our world that so desperately needs it.

## Jelaluddin Rumi quotes



Beyond our ideas of right-doing and wrong-doing,  
there is a field. I'll meet you there.  
When the soul lies down in that grass,  
the world is too full to talk about.  
Ideas, language, even the phrase 'each other'  
doesn't make sense any more

### REBIRTH

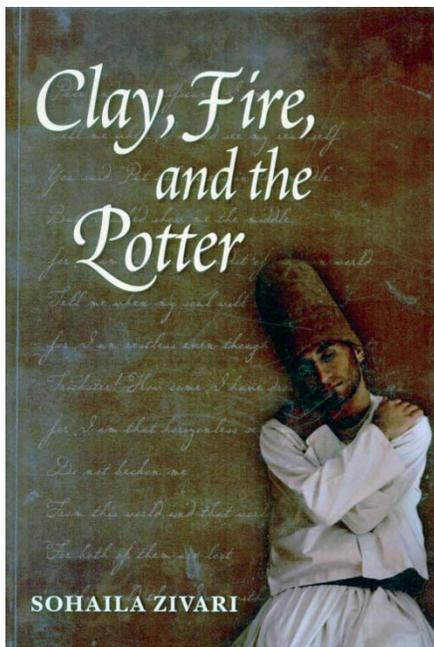
I died as a mineral and became a plant;  
I died as a plant and rose to animal;  
I died as animal and I was a man.  
Why should I fear? When was I less by  
dying?  
Yet once more I shall die as man to soar  
With angels blest. But even from an angel  
I must pass on: all except God must perish.  
When I have sacrificed my angel soul,  
I shall become what no mind ever conceived.

# Book Review Briefly Noted

## Clay, Fire, And The Potter

Written By: **Sohaila Zivari**  
(Sohaila Mahshood Zivari  
sohfer210@aol.com)

Reviewed By: **Mojgan  
Moghadam Rahbar**



Looking at old painted portraits of Rumi, the great thirteenth century Persian poet, Sufi, and philosopher, with his turban and long, white beard, would anyone think of portraying him as the sexy, romantic hero of a fictional love story? Well, Sohela Zivari has done just that in her debut novel Clay, Fire, and the Potter or as she calls it “yet another interpretation” of Jalal al-Din Mohammad Rumi’s life.

In her smooth and ancient sounding prose, Zivari manages to humanize the legend that is Rumi,

as a father, son, husband, friend and lover. The story follows the daily journal of Ayesha, servant to Kerra Khatoon, Rumi’s second wife. Although the book is a work of fiction it pinpoints and documents the important points of Rumi’s personal and public life. There are some translations of his poetry, as it relates to the story, and a very convincing, even if fictional, explanation of the complicated relationship between Shams and Rumi is portrayed. Zivari has extensively read and researched the life and works of Rumi in both English and Persian since 1991, and has succeeded in writing an entertaining and informative interpretation of this amazing man’s life. Clay, Fire, and the Potter is a wonderful introduction for those who seek to start their own journey into the spiritual and astounding life of Mowlana Jalal el-Din Rumi.

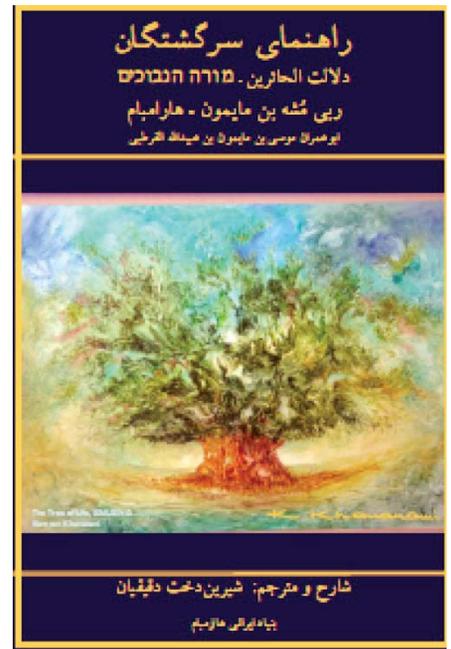
## THE GUIDE FOR THE PERPLEXED (Persian translation)

**With original commentary in  
Persian and English**

Written and Translated By:  
**Shirindokht Daghighian**  
(Persian Maimonides Foundation  
<http://persian-maimonides.org/buy/>)

Reviewed By: **Morgan Hakimi  
Ph.D.**

Rarely do we come across literary work that changes the way communities understand and



perhaps rationalize the bewilderment of their time. Shirin D. Daghighian has created such an opportunity for the Iranian Jewry all over the world. Through her translation of “The guide for the perplexed” she brings about awareness to a community in dire need of it. Less than four decades ago, the hands of faith uprooted insular Jews that have resided in Persia since the Babylonian times, and have remained intact in the course of their historical struggle. It is one of the mysteries of our intellectual history that the Maimonides’ Guide, together with his instructions on how to read his book, has been so widely ignored. Daghighian manages to inform her readers with great eloquence that they are not confronted with just an ordinary book. While many Jewish communities revered Maimonides', unfortunately until today Iranian Jews have not been exposed to this thought provoking religious masterpiece.

There is a saying that the history of Jewish doctrine runs from 'Moses to Moses'; the second of which is Moses Maimonides. Maimonides

dives into the most difficult questions of theology and reality itself, many of which are still controversial today. He draws from Jewish, Islamic and ancient Greek philosophers, and evaluates each one on their merits. Controversial when it was written, the *Guide* continues to be a key reference point in the evolution of philosophy, and will be a rewarding journey for the modern reader.

Perhaps the greatest pride for me lies in the fact that a female scholar has taken the initiative to answer the call of history. Shirin Daghighian, who has already made an impact on the Iranian literary society, met this challenge with ease. Daghighian's erudition and strong personal conviction empowers her to convey the message successfully. Her vast knowledge in philosophy, history, and religion, facilitate this rite of passage. Daghighian's work has been well received and she is considered as one of the more influential of Iranian writers. Her sentences, with uncomplicated grammar, are the hallmark of a clean style and a careful process in selecting essential elements. Besides presenting a full accurate translation of the three chapters of the *Guide* in Persian, Shirin Daghighian has written an original commentary on this masterpiece of Maimonides in both English and Farsi.

The powerful impact of Shirin Daghighian's work will be ascertained by passage of time. The inspiring interchange has already begun through the distinct and stimulating "café Rambam" classes for the Persian communities of Los Angeles and New York City. For a community that has been lost in the sea of

cultural duality for decades, pursuit of spiritual progression is imminent. Hence, once again history repeats itself, and the *Guide* becomes an understated channel for the spiritual journey of an ancient group of Jews in exile.

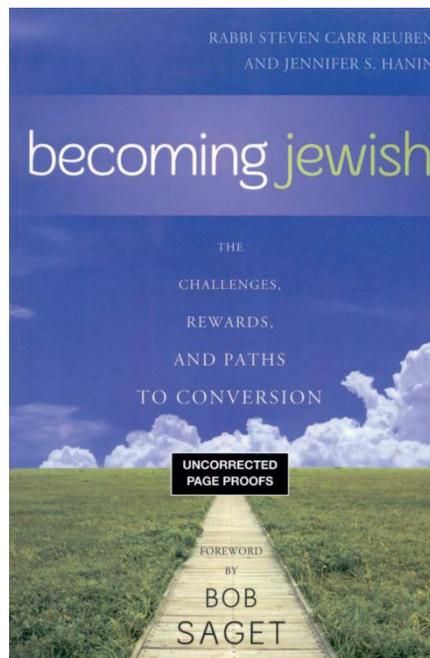
## Becoming Jewish

Written by:

**Steven Carr Reuben  
and Jennifer S. Hanin**

(Rowman & Littlefield  
Publishers, \$22.95)

Reviewed by: **Amanda Nathan**



"Becoming Jewish-The Challenges, Rewards and Paths to Conversion" is a new book written by Rabbi Steven Carr Reuben and co-authored by Jennifer S. Hanin. This is a must read for anyone considering converting into a Jewish life or whose life has been touched by the conversion process. Rabbi Reuben has written numerous articles on interfaith issues while serving as the Senior Rabbi in the largest Reconstructionist congregation in

the world. Jennifer S. Hanin is a freelance writer and herself a convert to Judaism. Therefore her input is invaluable.

The writing style is very personal, insightful as well as relevant for today's world. This is the first attempt ever made to write a comprehensive book on this subject. The authors recommend this book to anyone who maybe struggling with the multitude of issues that can arise for a future convert.

Conversion into Judaism seems much more commonplace and acceptable in today's society. This book hopes to enrich and inform the convert's journey into Judaism and is meant to give insight into every facet of conversion for those who have already chosen to convert. It is important to the authors that it be understood that their intention is to never be considered proselytizing or coercive to the reader. Their intention is to deliver a practical book that demystifies a religion still cloaked in public misinformation, private rituals and unique regional customs. They hope to give information only a good friend that went through the process themselves could give the reader.

For many, falling in love or becoming parents precedes conversion or the intent of giving one's children a single religious identity. Others are searching for options to create a more enriching spirituality in adulthood for one's self. Each chapter offers expert advice on a variety of issues a person could encounter before, during or after conversion and ends with the hope that the book will enrich and enhance a person's conversion experience. One could

approach “Becoming Jewish” as a type of guide to accompany Judaism 101 along with a book on Jewish philosophy.

The authors use tools such as humor, one-on-one interviews, historical information and personal narratives to relay their information to the reader. They also tackle the difficult task of explaining the differences between the ways one can identify as being Jewish as part of the transition: believing, belonging and behaving. They categorize Judaism as more of a belonging type of religion, a way of life and an identity. They give a detailed historical guide to the Jewish calendar year and life-cycle events along with great historical detail of the Judaic peoples. Part of this narrative is to teach what makes Judaism so unique and Jews so distinct in the modern world and why Jews focus so much on social justice becomes the theme.

The authors focus is to explain what it means to be a Jew and that we were created in God’s image with no exceptions or ranking and that we are all sacred in God’s eyes and that if this concept was held universally, it would change today’s turbulent times. Becoming Jewish is a lifelong process whether you choose Judaism as an adult or grow up Jewish from birth. They tell the convert to follow the values that give them the greatest sense of fulfillment and connection to a Jewish life. It is an everlasting journey filled with constant opportunities for self-discovery and spiritual growth.

## In Memory Of A True Lady

*How we aspire for our world to be  
a world of justice!*

*A world of peace and kindness  
Until the time that the buds of  
happiness blossom,  
And decay is replaced with  
foundations of well-being  
Until then we cling to our hopes*

*We pray for the banner of peace to  
fly*

*And for the flower of contentment  
to grow in a garden of integrity  
and loyalty*

*May we imbibe the wine of a  
sweet life*

*With neither the bitter taste of  
cruelty nor of prejudice*

*True contentment for mankind lies  
only in the serenity and purity of  
truth*

*The greatest attainment in life is  
the blessing of love and fulfillment*

*Oh, our great Creator, cause  
Your peace to be shared among all  
your creatures*

*Everywhere in your world*

**- Touba Karubian**

\*\*\*

In January the Iranian American Jewish community lost one of its most active and well loved members. Touba Haghani-Karubian passed peacefully few days before her 92<sup>nd</sup> birthday. Although she had migrated to United States, with her late husband Rouhallah Karubian, over fifty years ago, she was very much aware of the need for community and social services that would help the acculturation and assimilation of the newly arrived Iranian immigrants of the 1980’s. As a



result, among her other charitable and community minded activities, she was one of the co-founders and past presidents of the Iranian Jewish Women’s Organization of Southern California as well as the force behind the Iranian Committee for Support of Medical Research at City of Hope. As the president of this organization she single handedly raised over one million dollars for medical research in one decade. Karubian was a painter and poet and the owner of Touba Kay Galleries in Beverly Hills.

The President and members of IAJF’s Executive Board

The President and members of IAJF’s Board of Directors

The editor and contributors of Shofar Magazine

Convey their condolences to her beloved children and grandchildren, Vida Foroutan, John Karubian and especially Guitta Karubian, previous editor of Shofar magazine’s English section.